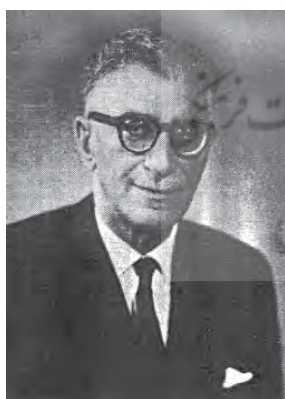


وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر ضد استعمار انگلیس) از مؤلفی ناشناخته

به کوشش
یوسف بیگ باباپور
مسعود غلامیه

مقدمه



صارم الدوله

وقایع مملکت مصر، اثری از مجموعه صارم الدوله اصفهان است. این مجموعه در کتابخانه صارم الدوله اکبر مسعود، پسر ظل السلطان در اصفهان به شماره ۱۱۳۹۵ نگهداری می‌شود. خط آن نستعلیق، تاریخ کتابت قرن چهاردهم و در ۱۹۵ صفحه و جلد مقوایی ضربی است. این اثر شرح وقایع قیام مصریان ضد استعمار انگلیس است که به رهبری عرابی پاشا به وقوع پیوست و توانست ضربات و خسارات شدیدی به دولت بریتانیای آن زمان وارد آورد. در این قیام هر دو طرف خسارات جانی و مالی زیادی دیدند، اما در نهایت با فشار دولت انگلیس بر دولت مصر و از طرفی درگیری مستقیم ارتش مستقر دولت انگلیس در مصر توانستند آن را سرکوب نمایند و در نهایت عرابی پاشا را زندانی و سپس به یکی از جزایر دوردست از متصرفات انگلیس تبعید نمایند. تصاویر این اثر نیز در نوع خود جالب و دیدنی است.

مجموعه خطی صارم‌الدوله در اصفهان از بسیاری جهات حاوی آثار ارزنده و متنوعی است. اکبر میرزا، مشهور به اکبر مسعود، ملقب به صارم‌الدوله، از رجال مشهور و نقش‌آفرین اواخر عهد قاجار و اوایل دوره پهلوی اول بوده است. او فرزند ارشد مسعود میرزا ظل‌السلطان و از نوادگان ناصرالدین شاه قاجار است که به علت کارهای سیاسی، در دوره حکومت بیست ساله رضا شاه مطرود و خانه‌نشین شد. مرحوم صارم‌الدوله تعداد پانصد جلد کتاب از کتاب‌های چاپی کتابخانه پدرش ظل‌السلطان را جهت ایجاد کتابخانه مدرسه متوسطه اصفهان (صارمیه) در آغاز به صورت وقف به مدرسه اهدا می‌نماید. علاوه بر تعداد فوق، پانصد جلد دیگر کتب چاپی و خطی در سال ۱۳۴۴ توسط وی به کتابخانه فرهنگ اصفهان اهدا می‌شود.

مجموعه کتب خطی و چاپی که در سال ۱۳۴۴ شمسی توسط اکبر میرزا ملقب به صارم‌الدوله به کتابخانه عمومی اصفهان اهدا شده، تماماً ممه‌ور به مهر بیضوی شکلی است که در آن این عبارت حک شده است: «اهدایی به کتابخانه فرهنگ اصفهان صارم‌الدوله آذر ماه ۱۳۴۴». کتب خطی این مجموعه که عمدتاً در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری به رشته تحریر در آمده و بیشتر در زمان پدر صارم‌الدوله یعنی ظل‌السلطان نوشته شده، این اقدام یا به دستور مستقیم ظل‌السلطان انجام گرفته یا به صورت پیشکش به نام او نوشته یا ترجمه شده، ولی تعدادی از آن نسخ نفیس، مربوط به قرون قبل از آن است. موضوع کتب خطی بیشتر در زمینه‌های تاریخ و جغرافیا، سفرنامه و ادبیات است.

البته تعداد قابل توجهی از کتب خطی مذکور، ترجمه‌هایی است از زبان‌های مختلف اروپایی که در دوره قاجار صورت گرفته است. طبق دفتر ثبت کتب خطی کتابخانه، تعداد کتب خطی اهدایی او به کتابخانه حدود ۲۱۰ تا ۲۵۰ نسخه ذکر شده است. (بعضی از نسخ به صورت مجموعه، حاوی چند کتاب است) و بسیاری از کتب چاپ نشده به صورت دست‌نویس هنوز باقی مانده است.

از ویژگی‌های این مجموعه اینکه بعضی از نسخ، منحصر به فرد بوده و در دیگر کتب فهرست‌نسخ دیده نشده است. همچنین، نفاس و ظرافت هنرهای به کار رفته در نسخه‌های مذکور است که آن را ممتاز نموده است.

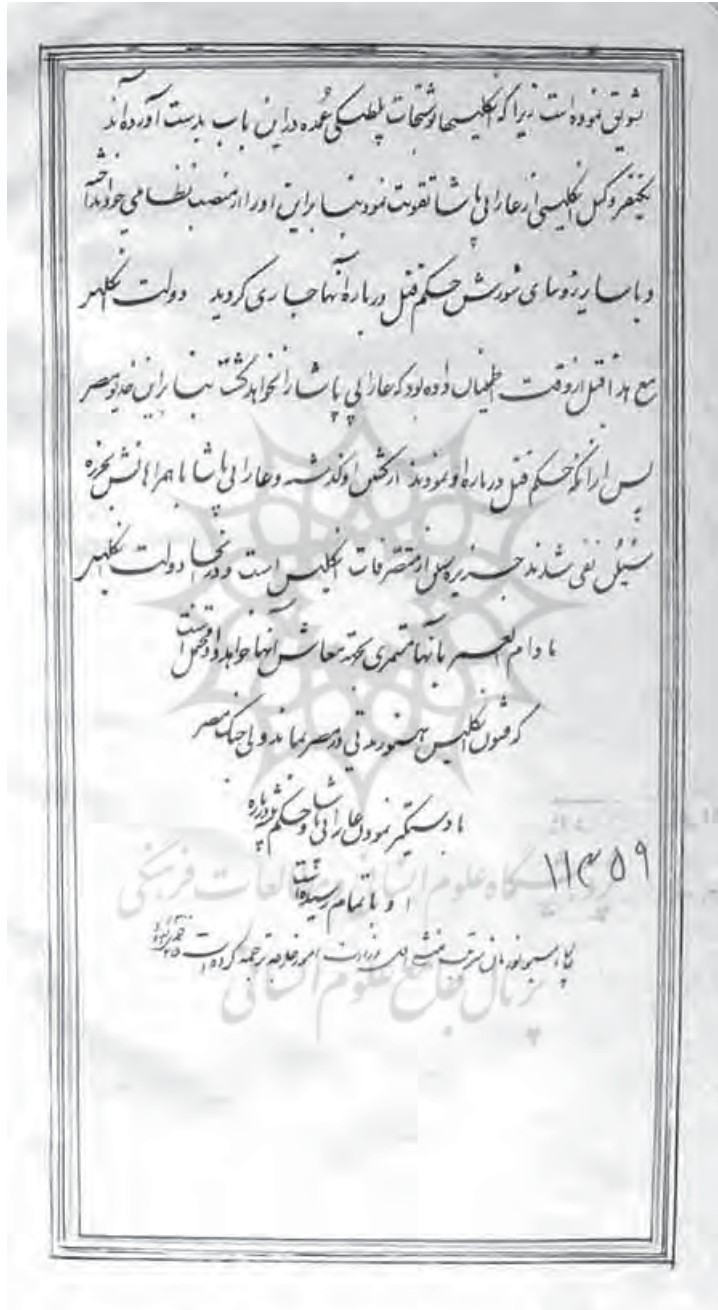
با اطلاع از وجود این نسخ خطی ناب و منحصر به فرد در مجموعه صارم‌الدوله، ضرورت نیاز به تصحیح و نشر آن آثار ملی مکتوب و قرار دادن این رسایل در دسترس علاقه‌مندان، بیشتر از پیش احساس گردید. ما در احیای این اثر به همین یگانه دست‌نویس آن اکتفا نموده‌ایم.^۱

۱. نک: محمدعلی هدایت، فهرست نسخه‌های خطی صارم‌الدوله، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰.

صفحه آغاز نسخه



صفحهٔ انجام نسخه



بسم الله الرحمن الرحيم

در باب احوال و وقایع مملکت مصر و ارسال مرسولی که در باب آن شده است

تفصیل ذیل در باب عرابی پاشا می باشد که الحال مطرح صحبت جمیع سفارت خانه های دُول خارجه است.

عرابی پاشا که وزیر جنگ دولت مصر بود، در قاهره در سال ۱۸۳۹ متولد شده است. او پسر یک نفر از علمای مصر است و در مدرسه آل اظهار که در آنجا هزار نفر از متعلم مشغول تحصیل هستند، تحصیل کرده است. اعرابی پاشا بنا به خواهش پدرش در مدرسه نظامی قاهره داخل شد و پس از آنکه در آنجا مدت چهار سال تحصیل نمود، با منصب صباح منصبی از آنجا خارج گردید. در زمان جنگ حبش منصب یآوری گرفته و در سال ۱۸۸۰ به منصب سرهنگی رسید؛ اگر چه ثروت و مکتبی ندارد و از قراری که می گویند، بسیار آدم با رحمی است، همه روز در مطبخ او به جهت چندین خانواده فقیر غذا طبخ می شود؛ به علاوه زاهد بوده و همه روز موافق شرایط مقرر مذهب اسلام، به نماز مشغول می شود؛ و دو نفر از برادران او در قشون مصر سلطان هستند.

از قاهره به تاریخ پنجم ژون سال ۱۸۸۲ نوشته اند: بنا به اظهار دولت انگلیس بر ضد تهیّات نظامی که در مصر شده است، اعلی حضرت سلطان عثمانی به خدیو مصر تلگراف نموده است که او به عرابی پاشا اظهار بدارد از اینکه تهیّات نظامی را موقوف داشته و مخصوصاً از صرافت استحکام قلعه جات در اسکندریه بیفتد.

از قاهره به تاریخ پنجم ماه ژون سال ۱۸۸۲ نوشته اند که عرابی پاشا در جواب احکام خدیو مصر در باب اینکه از صرافت استحکام قلعه جات و تهیّۀ نظامی بیفتد، گفته است که این تهیّات به جهت آرام نمودن ساکنین مملکت مصر لازم و واجب است و ساکنین به واسطه کشتی های دُول خارجه وحشت دارند. عرابی پاشا به هر جهت به حکم اعلی حضرت سلطان عمل کرده و دست از استحکام قلعه جات و تهیّات نظامی کشیده است.

از اسکندریه به تاریخ ششم ماه ژون نوشته اند: احکام اعلی حضرت سلطان در باب موقوف داشتن استحکامات به اسکندریه دیر رسیده است، زیرا که قبل از رسیدن احکام استحکام قلعه جات و تهیّۀ نظامی در بندر اسکندریه و ترتیب توپخانه در آنجا ظاهراً به اتمام رسیده بود.

مأمورین دولت عثمانی که باید به مصر بیایند، در کشتی تالیا که متعلق به دولت عثمانی است، به طرف مصر حرکت کرده اند. اجزای مأمورین از این قرارند: درویش پاشا که زمان جنگ روس با عثمانی شهر باطوم را به خوبی مدافعه کرده و بعدها ولایت آلبانی را امن و منظم، سرور پاشا که چندین مشاغل عمده داشته، خصوصاً اینکه به منصب صدارت و وزارت امور خارجه قرار بوده است. لیب افندی که سابقاً منشی اول اعلی حضرت سلطان بوده و الحال رئیس مجلس جنایات است. سید احمد اسد اسفندی نایب اعلی حضرت سلطان در مقبره جناب پیغمبر (ص).

گماشته روزنامه استاندارد در قاهره، عرابی پاشا را ملاقات نموده است. عرابی پاشا اظهار داشته بود که

جميع طبقات اهل مصر از او تقویت می‌نمایند و ضمناً گفته است که من و هواخواهان من به تهدیدات دولت انگلیس و فرانسه به هیچ وجه اعتنایی نداریم. آنهایی که به طرف ما می‌آیند و مقصودشان حالت صلح و امنیت است، ما نیز همان حالت صلح و امنیت را نسبت به آنها خواهیم داشت. با آنهایی که با ما با شمشیر گفتگو می‌نمایند، ما نیز با شمشیر گفتگو خواهیم کرد. هرگاه دولت اروپا خواسته باشند به ما اجحاف نمایند، ما در مقابل آنها مقاومت خواهیم کرد؛ چنانچه تا به حال کرده‌ایم. در حالتی که اعتماد به لطف الله و تحسین و تصدیق اعلیٰ حضرت سلطان داریم که رأی و اراده او را به سهولت مجری داشته‌ایم. ما به هیچ وجه مورد مذمت نبوده و اطمینان کلی داریم از اینکه ما در خیال خود پیشرفت خواهیم داشت.

گماشته روزنامه تایمز اطلاع داده است که یک نفر از اجزای وزارت آخر عرابی پاشا تازگی دیوانه شده است. مقصود علی پاشا صادق می‌باشد که از مسلمان‌های متعصب و سابقاً رئیس استاسین راه آهن و بعد رئیس راه آهن گردید. علی پاشا به اقداماتی که همکاران او اظهار داشته‌اند، یک وقتی فی الجمله مقاومت نمود. همکاران او چون از طرف او مقاومت دیدند، اظهار تهدید نمودند. او به این جهت اسباب خطر به جهت خود فراهم دیده و از قراری که می‌گویند همین فقره اسباب اغتشاش عقل او شده است. خبری که به موجب آن در مملکت سودان اغتشاش زیاد شده است، صحت ندارد.

تفصیل ذیل صورت مخابره است که باب عالی به تاریخ سیم ماه ژون به دولت معظمه فرستاده و دایر به اعلان این است که مأمورین عثمانی به طرف مصر حرکت خواهند نمود و این مخابره را پاپ به نماینده‌های خود در دربار دولت معظمه فرستاده است که آنها به دولت اطلاع دهند و صورت مخابره مزبوره از قرار تفصیل ذیل است:

مخابرات متوالیه که به جهت شما فرستاده است، محض آنکه شما آنها را به اطلاع دولتی که در دربار آن اقامت دارند، برسانید. مبنی به منظور و مقصود دولت عثمانی در باب مصر بوده است، خیال و مقاصد ما کلیتاً این است که در مصر که ولایتی از دولت عثمانی می‌باشد، نظم و امنیت برقرار بوده و وضع سابق در آنجا متداول گردیده و اسباب استحکام اقتدار مصر فراهم آید و این مطالب از جمله چیزهایی است که راجع به حقوق و تکالیف سلطنتی اعلیٰ حضرت سلطان است. محض اینکه این خیال سریعاً و بقاعده به عمل آید، لهذا دولت عثمانی مصمم شده است که درویش پاشای سردار را که از رجال معتبره دولت عثمانی است، به مصر مأمور نماید. تعلیمات لازمه به جهت اجرای خیالاتی که در هر نظر است و قبل مذکور گردید، به مشارالیه داده شده است و او همین امروز اسلامبول حرکت می‌نماید که به طرف مصر عازم شود. شما این تفصیل را به وزیر امور خارجه دولتی که در دربار آن اقامت دارید، اطلاع بدهید.

تفصیل ذیل صورت جواب پاپ عالی به دعوتی است که به او شده، محض آنکه در مجلس کنفرانس که در اسلامبول انعقاد می‌یابد، شراکت بنماید. موافق حکم اعلیٰ حضرت سلطان به موجب تلگرام به شما اطلاع داده بودم که درویش پاشا به مصر مأمور شده و تکلیف او این است که اسباب امنیت در آنجا فراهم آورد. تکلیف خود دانستم که این فقره را به نماینده‌های دولت معظمه رسماً اطلاع بدهم. همان وقتی که این تفصیل را ابلاغ نمودم، سفرای دولتن انگلیس و فرانسه از طرف خود سواد تلگرامی را به من [داده]

و اظهار داشته‌اند که در اسلامبول مجلس کنفرانس انعقاد خواهد یافت که اجزای آن مرکب از سفرای دُول معظمه است و این مجلس محض این است که موافق اساسی که در تلگرام من ذکر شده است، به جهت قرار امور مملکت مصر اقدامات به عمل آید. امید کلی داریم از اینکه مأموریت درویش پاشا کافی باشد بر اینکه موافق رضایت عامه وضع بقاعده به جهت مصر برقرار گردد. در این صورت به نظر ما ظاهراً لزوم ندارد که مجلس کنفرانس در این باب منعقد گردد؛ خصوصاً در صورتی که قرار امور مربوط به حقوق سلطنتی اعلی حضرت سلطان باشد و این حقّی است که خود دُول رسماً و به کرات اظهار داشته و باید در این باب به طوری ملاحظه شود که وهنی بر آن حقوق وارد نیاید. قبل از همه چیز، محض وضع طبیعی احوال همان مأمور اعلی حضرت سلطان باید مورد ملاحظه بوده و او فی نفسه به اقدام امور اشتغال ورزد. با نماینده‌های دُول همین تفصیل را اظهار داشته‌ام. بنابراین امیدوارم که خیال انعقاد و مجلس کنفرانس به کلی از میان رفته و دُول معظمه نظر به حالت خیرخواهی و اهتمامی که به جهت پاس حقوق و صرفه دولت عثمانی داشته و می‌خواهند وضع قدیم در مصر برقرار بماند، در این موقع با ما شراکت و همراهی خواهند داشت. جناب عالی باید دقت خودتان را در این باب مصروف داشته و این تفصیل را به اطلاع خاطر وزیر امور خارجه دولتی که شما در دربار آن اقامت دارید، رسانیده و سوادى از این مراسله به معزى‌الیه بدهید ارسال و مرسولی که در باب استحکامات سواحل مصر شده است، در مدّ نظر داریم.

یکی از آن نوشته‌جات کاغذی است که خدیو مصر به عرابی پاشا نوشته است. توفیق پاشا اعلان نموده است که دولت انگلیس در باب استحکامات مزبوره به سفیر دولت عثمانی پروتست نموده و گفته است این فقره اسباب تهدید استعداد بحریّه دولّین انگلیس و فرانسه می‌باشد و این استحکامات باید موقوف شود. هرگاه یک تیر تفنگ خالی شود، اسباب این خواهد شد که دولت انگلیس با دولت فرانسه متحد شده و به حالت جنگ بنای مداخله را گذارند. خدیو مصر می‌گوید: اعلی حضرت سلطان از ما استفسار نموده که آیا اظهارات دولت انگلیس صحّت دارد یا نه؟ و خواه صحّت داشته باشد یا نداشته باشد، به هر جهت در سواحل مصر مشغول استحکامات هستند و در صورتی که صحّت داشته باشد، اعلی حضرت سلطان طالب است که این استحکامات موقوف شود و با تلگراف اطلاع داده شود که قشون در این باب اطاعت نموده و از صرافت استحکامات قلعه‌جات افتاده‌اند؛ بنابراین از شما خواهش می‌نماییم که به محض رسیدن حکم اعلی حضرت سلطان در این باب به قشون حکم شود که در همه جا دست از استحکامات قلعه‌جات بکشند. عرابی پاشا پس از آنکه مدّت سه ساعت با صاحب‌منصبان قشون صحبت نمود، خدیو مصر جواب داد که در اسکندریه استحکامات به عمل نمی‌آید و فقط بعضی مرمت‌های لازم می‌شود. ولی به ملاحظه خاطر حضرت عالی می‌رسانم که این مرمت‌های دایمی تنها وسیله است، از اینکه ساکنین مصر از حالت اضطراب و هیجانی که دارند، بیفتند. چون که آمدن کشتی‌های انگلیس در نزدیکی اسکندریه اسباب وحشت آنها گردیده است، با وجود این بر حسب حکم حضرت عالی که مطابق به ارده اعلی حضرت سلطان ولی نعمت جلیل‌القدر ماست، مقرر داشته‌ایم که قشون دست از مرمت و استحکام قلعه‌جات بکشد و ضمناً میل داریم که قشون بحری انگلیس از سواحل مصر دور شود؛ تا آنکه نتایجی که ممکن است از این هیجان

و تشویش حالیه روی دهد، رفع شود. گماشتگان روزنامه‌جات انگلیس اطمینان داده‌اند که با وجود این جواب عرابی پاشا استحکامات قلعه‌جات به همه جهت از یک سمت موقوف شده است. در اجزای مأمورین عثمانی که به مصر حرکت نموده‌اند، تغییری داده شده است. به جای سرور پاشا وزیر امور خارجه سابق احمد رتیب که نایب امیر بحر دولت عثمانی است، برقرار شده است؛ به علاوه مأمورینی که اسامی آنها ذکر شده است، قدری افندی منشی دوم مأمورین مشتمل بر سی و پنج نفر هستند و آنها روی کشتی تالیا نرفته‌اند، بلکه با کشتی عزالدین حرکت نموده‌اند.

در باب اغتشاشاتی که در اسکندریه روی داده است، متّصلاً تفصیل و اخبار می‌رسد موافق روایت گماشته روزنامه دیلی نیوز نبوده که در شهر اسکندریه است. معلوم می‌شود که کیفیت علیحده است که اسباب اغتشاش گردیده است. در کوچه موسوم به خواهران ما بین یک نفر عرب و یکی از اهالی اروپا نزاعی در گرفته و ما بین آنها چاقو به میان آمده و آن شخص اروپایی شخص عرب را کشته و این فقره اسباب اغتشاش اهالی نسبت به اهالی اروپا گردیده است. گماشته روزنامه دیلی نیوز تلگراف نموده است که چند دقیقه پس از قتل شخص عرب به قدر چندین هزار نفر از اعراب که همگی مسلح به چوب و چماق بودند، در کوچه خواهران و در حول و حوش آن جمع شده و هر کس از اهالی اروپا را که ملاقات کرده‌اند به طرف آنها یورش برده و عده کثیری از آنها را به قتل رسانیده‌اند. ازدحام به طرف داکین اهالی اروپا تاخت آورده و پنجره‌های آنها را شکسته، در خانه‌ها نیز ریخته و آنچه اسباب قابل حمل و نقل بوده، به نهب و غارت برده و آنچه را که نتوانستند ببرند، خراب نموده‌اند. در این هنگام اهالی اروپا از میان خانه‌های خود به طرف پنجره‌ها دویده و با طپانچه‌های شش لول به طرف ازدحام خالی کرده‌اند.

کوچه خواهران به شدت نهب و غارت شده، چیزی باقی نمانده و در تمام کوچه مزبور تقریباً اهالی اروپا سکنه دارند و بر خلاف کوچه‌های نزدیک آنجا تماماً به واسطه اعراب مسکون هستند و وضع طوری بود که اهالی اروپا را از اطراف محاصره نموده بودند. مسیو کوکسم قنصل انگلیس در کوچه خواهران رفته و اهتمام نمود که ساکنین را آرام و ملایم نماید. چون از عهده نتوانست برآید، مجدداً به آنجا رفت. در دفعه ثانی اعراب او را از کالسکه خود بیرون انداخته و به قدری که نتوانسته‌اند او را زده‌اند. در سر و گردن او جراحت کُلی وارد آمده است. دکتر مایکر که او را معالجه می‌نماید، می‌گوید که جان او در خطر است. پای کالسکه‌چی او شکسته است. در کوچه خواهران دو قراول خانه است و جزئی سربازانی که در آنجا بودند، اهتمام نمودند که رفع اغتشاش را بنمایند، ولی در میان این ازدحام آن سربازان مفقود بوده و به هیچ وجه نتوانستند کاری بنمایند. روزنامه دیلی نیوز برخلاف سایر روزنامه‌جات اطمینان می‌دهند که حاکم اسکندریه و رئیس پلیس در تکلیف خود کوتاهی نکرده‌اند و هرگاه به واسطه اهتمام آنها نبود، اغتشاش هنوز در میان بود. در جمیع کوچه‌های اسکندریه قشون گذارده و به جهت هر بانگ یک قشون ساخلوی جزئی قرار داده‌اند که میادا مردم هجوم آورده و تنخواه را غارت نمایند. بعضی از زن‌های انگلیس با خانواده خود شبانه در قنصلگری انگلیس رفته و در آنجا به جهت خود ملجأ و پناه اختیار نموده بودند. بعضی از زن‌های دیگر به اتفاق قشون به طرف بند رفته و در آنجا در قایق نشسته، به طرف اروپا می‌روند، محض آنکه از

در استخلاص ما نمود.

اگر چه امنیت و آرامی برقرار شده است و اسکندریه و قاهره تشویش کلی حاصل است، روزنامه‌جات انگلیس متفقاً می‌گویند که وضع احوال خیلی مشوش است و بودن کشتی‌های انگلیس و فرانسه بیشتر اسباب اغتشاش می‌باشد. بودن کشتی‌های خارجه فایده ندارد و جز آنکه اسباب مزید تعصب و هیجان اهالی خواهد گردید، و از طرف دیگر قشون بحری پیاده نظام که در میان کشتی‌ها هستند، چون استعداد کافی ندارند از اینکه بتوانند اسکندریه را تصرف نموده و اسباب نظم و امنیت آنجا گردند، لهذا پایین آمدن آنها از کشتی‌ها اسباب قتل عمومی خواهد گردید. در این صورت قشون عرب با مردم متفق گردیده و بیشتر به قتل اهالی اروپا خواهند پرداخت.

گماشته روزنامه تایمز در اسکندریه در این باب می‌گوید که چون یک فروند کشتی جنگی فرانسه آمده و در بند قدیم مقابل قنصل گری فرانسه لنگر انداخته است، لهذا کشتی‌های بخار مصری به دور آن جمع شده و هر آن محتمل است که نزاع کلی ما بین آنها به ظهور رسد.

در روزنامه بعد نوشته است که عدد مقتولین در روز اغتشاش اسکندریه بیش از آن بوده است که تصور می‌شد. موافق روزنامه دیلی نیوز سیصد نفر دچار شده و از این عدد صد نفر مقتول و دویست نفر مجروح گردیده‌اند. در یک مریض‌خانه ۴۳ نعش حمل و نقل نموده‌اند. بعضی از نعش‌ها به طوری پاره پاره شده‌اند که ممکن نشده است آنها را بشناسند. من جمله از تجار عمده بوده است. دو نفر آنها موسوم به روبسن و ریشاروسن که از اهل انگلیس و در شهر مانچستر بنگاه تجارتی داشتند. در اسکندریه چندی قبل از آنکه به قتل رسند، خیلی مشوش بودند؛ چنانچه وقت خوابیدن همیشه طپانچه‌های شش لول بالای سر خود قرار می‌دادند. روز قبل از آنکه به قتل رسند، دوستان آنها در انگلیس کاغذی از آنها دریافت نموده که دایر به اظهار تشویش بود و چنین نوشته بودند: یقین است در اینکه به زودی اغتشاش روی خواهد داد. به طوری که قنصل دول خارجه قادر به محافظت اهالی اروپا نخواهند بود.

موافق اخباری که بعد رسیده است، معلوم می‌شود که در اسکندریه روز به روز تشویش و وحشت بیشتر گردد. اگر چه بعضی از محرکین اغتشاش روز یکشنبه دستگیر شده‌اند، مع هذا تشویش کلی حاصل است. قنصل ایتالیا اعلانی نموده، دایر بر این است که اهالی ایتالیا به زودی که ممکن می‌شود از مصر بیرون بروند. مسیو مالت قنصل دولت انگلیس خیال کرده که به همین وضع اقدام نموده وادار اهالی انگلیس از مصر بیرون بروند. ولی ترسیده است که این فقره اسباب وحشت کلی شود؛ لهذا این مطلب را اعلان نکرده و کاری که کرده است این بوده که به هر یک از اهالی انگلیس که در مصر اقامت دارند، شفاهاً اظهار داشته است که به زودی ممکن می‌شود از مصر بیرون بروند. با وجود این تفصیل کشتی کافی نیست، بر آنکه این اشخاص را به اروپا حمل و نقل دهند. با این احوال که کمال اغتشاش و تشویش را دارد و لازم است بدانیم که عدد اشخاصی که در کشتی‌های جنگی انگلیس و فرانسه است که می‌توانند به جهت نگاهداری نظم و امنیت به خاک مصر پایین آیند، چه قدر است.

روزنامه استاندارد در باب کشتی‌های انگلیس از این قرار تفصیل و اطلاع می‌دهد: در کشتی آن ون

سبیل ۴۵۰ نفر، در کشتی الکاندرا ششصد و شصت و شش نفر، در کشتی سوپرب ششصد و ده نفر، در کشتی تمرز پانصد و سی نفر، در کشتی منارک پانصد و سی نفر، در کشتی آن فلکسیل سیصد و هفتاد. روی هم رفته با اشخاصی که در بعضی کشتی‌های دیگر بوده است سه هزار و ششصد و شانزده نفر بوده است و پنجاه و شش عراده توپ در میان آنها بوده است.

در روزنامه دیگر نوشته است: ظاهراً جزئی شهرتی که در کوچه‌ها می‌پیچید، اسباب اغتشاش کلی شده و همان حادثه روز یکشنبه به ظهور می‌رسد. اثری که از اغتشاش روز یکشنبه مانده است، به قدری زیاده است که اهالی اروپا آنی آسایش خیال نداشته و بعضی اوقات بدون هیچ گونه جهت، وحشت کلی می‌نمایند. گماشته روزنامه تایمز در اسکندریه وضع احوال را موافق تفصیل ذیل خلاصه نموده است. او می‌گوید: اهالی اروپا از تعدی بعضی اشرار، وحشت کلی دارند و اشرار مزبور با وجود زیاده از حد وحشی هستند؛ مع‌هذا کثیر نیستند که اهالی اروپا را به کلی از میان بردارند؛ چرا که البته اهالی اروپا نیز مواظب احوال خود بوده و نمی‌گذارند اشرار مصر بر آنها غلبه نمایند. دوازده هزار نفر قشون مصری است که از اهالی اروپا در این گونه مواقع محافظت می‌نمایند. سربازان اگر چه عجالتاً موافق احکامی که دریافت نموده‌اند از اهالی اروپا محافظت می‌نمایند، ولی قلباً اغتشاش متفق هستند از تکلیفی که به جهت آنها مقرر داشته‌اند. رفته رفته خستگی حاصل نموده و از این تکلیف که نگاهداری نظم و امنیت است منصرف شده و حالت آنها طوری شده که نه تنها از مواظبت صرف نظر کرده، بلکه خودشان نسبت به اهالی اروپا بنای تعدی و تجاوز را گذارده‌اند. به همه جهت یک چاره هست که اهالی اروپا را از مخاطرات محفوظ دارند و آن این است که یک مرتبه قشونی به مصر بیاید که عدد آن بر عدد شورشیان و قشون مصر روی هم رفته بیشتر باشد.

با این وضع احوال جای تعجب نیست که اهالی اروپا به طور ازدحام از مملکت مصر بیرون بروند. هرگونه خطر را برای آنها موجود باشد، بهتر از آن است که در اسکندریه و قاهره مانده و دچار صدمات اهالی مصر بشوند. همه وقت دیده می‌شود که به قدر صد نفر متجاوز از اهالی اروپا روی کشتی‌های تجارتی نشسته و عزم ممالک خود را می‌نمایند. ازدحام به طوری می‌رود که کشتی‌ها نمی‌توانند از عهده حمل و نقل آنها برآیند. کشتی بخار البیضا که بر حسب قاعده به همه جهت دویست نفر مسافر حمل می‌نماید، هزار نفر را در برگرفته است و کشتی موسوم به السیس که تقریباً به همان اندازه است، هزار و چهار صد نفر را برده است.

گماشته روزنامه دلی‌نیوز می‌گوید: از شهر الی بندر متصل کالسکه‌ها دیده می‌شود که اسباب اشخاصی که می‌خواهند بیرون بروند، روی آنها حمل شده است. در مدت پنج روز عدد اشخاصی که از مصر بیرون رفته‌اند، به ده هزار نفر تخمین نموده‌اند. در صورتی که فرض شود که این ده هزار نفر مشتمل بر دو هزار خانواده باشد که هر خانواده دو نفر نوکر از اهل مصر داشته باشند، به قدر چهار هزار از اهل خود مصر بیکار می‌مانند و این به جهت آنها ضرر کلی دارد. امور به کلی معوق مانده، بعضی از اهالی فرانسه که نمی‌توانند الحال از اسکندریه بیرون روند، در خانه در خیابان کلت بیگ به جهت خود ملجأ اختیار نموده و اسباب

مدافعه خود را فراهم می‌آورند. همه مردم وحشت دارند از اینکه قتل و خونریزش روی دهد. اطلاعات آخر که در باب اغتشاش روز یکشنبه رسیده است، موجب این است که مردم بیشتر از این تشویش حاصل نمایند. هر روز معلوم می‌شود که عدد مقتولین و مجروحین بیش از آن بوده است که تصور می‌نمودند. در ابتدا گفتگو بود که بیست نفر کشته شده و بعد عدد مقتولین پنجاه نفر و بعد به صد نفر رسید. الحال آنچه به طور تحقیق معلوم شده است، عدد مقتولین اهالی به دویست و پنجاه نفر رسیده، جهت اینکه این فقره در اول معلوم نگردیده است، این است که قاتلین عدد کثیری از نعش‌ها را به دریا انداخته‌اند. این فقره معلوم گردید که موج دریا به دفعات پنج نعش و بعد دوازده نعش بیرون انداخته است. اغلب آنها از ضرب سر نیزه مجروح شده‌اند و این فقره دلیل بر این است که قشون مصری که به جهت برقرار نمودن نظم و امنیت طلبیده شده بودند، آنها نیز در قتل و نزاعات شراکت نموده‌اند. مجلس قمیونی که مأمور شده، بر اینکه در باب این دقایق تحقیقات لازمه به عمل آورد، روز پنجشنبه منعقد گردید. اجزای آن مرکب از بوتروس پاشا، آجودان خدیو مصر و یک نفر آجودان درویش پاشا و یعقوب پاشا که معاون وزارت جنگ است و همچنین عرابی پاشا از قنصل‌خانه‌های دُول اروپا نیز به مجلس مزبور مأمور فرستاده شده است. حاکم اسکندریه سیاهه خانه‌هایی که خراب یا غارت شده‌اند، مشغول گرفتن قاتلین و آنهایی که بنای شرارت را گذارده‌اند، هستند. دیروز که جمعه بود، قنصل‌های دُول خارجه بعضی نوشتجات نوشته و در شهر چسبانیده‌اند، محض آنکه مردم را یحتمل آرام نمایند.

از وینه به تاریخ اول ماه ژولیه سال ۱۸۸۲ نوشته‌اند: موافق اخباری که از اسلامبول رسیده است، معلوم می‌شود که حالت با عزم دولت انگلیس بر دولت عثمانی معلوم شده است و روابط رجال دولت عثمانی با سفرای دُول خارجه وضع جدیدی پیدا کرده است. در میان سفارتخانه‌ها تردید کلی حاصل است. از اینکه اعلی حضرت سلطان راضی شود بر اینکه دُول اروپا قشون به مصر بفرستند، در وینه و در برلن خیلی تعجب دارند از اینکه دولت عثمانی به جهت عرابی پاشا فرستاده است دولتین فرانسه و انگلیس چون تفصیل را به دُول اروپا واگذار نموده‌اند، لهذا تکلیف دولت عثمانی است که رفع این گفتگوهای دولت مصر را با دُول اروپا بنماید و در حقیقت این وضع رفتار دولتین فرانسه و انگلیس از روی حزم و قاعده بوده است. دولت عثمانی از اینکه به عرابی پاشا نشان مرحمت کرده است. اسباب این شد که دولت انگلیس در صدد پاس صرفه خود در مصر برآید. نه تنها دولت انگلیس باید در حفظ حقوق و صرفه خود نماید، بلکه جمیع دُول اروپا باید نیز در حفظ حقوق خود مواظبت داشته باشد.

چند روزی است که اهالی مصر نیز مانند اهالی اروپا از مملکت مصر جلای وطن می‌نمایند و عرابی پاشا محض منع این فقره تدبیری که نموده است، این است که اظهار داشته از اینکه اموال اهالی مصر را که بدون تذکره دولتی می‌خواهند از مصر بیرون برونند، دولت مصر ضبط نماید و آنهایی که از دولت به جهت جلای وطن تذکره می‌خواهند، دولت در دادن تذکره مضایقه نماید. وزرا اظهار عرابی پاشا را قبول کرده و رأی او را تحسین نموده‌اند، مگر دو نفر از آنهایی که در این مطلب همراهی نکرده‌اند. محض این فقره، عدد کثیری از اشخاصی که مہمّیای جلای وطن و رفتن به ممالک خارجه بوده‌اند، از این صرافت مجبوراً

افتاده‌اند؛ من جمله شریف‌پاشا وزیر سابق و میلون‌پاشا رئیس سابق دایرة ثانیه می‌باشد که خانواده او چند روز قبل از این به طرف اروپا عازم گردیده است. تشویش حاصل است از اینکه به جهت اهالی اروپا نیز چنین اقدامی به عمل آید و به این واسطه آنها نتوانند از مملکت مصر بیرون رفته و جان خود را به سلامت در برند. اعلی حضرت سلطان یک نفر مأمور دیگر موسوم به عثمان بیگ که آجودان خود اعلی حضرت می‌باشد و پانزده روز قبل از این گفتگو از عزیمت او به طرف مصر بود، به مملکت مصر مأمور نموده است. از قراری که می‌گویند عثمان بیگ به طرف مصر حرکت کرده و نوشته‌جات معتبره همراه دارد.

گماشته روزنامه تایمز در اسکندریه که تا به حال همیشه اعتقادش این بود که قشون عثمانی به جهت برقرار نمودن نظم و امنیت به مصر فرستاده شود، الحال عقیده خود را بر این اظهار داشته است که این کار به هیچ وجه شایسته نیست؛ چون که اگر دولت عثمانی به مصر قشون بفرستد، اسباب این می‌شود که اهالی چنین تصور نمایند که دولت اروپا از دولت عثمانی تمکین نموده‌اند و در صورتی که به حقوق دولت اروپا آن قدر وهن دارد، آمده باشد، شایسته این است که خود دولت اروپا به جهت برقرار نمودن نظم، قشون بفرستند.

کاغذی که از کلکته به روزنامه تایمز نوشته شده است، دایر بر این است که هندوستان باید در باب عمل مصر دقت مخصوص به عمل آورد؛ چرا که عمل بوغاز سوئز اهمیت کلی دارد و این بوغاز کوتاه‌ترین و مستقیم‌ترین راه اروپا می‌باشد. راه از طرف کاپ به قدر پانصد میل از راه بوغاز سوئز طولانی‌تر است. هر گاه راه آمد و شد ما بین هندوستان و انگلیس از راه بوغاز سوئز موقتاً موقوف گردد، اسباب خسارت کلی به جهت هندوستان خواهد گردید؛ بنابراین تکلیف هندوستان این است که آنچه استعداد نظامی داشته باشد، مرتب داشته و نگذارد به هیچ وجه این راه موقتاً یا دائماً موقوف شود. از هزار و پانصد و نود و سه فروند کشتی که در سال گذشته از بوغاز سوئز عبور نموده‌اند، هزار و دویست و شصت و هفت فروند متعلق به ملّت انگلیس بوده است.

چنانچه قبل مذکور شده است، به رجال نظامی هندوستان حکم رسیده است که قشون هندوستان را مستعد و حاضر نگاه دارند و به محض اینکه تلگرافی از جانب دولت انگلیس برسد، دولت هندوستان حاضر است بر اینکه استعدادی به قدر ده هزار نفر از پیاده و سواره توپخانه، به علاوه عراده‌های حمل و نقل و آذوقه لازم به طرف مصر روانه نماید. به صاحب‌منصبان افواج هندوستان حکم رسیده است که خود را حاضر و مستعد نگاه دارند که به محض حکم اول عازم شوند.

از لندن به تاریخ پنجم ژولیه نوشته‌اند که روزنامه تایمز اطلاع داده که به موجب اطلاعات آخری که دریافت نموده است، امیرال سیمور امروز رسماً به دولت مصر اعلان خواهند نمود که عمل استحکامات در مصر موقوف شود و بیش از این اسباب تهدید در سواحل مصر فراهم نیاید و این کارها باید فوراً موقوف شود و هرگاه از جانب اهل مصر در این باب مضایقه شود و به استحکام بپردازند، امیرال سیمور بلادرنگ به طرف قلعه‌جات اسکندر بنای شلیک را خواهد گذارد. روزنامه تایمز اعتقادش این است که مجلس کنفرانس دیروز مصمم شده که اعلی حضرت سلطان را دعوت بر اینکه موافق شرایطی که وزرا مقرر داشته‌اند، در

مصر مداخله نموده و اعلیٰ حضرت به جهت امنیّت آنجا قشون بفرستد.

از لندن به تاریخ ششم ماه ژولیه تلگراف کرده‌اند که اجزای اردوی اول قشون موافق تفصیل ذیل تشکیل یافته‌اند. بر بیست و پنج هزار نفر خواهد بود که پانزده هزار نفر آنها از قشون انگلیس و ده هزار دیگر از قشون هندوستان خواهند بود و این اردو قشون به سه قسمت تقسیم خواهد شد که هر یک صاحب‌منصبان مخصوص از لندن خواهد داشت.

به تاریخ هفتم ماه ژولیه نوشته‌اند که به واسطه اطلاعاتی که حاصل شده است، معلوم گردیده که رجال مملکت مصر مدخل بندر با توپ‌های بسیار بزرگ مسلح نموده و در استحکامات هنوز مداومت دارند. بنابراین لُرد سیمور، الحال مشغول ترتیب اعلانی است دایر بر اینکه جمیع قلعه‌جات اسکندریه به فاصله دوازده ساعت تسلیم شوند و در صورتی که رجال مصر در دادن قلعه‌جات ابا و امتناع دارند، کشتی‌های جنگی انگلیس به فاصله ۲۴ ساعت به طرف آنها شلیک خواهد نمود.

از اسکندریه به تاریخ هشتم ماه ژولیه نوشته‌اند که دیشب آل سیمور به سرداری شهر اسکندر به یک کاغذ دیگر که کاغذ آخری است، نوشته و اعلان نموده است که هرگاه قلعه‌جات بدون درنگ تخلیه نشوند، بعد از ۲۴ ساعت دیگر شروع به شلیک خواهد نمود. وقت صبح سردار قشون انگلیس به سردار قشون فرانسه اطلاع داده است که چنین کاغذ به رجال مصر نوشته، موافق قرار قبلی که با سردار بحر انگلیس داده شده است، کشتی‌های جنگی فرانسه به بندر سعید خواهند رفت.

از اسکندریه به تاریخ نهم ماه ژولیه نوشته‌اند که قنسول‌های دُول آلمانیا و اطریش به رعایای دُول متبوعه خودشان حکم نموده‌اند که به کشتی‌ها بروند. قنسول‌های روس و ایتالیا و اسپانیا تا به حال در کشتی نشسته‌اند.

از اسکندریه به تاریخ دهم ماه ژولیه نوشته‌اند که امیرال سیمور امروز کاغذی به حاکم اسکندریه نوشته و به او اطلاع داده که فردا صبح، هشت ساعت به ظهر مانده شروع به شلیک خواهد شد. قنسول انگلیس کاغذی به راغب‌پاشا نوشته و به او اطلاع داده است که روابط دولت مصر موقوف می‌باشد و همچنین کاغذی به درویش پاشا نوشته دایر بر این است که او در محافظت و امنیّت خدیو مصر مسئول است؛ کشتی‌های جنگی فرانسه در شلیک شراکت نخواهند کرد. در مجلس کنفرانس که امیرال سیمور دیروز با رؤسای کشتی‌های انگلیس ملاقات نموده است، در جمیع تفصیل شلیک قرار داده شده است. قنسول انگلیس در کشتی موناک رفته، محض آنکه در صورت ضرورت نزدیکی امیرال سیمور باشد.

از اسکندریه به تاریخ دهم ماه ژولیه تلگراف کرده‌اند که کارپردازان دُول خارجه در باب شلیک که از طرف کشتی‌های انگلیس باید بشود، پروتست نموده‌اند. کشتی‌های زره‌پوش دُول خارجه از بندر خارج هستند. کشتی‌های فرانسه به جرّ آلما و حیرندل وقت غروب آفتاب عازم شده‌اند. کشتی‌های زره‌پوش انگلیس موسوم به طیتس و موناک و ان‌ون‌سیل در بندر هستند. مابقی کشتی‌های انگلیس خارج از بندر می‌باشد. اعتقاد این است که حاکم اسکندریه بعضی شروط قرار دهد، امیرال سیمور هیچ گونه شروط قبول نخواهند کرد، مگر آنکه تمام قلعه‌جات تسلیم شوند.

از اسکندریه به تاریخ یازدهم تلگراف شده که کشتی‌های انگلیس شروع به شلیک نموده‌اند. از لندن به تاریخ یازدهم ژولیه تلگراف شده که روزنامه استاندارد تلگرافی را گماشته آن از میان کشتی‌ان‌ون سیبل فرستاده است، به طبع رسانیده، دایر بر این است که کشتی‌های زره‌پوش سلطان و سوپر شروع به شلیک به طرف قلعه‌جات نموده‌اند. توپخانه مصری‌ها از طرف قلعه‌جات فوراً جواب داده، ولی گلوله اول آنها به کشتی‌ها نرسیده است. پس از کشتی‌های سلطان و سوپر جمع کشتی‌های جنگی انگلیس شروع به شلیک نموده‌اند. در هفت ساعت و ربع به ظهر مانده، جنگ توپخانه کلی شد. ظاهراً به قلعه فاروس خسارت کلی وارد آمده است. تا به حال به کشتی‌های انگلیس خسارتی وارد نیامده است. از لندن به تاریخ یازدهم تلگراف شده، تلگرام ثانی، که روزنامه استاندارد به طبع رسانیده است، دایر بر این است که به قلعه فاروس خسارتی کلی وارد آمده. تلگرافی که گماشته استاندارد در نه ساعتی صبح فرستاده است، می‌گوید که الحال دو ساعت است که شروع به شلیک نموده‌اند. قلعه‌جات مارسا و آل کانات آتش گرفته‌اند. توپ‌های چندین قلعه دیگر از کار افتاده‌اند. تا به حال اهالی مصر طوری رفتار کردند که آثار تسلیم شدن در آنها ملاحظه نمی‌گردد.

از اسکندریه به تاریخ یازدهم، سه ربع به ظهر مانده، تلگراف شده است که هنوز شلیک می‌شود. آتش قلعه‌جات آن‌ا فائاً سست می‌گردد. تلگرافی که از امیر بحر انگلیس چهار ساعت به ظهر مانده رسیده است، دایر بر این است که شلیک قلعه‌جات چندان قوت نداشته و اثری نمی‌نماید. کشتی‌های فرانسه دیشب عازم شده و دو فروند از کشتی‌های دولت فرانسه در لنگرگاه اسکندریه مانده‌اند. از لندن به تاریخ یازدهم ماه ژولیه تلگراف شده که امیرال سیمور به کشتی‌های تجارتی قدغن نموده است که هنگام شلیک داخل بوغاز سوئز نشوند. قلعه آیدا واقع نزدیکی عمارت خدیو مصر آتش گرفته است.

از لندن به تاریخ یازدهم ماه ژولیه تلگراف شده که امیرال سیمور به کشتی‌های تجارتی قدغن نموده است که هنگام شلیک داخل بوغاز نشوند. قلعه آیدا واقع نزدیکی عمارت خدیو مصر آتش گرفته است. از لندن به تاریخ یازدهم نوشته‌اند که کارگزار رویطر مخابره ذیل را از بندر اسکندریه به تاریخ یازدهم شش ساعت از ظهر گذشته، فرستاده است. شلیک در چهار ساعت و ربع به ظهر مانده شروع شده و کشتی‌های زره‌پوش و توپخانه قلعه‌جات لایت‌حوس و فاروس را به کلی خراب کرده‌اند. یک فروند کشتی جنگی انگلیس توپخانه‌های مارابو را در مدخل بندر متفرق کرده است. کشتی‌های آن‌ون سیبل و مونارک و تمرر قلعه مک را به سکوت وا داشته‌اند. یک دسته ملاح از کشتی آن‌ون سیبل توپ‌های قلعه مک را از شلیک انداخته، عمارت رأس‌الطین رو به خرابی گذارده است. سربازان مصری با کمال جرأت رفتار نموده‌اند. از طرف انگلیس‌ها چهل نفر مجروح شده است. تلفات مصری‌ها معلوم نگردیده است؛ ولی آنچه تصوّر شده است، زیاد است. در سمت جنوب از طرف مصری‌ها تقریباً شلیک نمی‌شود. وقت عصر کشتی‌های زره‌پوش به طرف قلعه ناپلیانکه مشرف به شهر است، بنای شلیک را گذارده‌اند. مخابره رسمی که در ساعت پنج رسیده است، دایر بر این است که جمیع قلعه‌جاتی که مشرف به دریا هستند دیگر شلیک

نمایند. کشتی‌های زره‌پوش مونا رک وینه توپ به طرف قلعه‌جات بندر شلیک نموده‌اند. از لندن به تاریخ یازدهم ژولیه تلگراف شده است که مخابره رسمی دایر بر این است که از طرف انگلیسی‌ها پنج نفر مقتول و بیست و هفت نفر مجروح شده است. از بندر سعید به تاریخ دهم ژولیه تلگراف شده است که قنصل انگلیس به کشتی‌ها قدغن نموده است که داخل بندر نشوند. چنین مترصدند که فردا بוגاز سوئز تصرف شود. اهالی اروپا به طور ازدحام از شهر بیرون رفته و در کشتی‌هایی که در لنگرگاه و بندر هستند، ملجأ و پناه اختیار می‌نمایند. از اسلامبول به تاریخ یازدهم ماه ژولیه، سعید پاشا به جای عبدالرحمان صدر اعظم شده است. از اسلامبول به تاریخ یازدهم ماه ژولیه تلگراف شده است که لرد دوفرین دیروز به باب عالی تفصیل ذیل را شفاهاً بیان نموده است. سفارت انگلیس به باب عالی اطلاع داده است که به واسطه مداومت در استحکامات قلعه‌جات اسکندریه امروز صبح امیرال سیمور به دولت مصر اعلان خواهد نمود که هرگاه قلعه‌جات موقتاً به او تسلیم نشوند که اسلحه و توپخانه آنها را کنار نگذارند، در فاصله بیست و چهار ساعت شروع به شلیک خواهد شد. باب عالی در جواب چنین گفته است: در جواب یادداشت انگلیس وزیر امور خارجه به لرد دوفرین اطلاع داده است که بر حسب مخابره تلگرافی، درویش پاشا خدیو و وزرای مصر به امیرال سیمور اظهار داشته‌اند که حکام محلیه در مقابل شلیک انگلیس به هیچ وجه مقاومت نخواهند نمود. دیروز باب عالی به فردوس پاشا و به سایر نماینده‌های خود تلگراف نموده که از تفصیل دو یادداشت قبل به ایشان اطلاع بدهد و تلگراف باب عالی به نماینده‌های خود نیز دایر بر این است که این شلیک خیلی اسباب وهن حقوق اعلی حضرت سلطان و نقص صرغه مملکت خواهد شد. باب عالی پس مترصد است از اینکه دولت انگلیس تفصیل قبل را به دقت نظر ملاحظه کرده، قسمی نماید که امیرال سیمور از قصد خود منصرف گردیده، اسباب هیجان اهالی مملکت مصر نگردد و نیز منتظر است که دولت انگلیس در این باب به امیرال سیمور دستورالعمل بدهد.

از اسلامبول به تاریخ یازدهم ژولیه نوشته‌اند که وزیر امور خارجه دولت عثمانی به فردوس پاشا موافق تفصیل ذیل تلگراف کرده است: من به لرد دوفرین اعلان نموده‌ام که باب عالی باید امشب عزمی اختیار بنماید. من از او خواهش نموده‌ام که در لندن اقدامات به عمل آورد که دولت انگلیس از صرافت شلیک بیفتد. پس از ملاقاتی که دیشب با لرد دوفرین اتفاق افتاد، لرد دوفرین به لندن و به امیرال سیمور تلگراف کرده است؛ ولی چنانچه به ما اطلاع رسیده است، معلوم می‌شود که امیرال سیمور امروز صبح شروع به شلیک به طرف اسکندریه نموده است. زاید است از اینکه در این مطلب تفصیل بدهم و نظر به ضرورت وضع احوال همین قدر از شما خواهش می‌نمایم که بدون درنگ نزد لرد گرانویل وزیر امور خارجه دولت انگلیس اقدامات اکیده به عمل آورید. محض آنکه لرد مزبور فوراً حکم دهد که شلیک را موقوف داشته و بیش از این اسباب صدمه و خرابی نگردند.

تفصیل ذیل به تاریخ دوشنبه، وقت شب قبل از شلیک نوشته شده است: تفصیل شلیک در شورای نظامی که دیروز در میان کشتی حلیکن منعقد گردید، به طور قطعی قرار داده شده و الحال همه چیز

مهیاست. جمیع کشتی‌های تجارتی در صدد هستند که در دریا به مسافت بعیده از ساحل باشند. جمیع اهالی انگلیس که در مصر بوده‌اند، الحال در کشتی نشسته‌اند و از تبعه فرانسه یک نفر در اسکندریه نیست. تفصیل ذیل به تاریخ دوشنبه در نیمه شب تلگراف شده است: امروز صبح عرابی پاشا به هواخواهان خود اظهار داشته است که تسلیم نخواهد شد و چندین نفر از دوستان او به معیت او اظهار داشته‌اند که تا نفس آخر جنگ خواهند نمود. در قلعه‌جات توپ‌ها قرار داده شده است که در سنه ۱۸۶۸ خدیو مصر آنها را از قورخانه‌های ولویچ خریده است و اینها توپ‌هایی هستند که به نمونه قدیمند؛ مع‌هذا می‌توانند به کشتی‌های انگلیس صدمه کلی وارد آورند؛ ولی در صورتی که آنها را خوب منظم و مرتب بدارد. عجالتاً اعراب وحشت کلی نموده‌اند. عدد کثیری از اهالی مصر به طرف داخله فرار می‌نمایند. قیمت آذوقه خیلی گزاف شده است. اغلب از دکاکین بسته هستند. بعضی از آنها مملو از خوراکی و آذوقه هستند و بدیهتاً این آذوقه‌ها که یک جا جمع هستند، خراب خواهند شد و البته اسباب ظهور ناخوشی خواهد گردید. آنچه تحقیق شده است، عدد اهالی اروپا که از مصر حرکت نموده‌اند، از ابتدای اغتشاش تا حالا به هفتاد و نه هزار نفر رسیده است و اگر چه گفته بودند که در اسکندریه از اهالی خارجه نمانده است، ولی آنچه معین شده است پنج هزار نفر از اهالی یونان و ایتالیا و لوانت در اسکندریه باقی است که آنها خطر را خوش‌تر دارند از اینکه از املاک خود دست کشیده بروند. بنابراین در ماندن عزم جزم نموده، و در میان خانه‌های خود مانده، اسباب استحکام به جهت خود فراهم آورده‌اند. از وضع آنها تشویش کلی حاصل است. شهرت دارد که درویش‌پاشا مأمور عثمانی در شرف این است که در کشتی عزالدین بنشیند. در ساعت آخر عرابی‌پاشا در صدد برآمد که نگذارد بعضی از اهالی خارجه از مملکت مصر بیرون بروند. چینی که رئیس گمرک‌خانه‌ها با صندوق‌دار می‌خواست در کشتی بنشیند و برود، سربازان مصری او را دستگیر نموده، پیش عرابی‌پاشا آورده‌اند. عرابی صندوق‌دار را دستگیر نموده، رئیس گمرک‌خانه بروتست کرد. عرابی‌پاشا پس از آنکه به او اظهار داشت که در وقت جنگ موافق قانون در همه چیز اجازه حاصل است، او را مجدداً به همان کشتی که می‌خواست برود، روانه نمود. خدیو مصر خانواده و حرم خود را به طرف داخله مملکت مصر رسانیده است. رؤسای قشون اظهار داشته‌اند که پس از آنکه قلعه‌جات را تا نفس آخر مدافعه و محافظت نمودند، در داخله مملکت خواهند رفت و در آنجا همه چیز به جهت مقاومت سخت حاضر است. مریضخانه دستی به جهت حمل و نقل مریض ترتیب داده‌اند. راه آمد و شد ما بین اسکندریه و قاهره مقطوع شده است. جمیع عراده‌های حمل و نقل الحال در تحت اختیار وزیر جنگ است. تفصیل ذیل نیم ساعت از نیمه شب گذشته تلگراف شده است: امروز در ساعت یازده کشتی‌های فرانسه و جمیع کشتی‌های دیگر به جز کشتی‌های انگلیس از سواحل مصر دور شده و عازم شده‌اند. وضع حرکت تمام کشتی‌ها در حالتی که هوا بسیار خوب بود، بسیار باشکوه و با تماشا بود، هوا به نهایت خوب بوده و باد بیرق‌ها را در بالای دیرک‌ها به هیچ وجه نمی‌داد. کشتی‌های فرانسه از جلو می‌رفتند و از تعاقب کشتی‌های ینگ‌دنیا و روس و اطیش و ایتالیا حرکت می‌نمودند. توپ‌های هر یک از کشتی‌ها وقت عبور از پهلوی ان‌ون‌سیبل سلام می‌دادند و در میان کشتی ان‌ون‌سیبل در جواب ساز نواخته و مقام اینکه خداوند ملکه را

زنده بدارد، می‌زدند. کشتی‌های تجارتی که در میان آنها اهالی خارجه بودند که از مصر فرار کرده بودند، از تعاقب آنها می‌رفتند. در سمت جنوب در بندر به جز کشتی‌های آلمان و هیرندل و به علاوه یک یا دو فروند کشتی خارجه بیش نبود. راغب پاشا به اتفاق چندین نفر از همکاران خود و عدد کثیری از رجال بزرگ مملکت مصر با کشتی تجار به طرف کشتی ان‌ون سیبل رفته است. اهالی کشتی نسبت به ایشان تشریفات نظامی به عمل آوردند. امیرال سیمور و لیوتنان لامبان از راغب پاشا پذیرایی نمودند. از ابتدای صحبت امیرال سیمور ملتفت شد که راغب پاشا هنوز کاغذ آخری او را دریافت ننموده است و او آمده است که در باب تهیات عداوت‌آمیز کشتی‌های جنگی انگلیس توضیحات بخواهد. امیرال مزبور پس از آن به مأمورین مصر در باب کاغذ آخری که نوشته شده بود، اطلاع داد. راغب پاشا و همکاران او ظاهراً وحشت نمودند و آنها با یکدیگر به زبان عثمانی به تعجیل صحبت می‌کردند. تا اینکه در آن بین کشتی خدیو مصر موسوم محروسه وارد شده و به جهت ایشان کاغذ آخری را که عرابی پاشا تازگی دریافت نموده بود، آورد. پس از آن عثمانی‌ها از امیرال انگلیس رخصت گرفته و گفتند که در این باب باید در شورای وزرا گفتگو و مذاکره بنمایند. چند دقیقه بعد امیرال مقرر داشت که سیم بحری را که از کشتی به ساحل کشیده بودند، قطع نمودند. به طوری که جمیع روابط تلگرافی موقوف گردید و کشتی چیل‌تم سیم را جمع کرده و آن را به کشتی حلین متصل ساخته و روابط تلگرافی را ما بین کشتی‌های جنگی انگلیس و اروپا برقرار نمود. در مجلس وکلای دولت انگلیس لرد گرانویل شب سه‌شنبه اعلان ذیل را کرده و خلاصه آن به توسط تلگراف به جهت ما رسیده است. آقایان من روز پنجشنبه گذشته وضع احوال اسکندریه را به جهت شما اظهار داشتم و گفتم که دولت اعلی حضرت از تهیات عداوت‌آمیزی که به عمل می‌آمد و چنانچه می‌گفتند در بنادر استحکامات می‌شد، به هیچ چه اطلاع نداشت. از آن وقت که سردار قشون بحری انگلیس که بر کشتی‌هایی که به طرف مصر مأمور شده‌اند، ریاست به ما اعلان نموده است که هفته گذشته روی قلعه واقع در خارج بندر بعضی توپ‌ها قرار داده شده بود. دیروز سردار بحری کشتی‌هایی که به طرف مصر مأمور شده‌اند، به ما اطلاع داده است که استحکامات و تهیات نظامی متصلاً به عمل آمده است و همواره بر قلعه‌جات توپ‌ها قرار می‌دهند؛ بنابراین او مُصمّم بود که یک کاغذ آخر به جهت رجال مصر بفرستد. یقین دارم که امیرال انگلیس امروز صبح به رجال مصر اطلاع داده است که هرگاه قلعه‌جات را تسلیم نکرده و دست از استحکامات آنها نکنند، صبح روز بعد شروع به شلیک خواهد نمود. به جهت دولت انگلیس خیلی سخت است از اینکه با ضعیف‌تر از خود قوه جبریّه استعمال نماید؛ ولی چاره ندارد و این تهیات جنگ و استحکامات قلعه‌جات با وجود عدم میل خدیو مصر، با وجود قدغن اعلی حضرت سلطان و اطمینان‌هایی که از طرف رجال محلیّه مصر داده شده است، به عمل آمده است. پس اگر کشتی‌های دولت انگلیس بنای شلیک را گذارند، فقط محض این است که خود را مدافعه نموده و در جواب تهیات نظامی اهالی به مقام مجادله برآیند.

تفصیل در باب روز اول نوشته شده است. می‌بایستی پنج ساعت به ظهر مانده، شروع به شلیک نمایند. دو ساعت به نیمه شب مانده، عرابی پاشا به جهت اصلاح اهتمام کلی نمود. سه نفر صاحب منصب با

کشتی بخار و امیرال سیمور روانه نمود که به او اطلاع بدهد از اینکه حاضر است که اسلحه قلعه جات را بردارد. کشتی بخار مزبور مدت چند ساعت کشتی امیرال سیمور را تفحص کرده، ولی نتوانست آن را پیدا کند. جهت این بود که کشتی امیرال سیمور شبانه لنگرگاه خود را تغییر داده بود. آن سه نفر صاحب منصب مجبور شدند که کشتی حلیکن او را محض هدایت همراه خود بردارند. امیرال سیمور از آنها با کمال ادب پذیرایی نمود؛ ولی به ایشان فهمانید که هیچ چیز اسباب ممانعت شلیک نخواهد شد. مأمور عثمانی و عرابی پاشا به امیرال سیمور اظهار داشتند که جواب خود را مکتوباً بنویسد؛ و پس از آن به ساحل نزد عرابی پاشا مراجعت کردند. پنج ساعت به ظهر مانده همه چیز به جهت شلیک حاضر بود. اشخاصی که بالای کشتی بودند، داخل اطاق های کشتی ها شده، توپ ها را پر کرده بودند. تفنگچیان انگلیس لباس های زیادی خود را بیرون آوردند. چیزی که داشتند شلوار و جلیقه و زیرپیراهنی بود. ظاهراً همگی خوش وقت بودند از این که شروع به شلیک خواهند نمود. تشویشی که داشتند این بود که مبدا عرابی به عذر تقصیر آمده و تهیّات آنها به هدر رود. اگر چه عرابی پاشا اظهار صلح نمود، ولی امیرال سیمور اظهارات او را قبول ننمود. کشتی های انگلیس مرکب از هشت فروند کشتی زره پوش و پنج کشتی دیگر بود. کشتی آن فلکسیبل کشتی بی بود برج دار که گنجایش یازده هزار و چهار صد تن دارد و مسلح به چهار عرّاده توپ بود که هر یک از آنها هشتاد و یک تن وزن داشت و زرهی که به جهت آن قرار داده بودند، به قدر بیست و چهار بند انگشت بود. کشتی تمرر گنجایش هشت هزار و پانصد و چهل تن داشته و مسلح به هشت عرّاده توپ بوده که وزن چهار عرّاده آن بیست و پنج تن و وزن چهار عرّاده دیگر هیجده تن داشته. کشتی سوپرر گنجایش نه هزار و صد تن داشته و مسلح به چهار عرّاده توپ است که وزن هر یک بیست و پنج تن می باشد. کشتی سلطان گنجایش نه هزار و دویست و نود تن داشته و مسلح به دوازده عرّاده توپ است که وزن هشت عرّاده آن هیجده تن و وزن چهار عرّاده آن دوازده تن می باشد. کشتی الکساندرا گنجایش نه هزار و چهار صد و نود تن و مسلح به دوازده عرّاده توپ است که وزن دو عرّاده آن بیست و پنج تن و وزن ده عرّاده هیجده تن می باشد. کشتی موناک گنجایش هشت هزار و سیصد و بیست تن داشته و مسلح به شش عرّاده توپ بود. کشتی انون سپیل گنجایش شصت هزار و ده تن داشته و مسلح به ده عرّاده توپ. کشتی پنهلوپ گنجایش چهار هزار و چهار صد و هفتاد تن داشته و مسلح به ده عرّاده توپ بود. کشتی های مزبور زره پوش بودند. به علاوه پنج فروند کشتی غیر زره پوش بود. توپ هایی که در کشتی ها قرار داده بودند، موافق نمونه نردل فلد و کاتلین بودند. کشتی های زره پوش انگلیس به وضعی ترتیب داده بودند که جمیع شهر جدید اسکندریه یعنی آن قسمی که استحکامات داشت، یک مرتبه در معرض شلیک توپ های انگلیس واقع شدند.

پنج ساعت به ظهر مانده، صدای غریبی مسموع شد و این صدای شلیک توپ الکساندرا بود که به طرف قلعه فاروس توپ خالی می کرد. پنج دقیقه بعد از آن سایر کشتی ها عموماً به طرف توپخانه های مصری ها بنای شلیک را گذاردند. اول چنین گمان می رفت که مصری ها به مقام جواب برنیایند؛ ولی قدری که گذشت، از طرف آنها بنای شلیک گذارده شد. مصری ها مانند انگلیسی ها نارنجک نداشتند.

همین که دودهای اول رفع شد، بر انگلیسی‌ها معلوم گردید که توپخانه انگلیسی‌ها کار کُلی کرده است. کشتی ان‌فلکسیبل که تازه ساخته شده است، اول بنای شلیک گذارد. از یک سمت قلعه مکس و از طرف دیگر به سمت رأس الطیر شلیک می‌نمودند. با وجودی که مسافت گلوله چهار الی پنج هزار متر بود، مع‌هذا گلوله‌های توپ‌های آن خیلی کارگر بودند و بدون دوربین دو سوراخ بزرگ در قلعه رأس الطین ملاحظه می‌شد. به فانوس بحری نیز خسارت کُلی وارد آمده بود. اهالی مصر در این بین مشغول شلیک بودند. از طرف کشتی‌های انگلیس کمتر گلوله بود که به نشانه نمی‌خورد و گلوله مصری‌ها نیز به کشتی‌ها می‌رسید. پس از یک ساعت، شش نفر از اهالی کشتی ان‌ون‌سیبل مجروح شده و زره کشتی مزبور چندین جا سوراخ شده بود. یک ساعت و نیم به ظهر مانده، نارنجکی که از کشتی‌های انگلیس انداخته شد، انبار باروط قلعه مکس را آتش زد. قلعه مزبور با صدای شدیدی آتش گرفت. در این بین کشتی‌های سلطان و سوپر و الکساندرا به طرف قلعه فاروس شلیک می‌نمودند و از قلعه مزبوره نیز شلیک سخت می‌شد.

توپخانه مصری‌ها مانند توپخانه انگلیسی‌ها نبود؛ ولی توپ‌های خود را خوب ترتیب داده بودند. اغلب از گلوله‌های آنها به آب خورده و به هیچ وجه خسارتی به کشتی‌های انگلیس وارد نمی‌آوردند. یک ساعت به ظهر مانده این سه کشتی نزدیک‌تر رفته و مسافت آنها از قلعه فاروس به همه جهت هشتصد متر بود و برج قلعه مزبوره تا به آن وقت خراب شده بودند. کشتی کندر که زره‌پوش نبود، به فاصله هزار و دویست متر از قلعه مارابو رفته بود. به طوری که اگر از طرف قلعه شلیک به قاعده می‌شد، ممکن بود که به زودی آن را غرق کند؛ مع‌هذا کشتی مزبور خوب یورش آورده و بعد از یک ساعت سه عراده توپ قلعه مارابو سکوت اختیار نمودند. تقریباً در همان وقت از طرف فانوس بحری شعله‌های آتش غریب مشاهده شد. پس از آنکه مُلتفت شدند، معلوم گردید که رأس الطین با عمارت حرم آتش گرفته است. نیم ساعت از ظهر گذشته از رأس الطین در مقابل شلیک انگلیسی‌ها جوابی داده نمی‌شد و کشتی الکساندرا از طرف خود قلعه ادا را آتش زده بود. از قلعه ادا جواب شلیک به قاعده داده نمی‌شد و گاهی از اوقات صدای شلیک توپ مسموع می‌گردید.

دو ساعت بعد، قلعه مزبوره با خاک یکسان گردید. قشون ساخلوی آن تا چهار ساعت از ظهر گذشته مقاومت کرده، ولی چون بالاخره یأس حاصل نمودند، راه فرار را برگزیدند. امیرال سیمور حکم نموده بود که جمع کشتی‌ها کُلّیتاً شلیک را موقوف بدارند. جنگ تقریباً هشت ساعت طول کشید. پس از آن کشتی‌های انگلیس به یکدیگر نزدیک شده و صورت تلفات خود مُعین نمودند. در کشتی سلطان دو نفر مقتول و هفتاد نفر مجروح. در کشتی سوپر یک نفر مقتول و یک نفر مجروح و به علاوه زره آن سوراخ شده بود. در کشتی الکساندرا یک نفر مقتول و سه نفر مجروح. در کشتی پنه‌لوپ هشت نفر مجروح. در کشتی ان‌ون‌سیبل یک نفر مجروح. به صاحب منصبان ابدأ صدمه و آسیبی وارد نیامد. اما در باب تلفات مصری‌ها مُمكن نیست تخمین نمود. آنچه تصوّر شده است، خیلی زیاد است. در باب آنچه که در داخله اسکندریه روی داده است، معلوم نیست. هنگام شلیک عرابی پاشا مصمم شده بود که رابطه تلگرافی را ما بین مصر و هندوستان مقطوع داشته و بوغاز سوئز را سد نماید. به طوری که نتوانند از هندوستان به آنجا

بیایند؛ ولی در باب صحت این خبر هنوز تردید حاصل است. هر چه بوده است، ملاحان انگلیس از شجاعت مصری‌ها تمجید زیاد می‌نمایند.

موافق قول گماشته روزنامه دلی، تلگرافی که از یک نفر عرب که از اسکندریه فرار نموده بود، استفسار کرده است، معلوم می‌شود که تلفات مصری‌ها زیاد بوده. از سرباز و ساکنین شهر کمتر از دو هزار نفر بوده که مقتول گردیده‌اند. ساکنین به صرافت فرار کردن نیفتاده بودند و خود را در امنیت می‌پنداشتند. چون که امیرال سیمور اعلان کرده بود که به همه جهت به طرف قلعه‌جات شلیک خواهد شد. دو ساعت از ظهر گذشته نارنجک‌ها که از بالای قلعه‌جات می‌گذشتند، در میان شهر افتاده و عابری‌ن را کشته و در میان خانه‌ها ترکید و در همه جا اسباب وحشت کلی بودند. به دیرک کشتی سلطان خسارت کلی وارد آمده بود. یک قسمت از راه کشتی سوپرپ خورد شده است. به کشتی پنه‌لوپ خسارت کلی وارد آمده و عراده توپ الکساندرا متلاشی شده و اعتقاد این است که کشتی مزبور به طرف جزیره مالت خواهد رفت که در آنجا توپ‌های جدید به جهت خود تدارک ببیند. کشتی مونارک که با کشتی‌های ان‌ون سیبل و پنه‌لوپ به طرف قلعه مکس شلیک می‌نمودند، به تنهایی دویست نارنجک و شش هزار گلوله انداخته است. از کشتی ان‌فلکسیبل گلوله‌هایی انداخته می‌شد که وزن هر یک از آنها ۸۵۰ کیلو بود. قلعه مکس که در سواحل جنوب غربی واقع است، پس از شلیک تماماً خراب شده بود. فانوس بحری واقع در نقطه غربی شبیه آن جزیره است که شهر اسکندریه روی آن ساخته شده است، نیز خیلی خراب گردیده بود. قلعه فاروس که در منتهای مشرق شبه‌الجزیره واقع است، دیگر حالت شلیک کردن نداشته و توپ‌های آن از هم متلاشی گردیده و قورخانه آن به کلی آتش گرفته است. به قلعه مارابو که در مدخل بندر واقع است، خیلی خسارت وارد آمده؛ ولی تماماً آن خراب نگردیده است.

وقت شب، پس از آنکه جنگ به اتمام رسید، از طرف کشتی‌های انگلیس روشنایی الکتریک به طرف قلعه‌جات انداختند که ملاحظه نمایند که اهالی قلعه‌جات به چه کار اشتغال دارند. دیدند که در آنها به هیچ وجه حرکتی نمی‌شود. چراغ فانوس بحری نیز روشن نیست و به همه جهت در بعضی جا‌های اسکندریه چراغی نمایان می‌کردند.

صبح روز بعد که چهارشنبه بود، چهار ساعت به ظهر مانده امیرال سیمور جمیع صاحب‌منصبان کشتی‌ها را در میان کشتی ان‌ون سیبل جمع کرده، با آنها مشورت کرده، چنین مصلحت دانستند که یک مرتبه دیگر مجدداً شلیک نمایند. چون دریا شدت داشت، لهذا چنین مُصمّم گریه‌دند که عمل شلیک را به عهده تعویق اندازند. یک ساعت و نیم به ظهر مانده، اهالی کشتی تمرر نزدیکی قلعه مارابو مابین رأس‌الطین و قلعه ادا جمعیتی سرباز مشاهده نمودند که یک نفر سرتیپ بر آنها ریاست داشت و او ظاهراً کسی دیگر جز عرابی‌پاشا نبود. رئیس کشتی تمرر این فقره را به امیرال سیمور اطلاع داده و امیرال سیمور به او اجازه داد که به طرف قلعه مارابو بنای شلیک را گذارد. کشتی تمرر به تقویت کشتی ان‌ون سیبل فوراً مشغول به شلیک گردید. جنگ به همه جهت چند دقیقه طول کشید. به محض شلیک اول اهالی مصر فرار کرده و در آن وقت بیرق سفید که علامت تسلیم شدن است، افراشته شد. آن وقت تولیا پاشا حاکم نظامی و نطفی

پاشا حاکم غیر نظامی اسکندریه در کشتی خدیو مصر موسوم به محروسه نشسته و به طرف کشتی‌های انگلیس رفتند که مذاکره مصالحه بنمایند. امیرال سیمور یک نفر نایب در میان یکی از کشتی‌های غیر زره‌پوش به استقبال او فرستاد. همین که نایب مزبور داخل کشتی محروسه گردید، حکام اسکندریه از مقاومت قشون ساخلوی تهنیت کلی نمود. تولیا پاشا به ملاحظه رسانید که این جنگ به هیچ وجه متناسب نبود. او اظهار داشت که گلوله‌های کشتی‌های انگلیس اگر چه به طرف قلعه‌جات انداخته می‌شد، مع هذا عدد کثیری زن و اطفال کشته است و ضمناً گفت که خدیو مصر با درویش پاشا در عمارت رمله در امنیت هستند. پس از آن بنای مذاکره شد که چه قسم شرایط تسلیم شدن معمول گردد.

نایب قشون انگلیس که موسوم به لامبطن بود، گفت: باید جمیع قلعه‌جات تخلیه شوند و سربازان انگلیس از طرف بندر خارج قلعه مکس و از طرف دیگر قلاع مارابود و آمجه را تصرف نمایند و سربازان مصری می‌توانند با اسلحه و کوله‌بارهای خود در داخله اسکندریه رفته و شرف نظامی را داشته باشند. تولیا پاشا و لطفی پاشا اظهار داشتند که در این باب باید به دولت متبوعه خود اظهار بدارند و بنابراین به اسکندریه مراجعت کردند. بیرق سفید مدت چند ساعت روی شهر افراشته بود، ولی الحال آنچه معلوم می‌شود افراشتن این بیرق محض این بود که انگلیسی‌ها دست از شلیک کشیده و به این واسطه مصری‌ها فرصت پیدا کرده خود را در امنیت قرار داده و یحتمل اسباب قتل‌های شدید و یا یقین‌هایی را که تلگراف به ما اطلاع داده است، فراهم آورند.

در حقیقت چهار ساعت بعد از ظهر دیده شد که مقصرین مملکت مصر در قایق‌ها به ساحل آمدند و ظاهراً همین اشخاص بوده‌اند که شهر را آتش زده‌اند؛ زیرا که جزئی زمان پس از آنکه آنها به ساحل رسیدند، در افق شعله‌های آتش ملاحظه گردید؛ آنچه به نظر می‌آمد شهر اسکندریه یک مرتبه در سه نقطه آتش گرفته بود. موافق اخبار آخری که رسیده است کشتی‌های انگلیس به کلی حاضر بودند که مجدداً بنای جنگ را گذارده و شلیک نمایند؛ زیرا که دو فروند کشتی به کشتی‌های انگلیس ملحق شده و به جهت قشون انگلیس نارنجک‌ها و مهمات جنگ آوردند و همچنین می‌گفتند که کشتی موسوم به اورنت که از جزیره مالت عازم شده است، عمّا‌قرب به کشتی‌های دیگر ملحق شده و همراه قشون می‌آورد. اما در باب کشتی‌های زره‌پوش فرانسه و سایر ملل که پنجاه فروند می‌شدند به مسافت سه الی چهار کیلومتر از معرکه جنگ لنگر انداخته‌اند.

روز پنجشنبه وقت صبح چون بیرق سفید روی شهر افراشته شده بود به کاپتن موریس حکم رسید که میان کشتی حلیکن که نزدیکی کشتی محروسه بود، رفته و با اشخاصی که در میان کشتی محروسه هستند، بنای مذاکره به جهت هیچ کس را نیافت. بنابراین شیپور کشیده شده و به جمیع کشتی‌ها حکم داده شد که مجدداً به شلیک اشتغال ورزند. در این بین قایق‌هایی که در سواحل تفتیش وضع احوال مشغول بودند، اطلاع دادند که قلعه‌جات به کلی تخلیه شده‌اند. در این صورت فایده نداشت که به جهت مهمات جنگ را بی‌فایده صرف نمایند. بنابراین امیرال سیمور از شلیک جدید صرف نظر نموده و مقرر داشت که بعضی اشخاص به ساحل رفته و بر آتش خانه توپ‌های دشمن میخ بکوبند، محض آنکه از خیر انتفاع بیفتند.

فوراً کشتی‌های ان‌ون‌سیبل و پنه‌لوپ و مونارک به اتفاق کشتی‌های غیر زره‌پوش پی‌کن و کسند و بی‌طزل به حرکت افتاده و به طرف بندر قدیم در مقابل قلعه کافرایی رفتند. در آنجا کشتی حلیکسن را یافتند که عمله‌جات آن مشغول بودند که به قدر صد و پنجاه نفر از اهالی اروپا از قبیل یویانی و ایتالیا و انگلیس که به طرف بندر با مشقت زیاد فرار کرده بودند، در کشتی داخل نمایند. موافق روایت آنها معلوم شد که بعضی از فراریان در ابتدای جنگ در مرکز محله اروپا پناه برده و در آنجا خود را مستعد مدافعه نموده بودند. دو ساعت بعد با وجود صدای شلیک به خوبی سربازان مصری را مشاهده نموده بودند که به واسطه گلوله توپ انگلیس از سنگرهای خود فرار کرده و به طرف داخله می‌رفتند. اغلب از آنها مجروح بوده و به حالتی که به عیسوی‌ها دشنام‌های بد می‌دادند فرار می‌نمودند و همین سربازان در محله اهالی اروپا آمده و داکین و خانه‌های اهالی اروپا را نهب و غارت نموده و جمیع عیسویان را که ملاقات می‌نمودند به قتل می‌رسانیدند و در هر جا عبور می‌کردند، آثار خونریزش از خود می‌گذاشتند. اهالی اروپا خود را در سردابه‌ها مخفی نموده و مدت چندین ساعت به حالت کمال وحشت به سر می‌بردند. شبانه مصمم شدند که یک مرتبه بیرون آمده و به هر نحو باشد به جهت خود راهی به طرف بندر باز نمایند. چون خوب مسلح بودند بر اهالی که به طرف آنها یورش می‌آوردند، حمله کرده و اهالی مصر چندین مرتبه آنها را عقب نشانیدند. دو ساعت از همه شب گذشته، چون نتوانستند خیال خود را مجری بدارند، لابداً به بانک در همان جایی که اول پناه اختیار نموده بودند، مراجعت کردند.

چهار ساعت از نیمه شب گذشته، ملتفت شدند عمارتی که آنها در میان بودند آتش گرفته است. لهذا به جهت آنها بهتر بود که اسلحه به دست تلف شوند تا آنکه در میان شعله آتش جان را تسلیم نمایند. بنابراین مجدداً بیرون رفته و دیدید که کوچه به کلی خالی است. از این فقره به نهایت تعجب نمودند. معلوم شد که ازدحام پس از آنکه همه جا را آتش زده از قتل و غارت سیر شده بودند، متفرق گردیدند. شعله آتش آن‌فاناً بیشتر می‌شد، به جز صدای ما یقین که زبانه آتش تا به آسمان رسیده بود، صدای دیگر مسموع نمی‌گردید و حینی که فراریان به بندر می‌رسیدند، صدای ما یقین شدت کرده و خانه‌ها متصلاً خراب می‌گردید. از قراری که اهالی اروپا حکایت می‌نمایند، از آنها عدد کثیری مقتول شده است، یعنی تعداد هزار و پانصد نفر به دست مصری‌ها کشته شده‌اند. دیشب دولت انگلیس در مجلس وکلای ملت اظهار داشت که [در] عدد مقتولین اهالی اروپا خیلی اغراق شده است.

شش ساعت از نیمه شب گذشته، اهالی اروپا که از بانک انگلیس و مصر فرار کرده بودند، به بندر نزدیک کشتی‌ها وارد شدند. دو ساعت به ظهر مانده امیرال سیمور به قدر ششصد نفر از میان کشتی مونارک به ساحل آورد. این جزئی قشون در آتش خانه بعضی توپ‌ها میخ کوبیده و با باروط ماشین‌ها را خراب نمودند. پس از آن به داخل شهر رفته و به زودی مشاهده نمودند که بعضی اعراب مشعل‌ها به دست گرفته و پس از غارت کردن خانه‌ها را آتش می‌زنند. در آن واحد به طرف آنها یورش آورده و سه یا چهار نفر از آنها را به قتل رسانیدند. ولی غفلتاً دیده شد که ازدحام کثیری از سربازان مصری به کمک فراریان وارد شدند. ملاحان انگلیس چون از جهت عدد خیلی قلیل بودند، لهذا مجبوراً به طرف بندر مراجعت کردند. از ما نیز

بعد یک عزاده توپ و قشون کمک به آنها رسید. یک گلوله میان اعراب انداخته شد. پنج نفر از آنها افتاده و مابقی فرار کردند. در همان هنگام رئیس پلیس که از مصری‌های معروف بود، وارد شده، ولی او نیز مجبور بود که در مقابل اشخاصی که کار خود را به قتل منحصر نموده بودند، فرار نمایند. او از انگلیسی‌ها طلبه خواست که یانقین را بگذارد و به جاهای دیگر سرایت نمایند. انگلیسی‌ها طلبه نداشتند و بدبختانه استخر محمودیه که از آنجا به جهت اسکندریه آب تهیه می‌شود، هزار کار افتاده بود. چون آب در اسکندریه یافت نمی‌شد، لهذا مجبور بودند که آتش را به وضع خود گذارند. بعضی از انگلیسی‌ها که بعدها داخل شهر شده بودند، از وضع یانقین و خرابی‌هایی که به واسطه آن وارد آمده بود، کمال افسوس را خورده بودند. محله اهالی اروپا که بهترین محله‌های شهر و در مدخل بندر جدید نزدیکی عمارت حاکم اسکندریه واقع است، به کلی خراب و خانه‌ها با خاک یکسان گردیده‌اند. از میدان محمدعلی که مرکز محله مزبور و مرکز قتل یازدهم ماه ژون بود، آثاری ملاحظه نمی‌گردید و از قنصل‌خانه‌های انگلیس و فرانسه جاهای معتبر دیگر هیچ چیز باقی نمانده بود. به همه جهت دیوارهای خراب و خاکسترهایی ملاحظه می‌گردید که از میان آنها دود سیاه خفه کننده متصاعد می‌گردید.

بالاخره قشون پیاده نظام بحری انگلیس پس از آنکه به واسطه توپ اشرار را متواری و فراری ساختند، مشغول تفحص وضع احوال گردیده و در این بین یک دسته نوکر از طرف عمارت سلطنتی وارد شده و ورود خدیو مصر را اعلان نمودند و در حقیقت چند دقیقه بعد توفیق پاشا به اتفاق مارتینو منشی خود و درویش پاشا مأمور دولت عثمانی با کالسکه وارد شدند. آنها از عمارت رمله می‌آمدند و در آنجا قشون عارابی پاشا چندین دفعه خود را مهیا نموده بود که رفته و آنها را مقتول نمایند.

خدیو مصر در این در این روزی که آنجا بود به قدری چیزها دیده بود که در عمر خود فراموش نکرده بود. قشون انگلیس از آنها پذیرایی محترمانه کرده و از روی شوق آنها را محض امنیت در میان کشتی آورده بودند. اما در باب عارابی پاشا موافق اخباری که از قشون انگلیس رسیده است، معلوم می‌شود که او می‌خواست پس از این تفصیل به کفرالدوار که به مسافت یک ساعت راه از اسکندریه است، رفته و در آنجا اسباب مدافعه به جهت خود فراهم آورد و نیز چنین مذکور بود که او می‌خواهد به دامن حور برود و از آنجا پس از عبور از رودخانه به نیل و به کفرالراست و از آنجا به قاهره رفته و در کوه‌های مقدم قرار گرفته و قاهره را قلعه محکم به جهت خود قرار دهد. دو نفر انگلیسی که پس از شلیک انگلیسی‌ها به ساحل آمده و به اسکندریه رفتند، گماشته، روزنامه دلی تلگراف و کاپتن لانک سیاح معروف آفریقایی هستند، آنها هر دو نفر در یکی از کشتی‌های انگلیس این تفاسل را تماشا کرده و دیروز صبح که روز پنجشنبه بود، مُصمَّم شدند که با وجود خطر داخل شهر شده و وقایع احوال را ملاحظه نمایند. چون در قایقی بودند، بین راه کشتی غیر زره‌پوش موسوم به بیکن را ملاقات کرده و رئیس آن به ایشان اطلاع داد که اسکندریه در دست عارابی پاشا می‌باشد. مع هذا ایشان به راه خود مداومت نمودند. در بندر داخله دودهایی غلیظ به قدر یک دقیقه همه چیز را از نظر ایشان محو ساخت. ولی چون به مسافت جزئی از عمارت رأس‌الطین به ساحل آمدند، مشخص نمودند که تمام مرکز شهر و همچنین محله اهالی اروپا تماماً آتش رفته و

شعله آتش اطراف را گرفته است. یک سمت عمارت رأس الطین خراب شده بود. میدان بزرگی که معركة قتل‌های شدید روز یازدهم ماه ژون بود، هنوز مشتعل بود. جمیع کوچه‌های اهالی اروپا که از میدان شروع می‌نمودند، ظاهراً مُشتعل بودند. آنچه معلوم شد اعراب بدوی که روز قبل داخل شهر شده بودند، پس از آنکه جمیع جاها را غارت نموده بودند، همه جا را آتش زده‌اند.

گماشته روزنامه دلی تلگراف می‌گوید: آنچه تخمین نموده‌ام یانقین به قدر دو کیلومتر مسافت را به طوری که تصرف دارد و دودهایی که از آنها متصاعد می‌شود، در آسمان به شکل گنبد شده‌اند. هوا به طوری حرارت دارد که من نمی‌توانم نزدیک یانقین بروم. گماشته روزنامه دلی تلگراف از اهالی مصرکسی را ملاقات نکرده است و یانقین متصلاً شدت کرده و کسی به صرافت خاموش کردن آن نیست. قشون مصری جمیع قلعه‌جات را تخلیه کرده و سمت خلیج محرم در منتهای نقطه قصبات شهر رفته‌اند. هنگامی که می‌رفتند به هیچ وجه اعراب بدوی را مانع نگردیده‌اند. از اینکه به غارت و یانقن نپردازند و برخلاف به آنها کمک کرده‌اند. روزنامه‌نگار مزبور چنین که تلگرام خود ارسال می‌داشت، در صدد بود که به طرف محله مقابل اسکندریه برود.

تفصیل ذیل در روزنامه فیگار به طبع رسیده است: عارابی پاشا روی کشتی بخار نشسته و مُصمم است که به رود نیل برود. اعراب بدوی بهاره خواسته و آنها را استعانت طلبیده است. آنها در همراهی با او مضایقه نموده‌اند و یک نفر صاحب منصب نزد خدیو مصر فرستاده و اظهار داشته است که اطاعت نماید و الا او مقاومت کرده و شهر قاهره را خواهد سوزانید. انگلیسی‌ها در همراهی با او مضایقه نمی‌نمایند. روز قبل از شلیک آنچه تخمین نموده بودند، به قدر چهار هزار نفر از اهالی یونان و ایتالیا و انگلیس در اسکندریه مانده مُصمم شده بودند که تا نفر آخر مال و املاک خود را حفظ نمایند. در مدت دو روز به قدر دویست الی سیصد نفر آنها داخل کشتی‌ها شده، ولی باید بدانیم که مابقی آنها یک‌جا رفته‌اند. از قراری که معلوم می‌شود، عدد کثیری از آنها به طرف قاهره فرار کرده‌اند. گماشته روزنامه استاندارد که از وضع احوال خوب اطلاع دارد، اعتقادش این است که از پانصد نفر از اهالی اروپا متجاوز مقتول نگردیده است، به جز اشخاصی که در کوچه‌ها نهب و غارت نموده‌اند، کسی در کوچه ملاقات نمی‌گردد.

شب شنبه به قدر دویست نفر عرب مشاهده گردیدند که به طرف مارین می‌رفتند که بلاشک در آنجا شرارت جدید بنمایند و آنها بیرق سبز پیغمبر را افراشته و به کمال تعجیل می‌شتافتند. بدبختانه ملّاحان انگلیس به قدر کفایت نیستند از اینکه بتوانند در همه جا اشرار را تنبیه و سیاست نمایند. از کشتی‌های انگلیس به همه جهت هزار و پانصد نفر پایین آمده است و اگر بیش از این می‌آمد اسباب این می‌شد که کشتی‌ها حالت خطر پیدا کنند و این فقره دلیل بر این است که امیرال سیمور از کشتی‌های دُول دیگر کمک خواسته است. به موجب مخابره‌ای که رسیده است، معلوم می‌شود که کشتی‌های ینگ‌دنیا و آلمانیا و سایر ملل قبول کرده‌اند که به امیرال سیمور کمک بنمایند و یک قسمت از اهالی کشتی‌های خود را به ساحل فرستاده‌اند. از دیروز به قدر صد نفر از ملّاحان ینگ‌دنیا به ساحل پایین آمده‌اند. ملّاحان انگلیسی دیروز جمیع قلاعی را که دچار شلیک شده‌اند، ملاحظه و دیدن کرده و معلوم نموده که اثر گلوله توپ‌های

آنها چه بوده است. اغلب از توپخانه‌های مصری از هم متلاشی و مُتَفَرِّق شده بودند. بعضی از توپ‌ها به وضع غریب افتاده که خیلی تماشا داشت. زیر یک عَرَادَه توپ که سرنگون شده بود، هفت نعش سرباز عرب را یافته بودند. در قلاع ادا و فاروس به قدر چهار صد نعش بر زمین افتاده بود. در حول و حوش آنجا بوی متعَفَنی مُتصاعد می‌گردید. به فانوس بحری که در جلوی عمارت رَأْس الطین واقع است خیلی خسارت و خرابی وارد آمده، اَقْلًا دوازده گلوله به آن خورده است، در این صورت حالت آن معلوم می‌گردد. گماشته روزنامه دلی نیز می‌گوید: اگر طوفانی به ظهور برسد، کار این فانوس بحری تمام است.

در حقیقت قشون ساخلوی قلاع خوب مسلح بودند. قلعه مارابو مشتمل بر پانزده عراده توپ آرام استرنگ به وضع نمونه جدید بود. آنچه خبر رسیده است معلوم می‌شود که سیرگارت ولزلی که با جماعت آشاناتی جنگ نمود، باید به اسکندریه وارد شود. از این فقره معلوم می‌گردد که دولت انگلیس قصد دارد عارابی پاشا را در داخله مملکت مصر تعاقب نماید.

و این تفصیل اشارت ظهور مخاطرات جدید خواهد بود. چون که عارابی پاشا تهدید نموده است که هرگاه مجدداً به جهت او اسباب تشویش فراهم آورند، او شهر قاهره را آتش خواهد زد. از قراری که معلوم می‌شود ثلث از قشون عارابی پاشا هنگام شلیک او را ترک کرده رفته‌اند. قشون او مُشتمل بر دوازده هزار نفر بود و الحال با عارابی پاشا به همه جهت چهار هزار نفر باقی مانده است. البته روز به روز عدد فراریان قشون عارابی پاشا بیشتر می‌شود؛ چنانچه مجدداً سیصد نفر فراری با اسکندریه آمده و اظهار اطاعت به خدیو مصر نموده‌اند. توفیق پاشا امیدوار است که سایرین را نیز به واسطه اطمینان مُتَفَرِّق نماید؛ و محض این فقره اعلانی به طبع رسانیده، دایر بر این است که جمیع قشون اسلحه خود را زمین گذارده و به وطن خود مراجعت نمایند. به علاوه موافق مُخابره‌ای که به روزنامه دلی تلگراف رسیده است معلوم می‌شود که قنسول‌های دُول خارجه با او مذاکره می‌نمایند که وزرای موقتی تشکیل بدهند، به امید آنکه شکل دولت موقتی اسباب این خواهد شد که اغتشاش حالیه فی الجمله مُبَدَل به نظم و امنیّت گردد. وزرا پس از آنکه مُشکل گردیدند اعلان جدیدی کرده و به ساکنین اعتماد و اطمینان داده و اظهار خواهند داشت که این جنگ‌های جدّ با ملّت مصر نبوده، بلکه فقط محض سیاست و تنبیه یاغیانی بوده است که نسبت به دولت دوست و مُتّحد دشنام داده بود. عَجالتاً اعلی حضرت ملکه ویکتوریا تلگرافی به امیرال سیمور فرستاده، دایر به تهنیت و تمجید نسبت به ملاحان و سربازان انگلیس که در روز یازدهم ماه ژوئیه بسیار خوب و با شجاعت رفتار کرده‌اند و قنسون انگلیس از این بابت کمال امتنان را دارد.

از اسکندریه، به تاریخ یکشنبه شانزدهم ماه ژوئیه تلگراف کرده‌اند که قشون انگلیس نزدیکی دریاچه ماریوت راه آهن اسکندریه را که به قاهره می‌رود، قطع نموده است. امشب شب اول ماه رمضان است. به مصری‌ها قدغن شده است که این عید مذهبی را به واسطه شلیک توپخانه چنانچه رسم است، اشتها ندهند. کشتی‌های انگلیس موسوم به تمار و سالامیس وارد شده و قشون آورده‌اند. کشتی حلیکن به بندر سعید رفته که به دورژیمنی که به طرف جزیره قبرس عازم شده‌اند، حکم نماید که به طرف اسکندریه بروند. این دورژیمن به رمله وارد شده‌اند. الحال هزار و دویست نفر به گاره وارد شده‌اند. مابین بندر سعید

از اسلامبول، به تاریخ سه شنبه هیجدهم تلگراف شده است که هنوز در باب جواب دولت عثمانی به جهت مجلس کنفرانس آثار و علامتی نیست. درویش پاشا به اسلامبول احضار شده است که در این باب رأی خود را اظهار بدارد. امروز مجلس شورای وزرا انعقاد نخواهد یافت. گُماشته روزنامه تایمز می نویسد که با یک دسته ملاح از میان شهر عبور نمود. در چندین جا مخروبات مانند کوه به نظر می آید. مجبور بودیم که از میان مخروبات در بعضی جاها به انفراد از عقب یکدیگر برویم. چون که راه عبور از میان مخروبات به قدری تنگ بود که دو نفر نمی توانستند یک مرتبه عبور نمایند و در هر آن می بایستی توقف کنیم. محض آنکه بعضی جاها خراب می شد و اگر توقف نمی نمودیم، زیر آوار می رفتیم. به تدریج، که

می‌رفتیم سعی می‌نمودم که خانه‌ای را که سابقاً در آنجا سُکنا داشتم یا آنکه به آنجا رفته بودم، بشناسم. من که مُدّت هفده سال در اسکندریه توقف کرده بودم، نتوانستم در محله اهالی اروپا آثار و علامت یک کوچه آشکار نمایم. چون جمیع امکنه و ابنیه به طوری خراب و سرنگون شده بودند که به هیچ وجه ممکن نبود مکان‌ها را تشخیص داد. گُماشته روزنامه مزبور دو نفر از اهالی اروپا را ملاقات نموده بود که روزی که این وقایع روی داده بود آن دو نفر هم خود را به کمک نمودن به احوال مجروحین صرف نموده بودند. آن دو نفر تفاصیلی به جهت گُماشته روزنامه مزبور حکایت کرده بودند که شخص از شنیدن آن خودداری نکرده و بی‌اختیار اشک از چشم‌هایش جاری می‌گردد.

در محله اهالی اروپا بعضی ابنیه که گمان رفته بود خراب شده‌اند، دچار یانقین نگردیده‌اند، من جمله کلیسای انگلیس و بانک دولتی عثمانی و بانک دولت مصر و بانک انگلیس و مصر و بعضی جاهای دیگر است. ولی بدبختانه یانقین‌های تازه در آن به ظهور می‌رسد. از قراری که معلوم می‌شود جمیع خانه‌ها را نهب و غارت کرده‌اند و هیچ خانه نیست که دچار غارت نشده باشد، ولی چیز غریب آن است که ابنیه بانک اگر چه مانند جاهای دیگر به آنجا تاخت و تاز آورده شده است، مع هذا کمتر دچار صدمه گردیده‌اند. کشتی‌های انگلیس طلسمه به ساحل آورده‌اند و ملاحان انگلیس اهتمام کلی دارند از اینکه رفع یانقین را بنمایند. در بعضی جاها بعضی خانه‌ها را با باروط خراب می‌کنند. محض آنکه سایر ابنیه نزدیک را از یانقین نجات دهند. مع هذا آنهایی که کار خود را مُنحصر به آتش زدن کرده‌اند، دست از کار خود نکشیده و همواره به این کار اشتغال دارند. از قراری که اطمینان داده شده است به قدر یک ماه بود که مُتصلاً به اسکندریه نفت می‌آوردند و این فقره دلیل بر آن است که قبل از وقت به صرافت آتش زدن خانه‌ها بوده‌اند. آنهایی که خانه‌ها را نهب و غارت نموده‌اند به عدد کثیر در شهر بوده و هر یک از آنها را که قشون انگلیس دستگیر می‌نمایند به سزای خود می‌رساند. به قدر پنجاه نفر از آنها را تفنگ باران کرده‌اند و بعضی را ملاحان انگلیس به میدان محمدعلی بُرده و آنها را لُخت کرده و به آنها شلاق می‌زنند.

جمیع گُماشته‌گان روزنامه‌جات انگلیس چنین اظهار داشته‌اند که اشخاص کثیری در اسکندریه دچار گرسنگی شده و از این بابت صدمه کلی می‌کشند. دیده می‌شود که مردمان با مکنّت به جهت یک لقمه نان، تكدّی می‌نمایند. در این چهار روزی که این صدمات در اسکندریه روی می‌داد و طلا و نقره آنها به جهت آنها کاری نکرده نتوانسته بودند به جهت خود نان تحصیل نمایند. اشرار جمیع آذوقه‌ها را نهب و غارت کرده و آنچه را که نتوانسته بودند ببرند خراب و پامال کرده‌اند. در یک مریض‌خانه از میان سی نفر، هفت نفر از گرسنگی به هلاکت رسیده‌اند و اغلبی دیگر طوری هستند که از حالت آنها یأس حاصل است. بحمدالله کمک می‌رسد گربه‌های شهر از روز یازدهم یا دوازدهم نتوانسته‌اند چیزی به جهت خوردن تحصیل نمایند و به این واسطه آنهایی که زنده مانده‌اند به طوری فریاد می‌نمایند که شخص از صدای آنها متأثر می‌شود. بعضی از اشخاص بدبخت دیوانه شده‌اند. زوجه داؤد پاشا وزیر جنگ سابق به واسطه تفصیل احوال وحشت کرده و طفلی از او سقط شده و خود زن به هلاکت رسیده است.

به توسط تلگراف اطلاع رسیده است که کشتی‌های آلمان و ینگى دنیا و روس و فرانسه و یونانی بنا

به خواهش امیرال سیمور ملاحان خود را به ساحل فرستاده‌اند. به موجب روزنامه دلی تلگراف ملاحان یونان در نهب و غارت شراکت کرده‌اند و بر حسب حکم خدیو مصر به آنها حکم شده است که مجدداً به کشتی‌های خود بروند. اهالی ینگى دنیا که عموماً بسیار خوب رفتار کرده‌اند، نیز یک نفر از هم ملتان خود را ملاقات کرده‌اند که اموال منهوبه را می‌برد. رئیس آنها مقرر داشت که او را تیرباران نمودند. شب یکشنبه ملاحان آلمان مریضی را از مریضخانه اروپایی به طرف بندر همراهی می‌نمودند. ولی بدبختانه فراموش کرده بودند که تذکره به ایشان بدهند. محض آنکه نتوانند از دروازه شهر عبور نمایند، ملاحان انگلیس به کمال آنکه آنها سربازان مصری هستند به طرف آنها شلیک تفنگ نموده‌اند. سربازان آلمان در جواب آنها به مقام شلیک برخاسته و کم مانده بود جنگ کلی شود تا آنکه از طرفین معلوم نمودند که هر دو اشتباه کلی کرده‌اند. از طرفین کسی مقتول نگردیده. به همه جهت دو نفر از اهل آلمان مجروح شده‌اند. بالاخره روز یکشنبه شهرت یافت که عارابی پاشا که در کافردوار به مسافت شش فرسنگ از اسکندریه می‌باشد و شش هزار نفر قشون و پنجاه عراده توپ دارد، قصدش این است که از سمت دروازه به طرف شهر یورش آورد. امیرال سیمور ملاحان ملل مختلفه را دعوت نموده است که با سربازان انگلیس همراهی نموده، نگذارند بیشتر از این اغتشاش و خطر روی دهد. به جز اهالی ینگى دنیا دیگران خواهش امیرال سیمور را به عمل نیاورده‌اند. اهالی روس و آلمان و فرانسه در این باب مضایقه کرده و حتی مجدداً به کشتی‌های خود رفته‌اند. در تمام شلیک‌ها عارابی پاشا در قلعه ناپلئون بوده و کشتی‌های انگلیس بر آنجا حمله نبرده و از آنجا یک تیر توپ خالی نشده است. قبل از آنکه از آنجا فرار کند، مبلغ ششصد و بیست و سه هزار فرانک که در صندوق گمرک یافته بود، همراه خود برداشته است. عارابی پاشا به سبب نهب و غارت، صاحب منصبان او تفنگ به دست گرفته و اشرار را به این کار حکم می‌نمودند.

گماشته روزنامه دلی تلگراف می‌گوید: به جهت عارابی پاشا و قشون او کمال زحمت حاصل است که آنچه را نهب و غارت نموده‌اند، نگاه دارند. اعراب بدوی هر آن بر آنها تاخت و تاز آورده و آنچه را که آنها نهب تحصیل نموده‌اند از دستشان می‌گیرند. به تلافی این فقره عارابی پاشا اعلانی نموده، به موجب آن اظهار داشته است که جمیع مالیات باید به خود او پرداخته شود.

بانقین اسکندریه رفته رفته خاموش می‌شود. چون دیگر چیزی به جهت سوختن نمانده است ملاحان انگلیس خاک کوچه‌ها را برمی‌دارند، بازار که از شعله آتش معاف بوده است، مجدداً باز شده است. بعضی تهیه آذوقه و میوه و سبزی آلات به شهر اسکندریه وارد می‌شود و بعضی اشخاص به حدی به فلاکت افتاده‌اند که اگر چند دقیقه دیگر به آنها غذا نرسد از گرسنگی به هلاکت خواهند رسید. پریروز پست‌خانه مجدداً مفتوح شد. بعضی از فراریان مجدداً مراجعت کرده و روزنامه رسمی مصر باید امروز مجدداً به طبع برسد. بنابراین در وضع احوال بهبودی حاصل شده است. بدبختانه عدم حرکت قشون انگلیس اسباب تشویش است از اینکه صدمات جدیدی روی دهد. پریروز قشونی که به واسطه کشتی‌های تمارواژن کور و مینوتور وارد شده است، استعداد قشون انگلیس را به شش هزار نفر متجاوز رسانیده است. قشون پیاده نظام بحری مشغول آمدن به ساحل هستند و شهرت یافته است که می‌خواهند به طرف عارابی پاشا یورش

ببرند. مع‌هذا کاری نکرده و عارابی پاشا به تعدّیات جدید اشتغال دارد. آنچه احتمال داده‌اند عارابی پاشا قصدش این است که مُجَدِّداً به اسکندریه مراجعت کرده و تاخت و تاز نماید و وضع او طوری است که می‌تواند به اطراف تاخت و تاز نموده و راه آمد و شد را به جهت آوردن آذوقه به طرف شهر مسدود نماید. گماشته روزنامه تایمز می‌گوید از وضع احوال چنین استنباط می‌شود که صدمات جدید در شهر اسکندریه روی خواهد داد. و در حقیقت هر روز از کارهای عارابی پاشا خبرهای جدید می‌رسد. پریروز مُقَرَّر داشت که کسانش قصبه رمله را غارت نمودند. قصبه مزبوره محلّ اقامت با مکنت‌ترین اهالی اروپاست و قشون عارابی پاشا این کار را در مقابل قشون انگلیس نموده‌اند. هیچ خانه‌ای نیست که دچار غارت نشده باشد. سربازان عارابی، همین که خانه‌ها را خالی کردند، قسمت بیشتر اموال منهوبه را به حراج فروختند، و جمیع اجناس را به قیمت خیلی نازل داده‌اند. به علاوه توفیق پاشا به چندین نفر از گماشتگان روزنامه اطلاع داده است که سربازان عارابی پاشا به قدر ۲۶ نفر از اهالی اروپا را به قتل رسانیده‌اند. آنچه خبر رسیده است این است که خدیو مصر اعلانی نموده، دایر براین است که عارابی پاشا خاین مملکت خود می‌باشد. بنا به مشورت راغب پاشا که هنوز صدر اعظم مملکت مصر است، خدیو مصر صرف نظر از اعلان خود نموده است، از ترس آنکه مبدا چنین اعلان اسباب این شود که تعدّیات جدید در تمام مملکت روی دهد، عارابی پاشا را از عزل خود مُستحضر داشته و به او اظهار داشته‌اند که به اسکندریه مراجعت نماید. راغب پاشا این تفصیل را به امیرال سیمور اطلاع داده است. از قراری که معلوم می‌شود عزل عارابی پاشا چندان تفاوتی به حالت عارابی پاشا نکرده است و موافق قول گماشته روزنامه استاندارد او به خدیو مصر تلگراف کرده است که به جهت مراجعت به اسکندریه حاضر است، به شرط آنکه کشتی‌های انگلیس و قشون انگلیس مراجعت نمایند و اگر آنها عقب نروند او در مقاومت خود مداومت خواهد نمود؛ و گفته است حاضر است بر اینکه با هر وزیر یا وکیلی که خدیو مصر بفرستد مذاکره و گفتگو نماید. موافق روزنامه استاندارد یک نفر از صاحب‌منصبان توفیق پاشا این مأموریت سخت و با خطر را قبول کرده، از اینکه رفته و با عارابی پاشا مذاکره و گفتگو نماید. آنچه تصوّر شده است در اشخاص حول و حوش خدیو مصر بسی اشخاص خاین هست و کسان وزرا با عارابی پاشا مخفیّتاً رابطه دارند. نمی‌دانیم که وضع اعلی‌حضرت سلطان در این مُدّت چه بوده است؟ درویش پاشا می‌گوید که پانزده مخابره تلگرافی به جهت سلطان عبدالحمید فرستاده و از او استدعا کرده است که بلادرنگ به مصر قشون بفرستد، ولی یک جواب دریافت نکرده است و در عوض توفیق پاشا عدد کثیری مخابرات تلگرافی از سلطان عثمانی دریافت کرده و دایر به استفسارات زیاده بوده‌اند. اغلب از سؤالات سلطان عبدالحمید طوری بوده که خدیو مصر نمی‌دانست چگونه به آنها جواب بدهد. به روزنامه دلی نیوز تلگراف کرده‌اند که کشتی‌های مینوتور و سلطان و تَمَر به طرف ابوکیه عازم شده‌اند. محض آنکه نگذارد عارابی پاشا سدها را خراب نماید.

تلگراف در باب درویش پاشا اطلاع داده است، درویش پاشا که از طرف دولت عثمانی به مصر مأمور شده بود به اسلامبول احضار شده است که در باب وضع احوال حالیه مصر به سلطان عثمانی اطلاعات بدهد.

گماشته روزنامه دلی تلگراف می گوید: الحال بعضی اسناد رسمی تحصیل نموده، دلیل بر این هستند که درویش پاشا تا زمان عزیمت خود به اسلامبول با عارابی پاشا روابط اتفاق داشته است. عارابی پاشا مواقع خود را مُحکم می نماید و همه روزه قشون جدید می گیرد. در مصر به طوری رفتار می نماید که گویی صاحب مملکت می باشد. اعتقاد این است که قشون خارجه باید با او جنگ سخت بنماید تا آنکه از او انتقام کند. از طرف دیگر از اسلامبول به روزنامه تایمز خبر داده اند که عارابی پاشا با طوایف اعراب طرابلس و جنوب تونس و خصوصاً با علی بن خلیفه روابط پیدا کرده است. علی بن خلیفه از جمله رؤسای عرب بوده و سال گذشته در تصرف تونس به توسط قشون فرانسه مقاومت کلی نمود. حدّ غریب این است که برادرزاده علی بن خلیفه که از اسلامبول آمده است، به طرابلس داخل شده است و جهت رفتن و به اسلامبول بود که آیا در تشویقاتی که کارگزاران عثمانی به یاغی های عرب داده اند دولت عثمانی همراهی خواهد کرد یا نه؟

و ضمناً روزنامه تایمز تلگراف کرده اند که مشایخ مسجد آل اظهار مایل هستند بر اینکه دولت عثمانی قشون بفرستد و چنین مُصمم هستند که در صورتی که قشون عثمانی از کشتی پایین آمد، فوراً سلطان عبدالحمید را معزول دانسته و عبدالمطلب شریف بزرگ مکه را که سید است، به جای او بر سریر سلطنت عثمانی پادشاه و خلیفه اعلان خواهند نمود. در این باب با عبدالمطلب و طوایف حجار مذاکرات می شود و طوایف مزبوره از قراری که می گویند حاضرند بر اینکه در صورت ضرورت شصت هزار نفر به عارابی پاشا کمک بفرستد. گماشته روزنامه تایمز می گوید که باب عالی این تمهید را ملتفت شده است و جهت این است که مَهِیا شده از اینکه عبدالمطلب را معزول کرده و کسی دیگر را به جای او به منصب شرافت مکه برقرار نماید.

به موجب مخابره بر ما معلوم شده است که خدیو مصر بالاخره مصمم گردیده از اینکه اعلانی نماید دایر بر اینکه عارابی پاشا خاین و یاغی است. صورت اعلان مزبور که تاریخ آن بیست و دوم ماه ژوئیه می باشد از قرار تفصیل ذیل است:

این اعلان به عارابی پاشا خطاب شده است: چون شما با قشون به طرف کافردوار عازم شده اید و از اسکندریه بدون حکم ما بیرون رفته اید و راه های آهن و ارسال و مرسول تلگرافی را قطع کرده اید و مانع هستید از اینکه با مردم به اسکندریه مجدداً داخل شوند و در تهیّات جنگ ابرام می نمایید، نظر به این ملاحظات شما را از منصب وزارت جنگ و وزارت بحریه معزول کرده و شما را از عزم خودمان در این باب مستحضر می داریم، تا آنکه تکلیف شما معلوم و مشخص گردد. هر کس که از تفصیل قبل استحضار به هم رساند، جهت عزل احمد عارابی پاشا را خواهد فهمید، ولی محض آنکه مردم بهتر از جهات آن اطلاع به هم رسانند. در این باب توضیحات دیگر خواهیم داد. پس از آنکه کشتی های انگلیس در مدّت ده ساعت قلعه جات اسکندریه را خراب نمودند، بدون آنکه به شهر صدمه و آسیبی وارد آورند و به همه جهت پنج نفر کشته شدند و بدون آنکه به کشتی ها خسارتی وارد آید و پس از آنکه چهار صد عراده توپ ما خراب شده و بهترین قسمت توپخانه از جنگ ما به در رفت، عارابی پاشا به قصر رمله آمده و به ما

اطلاع داد که جمیع قلعه‌جات خراب شده، از حیز انتفاع افتاده‌اند. در آن هنگام سردار کشتی‌های انگلیس اظهار داشت که قلاع عجمی و دکلی و رأس‌الطین تخلیه شوند، محض آنکه قشون خود آنها را تصرف نمایند. فوراً محض این فقره شورای عسکریه به ریاست ما منعقد شده و درویش پاشا و عارابی نیز حضور داشتند و چنین قرار شد که بدون حکم اعلی‌حضرت سلطان قلاع را به قشون انگلیس واگذار نماییم و بر قشون ساخلوی قلاع افزوده شود. محض آنکه نگذارند قشون هیچ دولتی داخل آنها شود. در این باب فوراً به اعلی‌حضرت سلطان تلگرافی فرستاده شد. عارابی پاشا از دروازه محرم بیگ داخل رمله شد، بدون آنکه هیچ وضع نظامی اختیار نماید. ما آن وقت به جهت او حکم فرستادیم که بر قشون قلاع بیفزاید. او در جواب گفت هرگز این کار را نخواهد کرد و اندک زمانی بعد او به کافردوار عازم شده و به قشونی که در اسکندریه بود حکم نمود که او را تعاقب نماید و این قشون بنا به حکم او عازم شده و شهر اسکندریه را به کلی از قشون خالی گذاردند.

روز بعد قشون انگلیس به ساحل آمده و داخل اسکندریه شدند، بدون آنکه به هیچ وجه تیری به طرف آنها خالی شود و به این وضع اسکندریه را که یکی از عمده‌ترین بلاد مصر است به حیطة تصرف درآوردند. این واقعه اسباب خجالت و شرمساری قشون مصر است، ولی آنها به هیچ وجه مورد مذمت نیستند. جمیع مذمت به گردن عارابی پاشا می‌باشد و خجالت این شکست قشون و عقب رفتن آن حالا تا صد سال دیگر برطرف نخواهد شد. پس از آن با سردار کشتی‌های انگلیس مذاکرات شده و به او اطلاع دادند که شهر اسکندریه دچار یانقین و نهب و غارت گردیده است و سردار قشون انگلیس اظهار داشت آنچه لازمه اهتمام است به عمل خواهد آورد که این وضع احوال را برطرف نماید و هرگاه دولت مصر قشونی داشته باشد که بشود بر آن اعتماد نمود، او حاضر است بر اینکه آنها را به محافظت و حراست شهر وادارد و به علاوه هرگاه قشون عثمانی به ساحل آمد او به آنها احترام کرده و شهر را به آنها تسلیم خواهد کرد؛ زیرا که شلیکی که از طرف کشتی‌های انگلیس شده است، محض این بوده که دفع اغتشاش و حالت تهدید اهل اسکندریه را رفع نماید. با این تفصیل دولت مصر قشونی نداشت، زیرا که عارابی پاشا با قشون خود به کافردوار رفته و شهر را به حیطة تصرف قشون انگلیس واگذار نموده بود و قشون انگلیس یانقین شهر را خاموش کرده و اسباب امنیّت ساکنین را فراهم آوردند. واضح است که موافق مذاکراتی که با دولت خارجه شده و بر حسب مذاکرات مجلس کُنفرائس که الحال در اسلامبول منعقد است، هیچ دولتی اجازه نداشته است که مملکت مصر را تصرف نماید و به حقوق سلطنتی سلطان وهنی وارد نیامده و همچنین پاس فرامینی که به خدیو مصر داده شده است، باید ملاحظه شود و جهت فرستادن کشتی‌های انگلیس و فرانسه به اسکندریه به واسطه اغتشاشی بود که در مصر روی داده بود و اشخاصی که شرارت و فساد را پیشنهاد خاطر خود کرده بودند، به سرکردگی عارابی پاشا خواسته بودند سلب اقتدار از خدیو مصر بنمایند. بدیهی است که هیچ دولتی نمی‌تواند پایدار باشد. در صورتی که اهالی خواسته باشند با خیال دولت منافقت نمایند، جمیع دولت در مصر صرفه کُلی دارند، ولی صرفه دولتین فرانسه و انگلیس بر صرفه دیگران تفوق دارد. بنابراین دولتین آمده و خدیو سابق را معزول کرده و عمل مالیات را به موجب قانون برقرار نمودند.

مداخلهٔ حالیه که قشون انگلیس نموده است فقط محض این بوده که رفع اغتشاش را در مصر نموده و حکومت با امنیتی که در مصر بود، مجدداً برقرار نماید. بنابراین هر کس که عرابی پاشا را همراهی نماید که با دولتی که قشون آن خیلی بیشتر است جنگ کند، اسباب این خواهد شد که مملکت خود را دچار صدمات و اغتشاشات کلی نماید.

اگر ما به همه جهت یقین داشتیم که قصد دولتین انگلیس و فرانسه این نیست که مصر را تصاحب نمایند و مقصود آنها این بود که نظم و امنیت را برقرار کنند، ما اول کسی بودیم که با آنها همراهی نموده و آنچه لازمهٔ اهتمام است به عمل می‌آوریم که آنها بتوانند در خیالات خود اقدام نمایند. خبر اینکه شهرت یافته بود که قشون انگلیس بعضی از اهالی را بدون هیچ گونه جهت به قتل رسانیده‌اند، به کلی خالی از صحت است و این کاری است که هیچ ملتی تمدن یافته باشد هرگز مرتکب نخواهد شد. حقیقه مطلب آن است که آنهایی که خانه‌ها را آتش زده و آنها را نهب و غارت می‌نمایند، هرگاه دستگیر شوند، در حالتی که مشغول کار باشند، البته مورد تنبیه و سیاست سخت خواهند شد، تا آنکه ساکنین از شرارت آنها آسایش داشته و محفوظ باشند؛ و هر یک از اهالی خواه نظامی یا غیر نظامی باشد باید بداند که از داخل شدن در اسکندریه به هیچ وجه تشویشی نخواهد داشت و مال و جان آنها در امنیت خواهد بود. ولی هرگاه اهالی با اسلحه داخل شوند، اسلحه آنها ضبط خواهد شد بدون آنکه سلب آزادی از آنها بشود. هر یک از اهل مصر که مملکت خود را دوست دارد، تکلیفش این است که به احکام ما و به وزرای ما اعتماد نماید و ما تکلیف جمیع اهالی مصر را بر این می‌دانیم که رفع اشتباه را از خود نموده و به اسکندریه مراجعت کنند؛ زیرا که سربازان اطمینان دارند از اینکه آنها معفو خواهند بود. جمیع اشخاص و جمیع صاحب‌منصبان همگی معفو هستند، مگر بعضی اشخاصی که اسامی آنها معین می‌باشد. هر یک از اشخاص باید به صرافت نتایجی باشد که در صدد مقاومت هستند، چرا که باید بدانند که آنها اسباب خرابی مملکت و قتل‌های بی‌قاعده شده سبب خواهند گردید که مملکت آنها مغلوب گردد. ولی اطاعت اسباب رفع جمیع این تفصیل خواهد گردید. خداوند ان‌شالله رفع بلا و صدماتی که ما دچار آنها هستیم بنماید؛ خدیو مصر.

همین که سواد این اعلان را به سرهنگان قشون مصر خطاب نموده است، نوشتهٔ متحد آلمانی ضمیمه آن نموده است که در آن چنین اظهار داشته است که عرابی پاشا به هیچ وجه بر قشون مصر اقتداری نداشته و نمی‌تواند حکمی بدهد. نوشتهٔ مزبوره موافق تفصیل ذیل است:

خدیو مصر می‌گوید اگر کسی مقاصد عرابی پاشا را پیروی نماید، در حقیقت در تقصیرات او شراکت کرده است و برخلاف هر کس به احکام او مطابقت بنماید، مورد مرحمت و اجر کامل خواهد گردید؛ چون که در این صورت به مملکت خود خدمت کرده و در صدد نجات آن برآمده است. شخص عاقل آن است که نتیجهٔ آن کارها را ملتفت شود و هر شخص عاقل می‌داند که دولت مصر نمی‌تواند با دولتی جنگ نماید که اقتدار آن مضاعف اقتدار دولت مصر باشد. تفصیل ذیل کاغذی است که عرابی پاشا به مسیو گلادتین نوشته و پس از شلیک اسکندریه به مسیو گلادتین رسیده است.

از اسکندریه به تاریخ دوم ماه ژوئیه سال ۱۸۸۲ نوشته شده است: آقای وزیر! پیغمبر ما در قرآن به

ما فرموده است که نه در صدد جنگ برآییم و نه اسباب تحریک آن بشویم و نیز به ما فرموده است که در صورتی که با ما جنگ نمایند مقاومت کرده و آنهایی را که به ما یورش می‌آورند کفار پنداشته و در صدد قلع و قمع آنها برآییم. بنابراین دولت انگلیس می‌تواند مطمئن باشد که به محضی که توپ اول خالی شود، این فقره اسباب این خواهد شد که دولت مصر خود را از قید جميع معاهدات و قرارنامه‌ها خارج ساخته و عمل مباشرت مالیات انگلیس و فرانسه در مصر موقوف شده و ما را بر این مصمم خواهد نمود که اموال اهالی اروپا را ضبط نموده و به مسلمان‌ها اعلان جنگ جهاد کرده و در شامات و عربستان و هندوستان مسلمانان به مقام مجادله بر خواهند آمد. اهالی اسلام مصر را مفتاح مکه و مدینه می‌پندارند و محکمی به موجب قوانین مذهبی مقید بر این هستند که این امکنه مقدسه را محفوظ داشته و همچنین راه‌هایی که به آنها می‌روند محروس و مدافعه نمایند. در مساجد دمشق در این باب موعظه‌ها شده و با رؤسای مذهب در تمام خاک اسلام قرار داده شده است. مجدداً با کمال تأکید تکرار می‌نمایم اول تیری که از طرف دولت انگلیس یا از طرف متحدین آن به طرف مصر انداخته شود اسباب این خواهد شد که در تمام آسیا و آفریقا خونریزش کلی شده و مسئولیت این فقره به عهده دولت انگلیس خواهد بود. دولت انگلیس فریفته کارپردازان خود گردیده و اسباب خرابی اعتبار مملکت خود در مصر گردیده‌اند. به علاوه بسی ملاحظات دیگر که راجع به انسانیت است، باید دولت انگلیس را از این راه منصرف سازد. دولت مصر همیشه حاضر است بر اینکه با دولت انگلیس اتفاق نموده و اسباب مصاحبه فراهم آورد و به هر جهت هرگاه دولت انگلیس ترجیح دهد از اینکه فریفته اقوال کارگزاران خود شود و مایل باشد بر اینکه ما را به واسطه کشتی‌های خود تهدید نماید، باید بداند که ملت مصر وطن پرست بوده و نخواهد گذارد که دولت انگلیس بر آن تفوق بیابد. کارگزاران دولت انگلیس دولت متبوعه خود را مستحضر نداشته‌اند از اینکه از زمان ظلم اسمعیل پاشا چگونه تغییرات در مصر به ظهور رسیده است، در این ایام ملل در جاده ترقی قدم سریع می‌گذارند. دولت انگلیس می‌تواند مطمئن باشد که ما مصمم بر این هستیم که به جهت مملکت خودمان مانند شهید بمیریم و تا نفر آخر جنگ خواهیم کرد و این فقره محض مدافعه و حراست مملکت خود و موافق احکام پیغمبر ماست. در هر صورت وعده سعادت به ما داده شده است و وقتی که ملتی به این اعتماد کامل باشد حدی به جهت جرأت آن نخواهد بود.

به علاوه جنگ‌هایی که ما بین پیش‌قراولان عارابی پاشا و قشون انگلیس اتفاق افتاده است، از اسکندریه خبری چندان حاصل نیست. در کافردوار عارابی پاشا دست‌رس به گلوله توپ‌های انگلیس نداشته و موقعی دارد که نمی‌توان صدمه و آسیبی به او وارد آورد. به جهت قشون انگلیس اشکال دارد که از سمت جلو به او یورش ببرد و قشون انگلیس باید به مواقع او از سمت ابوکیه یورش ببرد، عجلتاً استعداد و قشون انگلیس آن قدر نیست که بتواند به طرف عارابی پاشا حمله نماید و حال آنکه قشون عارابی پاشا به قدری است که می‌تواند به طرف اسکندریه یورش برده و خود را دچار آتش شلیک کشتی‌های انگلیس بنماید. وضع احوال حالیه به طریقی است که مذکور گردید. از طرف دیگر اعلانی را که خدیو به جهت عزل عرابی پاشا نموده است، به طبع رسانیده‌ایم. عارابی پاشا به طور بی‌اعتنایی جواب داده و به جهت

خود وزرای مخصوص معین نموده است. محمود سامی را رئیس شورا و متوسل حقّه را که محرّک عمده قتل‌های یازدهم ماه ژوئن می‌باشد، به وزارت جنگ برقرار نموده است. از طرف دیگر تلگراف به ما اطلاع داده است که یک فروند کشتی موسوم به خدیوش که از اسلامبول آمده است، دستگیر گردیده است؛ زیرا که چنین گمان برده‌اند که مأمورین عرابی پاشا در میان آن بوده‌اند. گماشته روزنامه دلی تلگراف این خبر را تصدیق نموده است. در میان کشتی مزبور عدد کثیری نوشته‌جات به دست آمده که به موجب آنها معلوم گردیده است که عرابی پاشا مدت‌ها بوده است که با اعلیٰ حضرت سلطان به طور مخفی ارسال و مرسول داشته است. راغب بیگ نایب دوم کشتی مزبور دستگیر شده و از او استفسارات زیاد به عمل آمده است و چون وعده عفو به او شده است، لهذا او اسامی جمیع اشخاصی را که عرابی پاشا با آنها اتفاق داشته است، داده است. در اسکندریه شورای عسکریه که به جهت سیاست غارت‌کنندگان و محرّکین یانقین مقرر شده بود، روز شنبه مجلس اول خود را منعقد داشته است.

از اسکندریه، به تاریخ پنج‌شنبه سیم ماه اوت نوشته‌اند، دیروز قشون انگلیس قلعه مکس را تصرف نمود. کمپانی عراده‌های مهمات توپخانه که امروز صبح با یک دسته سرباز بحری به میلانا مأمور شده بود، به قدر دویست متر آهن‌های راه آهن را دیده بود که قشون عرابی پاشا آنها را کنده بودند. یک دسته از سواران دشمن و به قدر دویست نفر پیاده نظام مشاهده نموده بودند. ولی جنگی اتفاق نیفتاده بود. شهرت دارد که در اردوی عرابی پاشا نفاق به میان آمده است. امروز در سمت کافردوار اطلاعات عمده حاصل نموده‌اند دو ستون از قشون پیاده نظام به طرف پیش قراولان اردوی عرابی پاشا پیش رفته بودند. پیش‌قراولان از جای خود حرکت کرده و مواقع خود را از دست داده بودند. دشمن خود را نشان نداد. پس از شلیک جزئی با تفنگ به رمله داخل شدند، بدون آنکه یک نفر از آنها تلف شده باشند.

از اسکندریه، به تاریخ جمعه چهارم ماه اوت تلگراف شده است که امشب در این جا شهرت دارد که محله اهالی اروپا در قاهره آتش گرفته است؛ ولی در این باب اعتقاد حاصل نیست. جنرال الین امروز خطوط قلعه مکس را بازدید نموده است. او وضع کار را طوری قرار داده است که یک دسته سرباز بحری قلعه مزبور را کاملاً تصرف نماید. بعضی از دسته‌های سواره نظام عرابی پاشا پیش‌قراولان انگلیس را به حالت حاضریاش نگاه داشته‌اند؛ ولی علامتی نیست از اینکه حرکتی بیشتر از این روی دهد. امروز مسیو کلون تمام صرافخانه‌ها را رسیدگی نموده است.

از اسکندریه، به تاریخ شنبه پنجم ماه اوت تلگراف نموده‌اند که از قراری که از اسکندریه به تاریخ پنجم به کارگزاری اوتر خبر داده‌اند، معلوم می‌شود که انگلیسی‌ها پنج ساعت از ظهر گذشته به پیش‌قراولان عرابی پاشا یورش برده‌اند و این یورش نزدیکی رمله‌ها بین بوغاز محمودیه و راه آهن قاهره با چندین عراده توپ اتفاق افتاده است. از سه سمت به طرف دشمن تیر خالی شده است. از قراری که معلوم می‌شود جنگ عمده بوده و هنوز در میان است. عرابی پاشا وقت صبح چهارده نفر به اردوی انگلیس فرستاده، یک نفر از صاحب‌منصبان انگلیس از مأمورین مزبور پذیرایی کرده، ولی ملاقات آنها بی‌نتیجه مانده است. اخباری که این اواخر از اسکندریه رسیده است، از حیث عمل نظام خوب است.

قشون انگلیس روز پنج شنبه به طرف رمله پیش رفته و اطلاعات کامل حاصل نموده‌اند و معلوم شده است که پیش‌قراولان عارابی پاشا چندان تهیّه ندارند. قشون انگلیس در سواحل بوغاز محمودیه به سهولت استحکامات قرار داده و چندان اسباب تشویش به جهت آنها فراهم نیامده است. اطلاعاتی که از وضع احوال حاصل شده است نتایج عمده حاصل نموده است. همین مقدار وضع کلیّه اطلاع حاصل شده است. یقین است که بعد از این عارابی پاشا در صدد بر نخواهد آمد که به طرف اسکندریّه یورش ببرد و برخلاف حالت مدافعه اختیار خواهد نمود. با آنکه قشون جدید انگلیس که رسید تکلیف او معلوم گردیده و تحمیل در صدد این برآید که عقب نشسته و در داخله مملکت مصر اسباب جنگ و اغتشاش را فراهم آورد. شهرت دارد که یورش‌هایی که این اواخر عارابی پاشا برده است، نتیجه حاصل نکرده، جز آنکه باید از امروز عقب بنشینند و یک قسمتی از قشون او الحال به طرف قاهره به کُلی پس نشسته است. از طرف دیگر اطمینان داده‌اند که عارابی پاشا به طرف قاهره پس نخواهد نشست، بلکه به طرف شمال فیوم رفته و از آل‌هوش و آل‌ودی خواهد گذشت و این سفری است که یازده الی دوازده روز مسافت دارد که بیشتر آن باید از وسط بیابان پیاده طی شود.

به هر جهت یقین است که یک نفر صاحب‌منصب اروپایی در قاهره روز جمعه به اسکندریّه وارد شده و او می‌گوید که دودلی‌دوشر که از صاحب‌منصبان بزرگ بحری انگلیس است و اتفاقاً نزدیکی کافر دوآر به دست انگلیسی‌ها افتاده است، شب جمعه با کالسکه به قاهره وارد شده است. چندین هزار نفر عرب که در دست خود مشعل و فانوس گرفته بودند، به همراهی او بوده و فریاد فتح می‌نمودند. به ایشان چنین فهمانیده بودند که دودلی‌دوشر که کسی دیگر به جز امیرال سیمور که سردار قشون انگلیس است، نبوده و به واسطه شکست کُلی که به انگلیسی‌ها وارد آمده است، اسیر و دستگیر گردیده است. دیروز که جمعه بود در بندر پرت الموت که واقع در انگلیس است، تفصیل مفیدی روی داد. اعلی حضرت ملکه انگلیس به آنجا آمده و با رژیمان اول پیاده نظام وست کنت که می‌بایستی وقت عصر به طرف مصر حرکت نماید، وداع نموده است. اعلی حضرت ملکه به اتفاق پرنسس به عاتریس و دوشس دوکانوت و عدد کثیری همراهان دیگر وقت ظهر به بندر پرت الموت وارد شده و فوراً به میان کشتی کاتالونیا که رژیمان مزبور می‌بایستی در میان آن حرکت نمایند، داخل شده است. اعلی حضرت ملکه در باب حمل و نقل قشون اطلاعات لازمه را تحصیل فرمود. اعلی حضرت پس از آنکه با صاحب منصبان کُل وداع نمود، روی کشتی موسوم به ابرتا رفته و در آنجا حرکت کشتی کاتالونیا را تماشا فرمود. عدد کلیّه قشون انگلیس که به طرف مصر حرکت و در صدد حرکت هستند تا به حال به پانزده هزار و دویست و سی و نه نفر صاحب منصب و سرباز رسیده است. ملاحان و قشون پیاده نظام بحری به علاوه آنها هستند. پنج هزار و هفتصد و چهل و یک رأس اسب به طرف مصر فرستاده شده‌اند و به علاوه عدد کثیری دیگر از خارجه به مصر فرستاده خواهد شد. به علاوه این استعداد به قدر ده هزار نفر قشون از هندوستان به مصر فرستاده خواهد شد.

از اسکندریه، به تاریخ یکشنبه ششم ماه تلگراف کرده‌اند که جنرال الیس عدد مقتولین دشمن را موافق آنچه دیده‌اند، به دویست الی سیصد نفر تخمین نموده‌اند. چهارده نفر از دشمن اسیر شده است.

موافق راپورت اُسرا و بر حسب ملاحظات صاحب منصبان انگلیس قشون عارابی پاشا که در جنگ شراکت نموده‌اند یک باطالیان از رژیمان ثانی پیاده نظام است که استعداد آن هزار و دویست نفر بوده و یک باطالیان مصطفی‌زنی به قدر نهصد نفر بوده است. اسرا می‌گویند که در اردوی عارابی پاشا نفاق کلی افتاده است. از قراری که می‌گویند قشون آنها در کافردوار مُشتمل بر چهار رژیمان پیاده نظام و یک رژیمان سواره نظام به علاوه چهار الی پنج هزار نفر از اعراب بدوی است که روی هم رفته شانزده هزار نفر می‌شود.

از اسکندریه، سه شنبه هشتم ماه اوت تلگراف کرده‌اند که پیش‌قراولان عارابی پاشا چون ظاهراً خواسته‌اند که به طرف جزیرهٔ رمله پیش رفته‌اند، کشتی زره‌پوش انگلیس موسوم به سوپرب به طرف آنها شلیک نموده است. موافق خبری که از مجلس کمیته‌ای که به جهت مواظبت آب‌ها رسیده است، معلوم می‌شود که به واسطهٔ آنکه آب بوغاز محمودیه خیلی نقصان یافته است. آبی که به جهت ساکنین مقرر است، از روز دوشنبه آتیه به جز روزی چهار ساعت به جهت ساکنین به کار نخواهد خورد. به واسطهٔ این فقره روزی هر یک از ساکنین مقدار بیست لیتر آب خواهد داشت. یک دسته از قشون سواره نظام وقت عصر از عصبیت خورشید به طرف رمله حرکت نمود. ولی انگلیسی‌ها به طرف آنها شلیک کرده و دشمن مجبوراً عقب رفته‌اند. حالت مجروحین بهتر است. پیغامی که از اعلیٰ حضرت ملکه رسیده است امروز به جهت قشون قرائت خواهد شد. اعلیٰ حضرت از وضع رفتار آنها تمجید فرموده است. تشویشی که در باب آب است روز به روز بیشتر می‌شود و به جهت آنکه عدد ساکنین هر روز بیشتر می‌شود و مخصوصاً از اهالی ایتالیا و یونان با کشتی بخار وارد می‌شوند. خدیو مصر اعلان جدیدی به ملت مصر نموده است که به موجب آن عارابی پاشا را یاغی خوانده است و خدیو مصر مانند اعلان سابق خود جمیع تخطی‌هایی که عارابی پاشا به احکام دولت مصر اعلیٰ حضرت نموده است، یادداشت کرده و او را مسئول جمیع صدمات اخیر مملکت مصر ساخته و او را از اعمال شنیعه خود مذمت نموده است. به واسطهٔ آنکه کارهای او اسباب این شده که دُول اروپا ملت مصر را ملل وحشی می‌دارند. خدیو مصر می‌گوید به واسطهٔ این فقرات، عارابی پاشا یاغی مصر بوده و مستوجب تنبیه و سیاست سخت می‌باشد و این سیاست باید موافق قوانین غیر نظامی و مذهبی به عمل آید. محض ترحم به مملکت و اهالی مصر و به تشویش آنکه اهالی مصر مبدا دچار صدمه بشوند مجدداً به ملت مصر اعلان می‌نماییم که هر یک از اهالی که پیروی خیالات این شخص یاغی را بنمایند و او را در یاغی‌گری خود کمک نماید، نزد خداوند مسئول خواهد بود. او در انتظار ما معفو نخواهد بود. چون که ما او را مانند خود عارابی پاشا یاغی خواهیم پنداشت. او و جمیع نسل او از هر گونه منصب و شغل و مواجب یا مستمری و از هر گونه امتیاز محروم خواهد ماند. نظر به این فقرات باید ملت مصر بداند که ما صاحب اقتدار هستیم و او نباید از اطاعت ما خارج گردد. ایضاً موافق خبر دیگر معلوم می‌شود که قشون انگلیس قبل از ورود سیرگارت ولزلی و قشونی که باید همراه او وارد شود، با قشون عارابی پاشا به جنگ اشتغال نخواهد ورزید. آنچه معلوم شده است سیرگارت ولزلی به تاریخ سیم ماه اوت از انگلیس حرکت نموده است و تنها در دو یا سه روز دیگر به اسکندریه وارد خواهد شد. عجالتاً

عارابی پاشا مواقع خود را با کمال مواظبت محکم می‌نماید. در محلی که جنگ آخر روی داد سنگرها قرار می‌دهد و از مواقع انگلیس در رمله بعضی زمین‌ها به مسافت سه الی چهار متر دیده می‌شود که چادرهای قشون عارابی پاشا در آنجا افراشته می‌شود. مستحفظین مملکت اکس که دو روز است از انگلیس وارد شده‌اند، روز شنبه به اسکندریه وارد شده‌اند.

از اسکندریه، به تاریخ چهارم ماه اوت نوشته‌اند که یازده فروند کشتی انگلیسی در سواحل اسکندریه در آنجایی که شلیک می‌شد، توقف نموده‌اند. از ظرف آنها حرکتی نمی‌شود. میدانی که در آنجا قنسون‌خانه‌ها واقع شده‌اند که بهترین میدان‌های اسکندریه است، چیزی باقی نمانده، جز آنکه تل مخروب‌ات و خاکستر باقی مانده است. در حقیقت میدانی نیست، بلکه باید آن را تشبیه به قبرستان نمود. قشون انگلیس قراول‌خانه‌ها و قلاع و دروازه‌های شهر اسکندریه را در تصرف دارند. اهالی اروپا متدرجاً داخل شهر می‌شوند و نرخ اجناس به حدی گران است که باید به وزن اجناس طلا داد. در سمت سوئز به نظر یقین می‌آید که جنگ سختی مابین انگلیسی‌ها و اعراب روی دهد. اعراب که در تل الکبیر جمع شده‌اند، در حقیقه اسباب تهدید بوغاز هستند. آنچه به نظر می‌آید عدد آنها شش هزار نفر است و با خودشان هفت عزاده توپ گروپ دارند. روز شنبه یک فروند کشتی مصری که از جدّه آمده است، به سوئز وارد شده، کشتی‌های انگلیس فوراً آن را دستگیر نموده‌اند. کاپتن فوت اهالی کشتی‌ها را که مطلقاً از اهالی اروپا هستند، مرخص کرده و جمیع نوشتجاتی را که در میان کشتی بود به دست آورده‌اند و در میان آنها نوشتجات کثیری بود که به عارابی پاشا نوشته شده. رؤسای قشون انگلیس الحال با آمبلر که شیخ اعراب بدوی و رئیس طایفه حایوات می‌باشد گفتگو می‌نماید که به جهت حمل و نقل عدد کثیری شتر ایتایع و کرایه نمایند. شیخ اعراب بدوی به آنها وعده داده است که هر قدر شتر لازم داشته باشند به آنها بدهد. دو نفر از صاحب‌منصبان مهندس به اتفاق یک نفر مترجم به طرف صحرا رفته‌اند که با او قراری بدهند. مخابره از اسکندریه به ما رسیده دایر بر این است که مستحفظین مملکت اکس که به مصر وارد شده‌اند، بر قنسونل جنرال الیس خیلی افزوده‌اند. قشون مزبور در میان کوچه‌های اسکندریه با نظم تمام وارد شده‌اند، دوک دوکانوت پسر اعلی‌حضرت ملکه به ریاست آنها برقرار بوده است. عدد کثیری اعراب در معبر آنها آمده و از مشاهده آنها که از حیث بلندی قامت به قدری که یک سر و گردن از اهالی مصر بلند بودند، تعجب کلی نمودند. بعضی از اعراب از مشاهده قشون انگلیس فرار کرده و به آنها مشیت خود را نشان می‌دادند و برخی دیگر دست‌های خود را به طرف آسمان بلند کرده و فریاد می‌کردند که کار از مسلمانان تمام شده است و بعضی به صوت بلند می‌گفتند که عارابی پاشا باید دیوانه باشد از اینکه با چنین دشمنی مقاومت نماید. از جمع اطلاعاتی که از اسکندریه رسیده است معلوم می‌شود که قشون انگلیس رفته رفته به آب و هوای مملکت مصر عادی شده‌اند. وضع احوال آنها از حیث حفظ‌الصحه بسیار خوب است. از چیزی که شکایت دارند از تأخیری است که در اعمال آنها حاصل می‌گردد و آنها خیلی بی‌طاقت هستند از اینکه به طرف مواقع عارابی پاشا یورش ببرند.

از اسکندریه، به تاریخ پنج شنبه هفدهم ماه اوت نوشته‌اند که تومان اول قشون انگلیس فردا با یک

رژیمان از تومان ثانی در کشتی نشسته حرکت خواهد کرد. پس از شلیک ابوکیه که جمیع کشتی‌های جنگی به جز دو فروند از اسکندریه به طرف آن حرکت خواهند کرد، تومان اول بر ماست جنرال ولزلی از کشتی به ساحل خواهد رفت. تومان ثانی در سمت رمله با تومان اول همراهی خواهد کرد. از لندن، به تاریخ پنج‌شنبه هفدهم ماه اوت تلگراف کرده‌اند که موافق خبری که از کارگزاری رویتر رسیده است معلوم می‌شود که انگلیسی‌ها نه رمله بلکه ابوگیر را محل عمل و حرکت خود قرار خواهند داد. قشون روز شنبه در اسکندریه به کشتی خواهند نشست و روز یکشنبه در کشتی نشسته و به قلاع ابوکیه یورش خواهند برد.

از اسکندریه به تاریخ پنج‌شنبه هفدهم ماه اوت تلگراف کرده‌اند ما بین کلنل رژیمان هفتاد و پنجم و یک نفر از صاحب منصبان خدیو مصر از یک طرف و شیخ اعراب بدوی مکس از طرف دیگر در باب تسلیم شدن دو هزار نفر از اعراب بدوی گفتگو و مذاکره می‌شود. در اردوی وی کل انگلیس منتظر شیخ مذکور هستند که در باب شرایط تسلیم شدن گفتگو بنمایند.

از لندن، به تاریخ جمعه هجدهم ماه اوت تلگراف کرده‌اند: روزنامه‌جات مخابره از بندر سعید به تاریخ هجدهم به طبع رسانیده، دایر بر این است که موافق شهرتی که دارد چهار هزار نفر از قشون عارابی پاشا با پانزده عراده توپ در اسمعیلیه هستند و عدد کثیری از اعراب بدوی در حول و حوش‌اند و سی هزار نفر در قشون تل الکبیر جمع شده‌اند. آنچه به تحقیق معلوم شده است جنگ مخصوص در مصر روز یکشنبه شروع خواهد شد. موافق مخابراتی که به ما رسیده است قشون انگلیس که الحال در اسکندریه است، به دو اردو تقسیم شده‌اند: اردوی اول که تخمیناً مرکب از سه هزار نفر است، همچنین در کشتی نشسته، به طرف بندر ابوکیه عازم شده‌اند. کشتی‌های زره‌پوش که آنها را حمل می‌نمایند، اول شروع خواهند نمود که به قلاع ابوکیه شلیک نمایند و وقتی که قلاع مزبوره دیگر نتوانند شلیک نمایند و سکوت اختیار کنند و قشون بنا به حکم سرگارت ولزلی به ساحل آمده و به دشمن از روی خاک یورش خواهد برد، قسمت دیگر که از حیث عدد مساوی به قسمت اول است در رمله یعنی تخمیناً به مسافت شش کیلومتر از ابوکیه خواهد بود. این قسمت که در تحت ریاست جنرال حاملی و سر آرشلی بالا الیس خواهد بود. به عارابی پاشا خواه از بوغاز محمودیه و راه آهن قاهره و یا از طرف سنگرها یورش خواهد برد و این سنگرها که در جلو کافردوار هستند به توسط عارابی پاشا برقرار شده و خیلی محکم می‌باشند. قشون انگلیس دچار خطر نیست، از اینکه به واسطه قلت بخورد؛ زیرا که همواره کشتی‌های جدید با قشون وارد می‌شود و قشون جدیدی که وارد می‌شود به سمت ساخلو در اسکندریه خواهند بود و در صورت ضرورت مزید استعداد و جنرال حاملی خواهند گردید. هنوز معلوم نیست که عارابی پاشا چگونه اقدامات به جهت یورش نموده است؟ اخباری که در این باب رسیده است به کلی مخالف هستند. موافق گماشته روزنامه دیلی نیز معلوم می‌شود که از خبر ورود قشون جدید انگلیس قشون عارابی پاشا وحشت نموده و مستعد هستند که به محض شکست اول همگی فرار اختیار نمایند.

گماشته روزنامه دیلی تلگراف نموده اظهار داشته است که در اردوی عارابی پاشا قشون مصمم است که

تا نفر آخر جنگ نماید و بنابراین تکلیف سرگارت ولزلی خیلی سخت خواهد بود. بالاخره موافق شهرتی که گماشته روزنامه استاندارد خبر داده است عارابی پاشا در صورتی که شکستی به او وارد آید، مترصد اقدامات است که در نظر دارد قصد او این است که در چمن کوفسرا در جنوب شرقی طرابلس یعنی در اردوی کل شیخ محمد سنوسی برود و این شیخ متصبترین مشایخ مسلمانهاست و مدعی بر این است که همان مسیحی که در قرآن خداوند فرموده است می‌باشد. عارابی پاشا به اتفاق محمد سنوسی مجدداً به جنگی که در شمال آفریقا شروع شده است، خواهد پرداخت.

از لندن به تاریخ یکشنبه بیستم ماه اوت تلگراف شده است که جمیع کشتی‌های انگلیس دیروز از اسکندریه به طرف بوغاز سوئز حرکت کرده‌اند. اعتقاد این است که جنرال ولزلی از اسمیلیه مستقیماً به طرف قاهره خواهد رفت و به این وضع عارابی پاشا را مجبور خواهد ساخت که از سمت اسکندریه صرف نظر از مواقع خود بنماید. از قشون هندوستانی که به سوئز داخل شده است، خبری نیست. رجال نظامی از این سمت روابط تلگرافی را موقوف داشته‌اند. محض آنکه کارگزاران عارابی پاشا از وضع حرکت آنها اطلاع به هم نرسانند.

از بندر سعید به تاریخ یکشنبه بیستم ماه اوت تلگراف نموده‌اند که ملاحان انگلیس پایین آمده‌اند. آنها در صدد این هستند که نگذارند اهالی مصر اسلحه داشته باشند و اهالی مصر نیز با آنها به هیچ وجه مقاومت نمی‌نمایند. چندین کشتی جنگی در لنگرگاه است. هفت فروند کشتی در بندر داخل شده‌اند. کشتی‌های موسوم به دی‌ودن در بوغاز داخل شده‌اند و از قراری که می‌گویند به حکم سردار قشون انگلیس آمد و شد بحریه در آنجا موقوف است.

از بندر سعید به تاریخ دوشنبه بیست و یکم ماه اوت تلگراف نموده‌اند که کشتی‌های انگلیس داخل بوغاز سوئز شده‌اند. معاملات در بوغاز موقتاً موقوف شده است. محض آنکه کشتی‌های انگلیس بتوانند بدون ممانعت از آنجا عبور نمایند. کارگزاران کمپانی بوغاز سوئز مضایقه نموده‌اند، از اینکه به جهت کشتی‌های جنگی ملاح بدهند، قشون عرب قمیله را تخلیه کرده و به دامت رفته‌اند.

از بندر سعید، به تاریخ یکشنبه بیستم تلگراف شده است که قشون انگلیس بندر سعید را تصرف کرده و اهالی بدون مقاومت صرف نظر از داشتن اسلحه نموده و اسلحه خود را کنار گذاشته‌اند. همه چیز آرام و امن است. ما بین محله اهالی اروپا و اعراب الحال سنگر قرار شده است. کماندان‌های قشون مصر اسیر و دستگیر شده‌اند. پنج کشتی جنگی انگلیس در این جاست. امیرال سیمور و جنرال ولزلی این جا هستند. خط تلگرافی ما بین بندر سعید و بوغاز سوئز در دست دولت مصر است و دفترخانه‌های کمپانی بوغاز سوئز را قشون انگلیس به طور نظامی تصرف نموده است. راه بوغاز به جهت کشتی‌های تجارتی مسدود است لنگرگاه‌ها را قشون انگلیس در تصرف دارد. مُحتمل است که امروز به طرف قمیله شلیک بشود. چنانچه به اطلاع رسانیده بودیم جنرال سیرگارت ولزلی از شلیک به طرف ابوگیر قصدش این بود هر گونه حرکت را مخفی بدارد.

روز شنبه یک ساعت از نیمه شب گذشته قشونی را که جنرال مزبور معین نموده بود به راه افتادند.

سرگارت ولزلی به ریاست کُل آن برقرار بود، از کشتی‌های زره‌پوش به جز کشتی‌های ان ون سیبل و ان کنتانکه در بندر اسکندریه مانده بودند، ما بقی با بعضی کشتی‌های غیر زره‌پوش به شلیک اشتغال داشتند. به جنرال حاملی که با قشون خود در رمله مانده بود، حکم رسید که از سمت کافردوار به طرف قشون عارابی پاشا یورش ببرد و زمان یورش او وقتی باشد که او صدای شلیک به طرف ابوکیه را بشنود و به او بعضی تعلیمات دیگر در کاغذ ممهور رسیده بود و چنین اجازه داشت که کاغذ ممهور را باز بکند مگر صبح روز بعد که روز یک‌شنبه بود. سر گارت ولزلی و قشون او چنانچه مذکور گردید، چون روز شنبه از اسکندریه حرکت کردند، وقت عصر به خلیج ابوکیه وارد شدند، بعضی کشتی‌های جنگی روس و اطریش و ایتالیا به فاصله‌ای چند آنها را تعاقب نموده بودند، به امید آنکه در بعضی اعمال مفیده حضور به هم رسانند. قشون عارابی پاشا که در قلاع جمع شده بودند، ظاهراً خود را مُستعدّ یورش می‌نمودند. قشون مزبور صُبح روز یکشنبه مُتعجّب شدند از اینکه از بیست و شش فروند کشتی که روز قبل در خلیج وارد شده بودند، به همه جهت سه فروند مانده بود. ما بقی ناپدید شده بودند. در همان وقت در رمله جنرال حاملی مَهر کاغذی را که سر گارت ولزلی به او داده بود گشود و اطلاع حاصل نمود از اینکه رئیس کُل خیالات حقیقی خود را از او مخفی نموده بوده، چون قشونی که آشکارا به جهت ابوکیه مقرر بودند، در حقیقت به طرف بندر سعید و اسمعیلیه عازم شده بودند. شب یک شنبه تاریکی کُلّی شب را غنیمت شمرده، و به طرف بندر سعید دفیله نموده و این مسافت را که پیش از دویست کیلومتر بود در چند ساعت طی نموده بودند، به طوری که جمیع کشتی‌ها به جز آن پنج کشتی که چنانچه مذکور گردید، در اسکندریه و ابوکیه مانده بودند، قبل از طلوع آفتاب به بندر سعید رسیده بودند. الحال چندین هفته می‌شود که بوغاز سوئر را یک‌دسته کشی به ریاست امیرال حس کنینر تصرف نموده بودند و در میان آن‌ها عدد کثیری ملاح و از سربازان پیاده‌نظام بحری بود.

امیرال حس کنینر که از روز ورود سر گارت ولزلی و استعداد کبیر انگلیس مخفیّتاً اطلاع حاصل نموده بود، می‌بایستی به محض آمدن قشون ملاحان و قشون کشتی‌های خود را به ساحل بیاورد و او نیز به همین کار اقدام نمود. صبح روز یک‌شنبه پنج ساعت به ظهر مانده کشتی‌ها و قشون سیرگارت ولزلی چون نمایان شدند، سردار کشتی‌ها کاپتن فرفاکس را با پانصد و سه عَراده توپ به بندر سعید وارد نمود و به کاپتن فیطس‌روی حُکم نمود که با چهار یا پانصد نفر به اسمعیلیه برود و کماندان ادواردز به قنطره به قشون خود به ساحل آید. از مخابرات تلگرافی خلاصه جنگ این سه دسته قشون بر ما معلوم و آشکار گردیده است، قشون ساخلوی عرب در بندر سعید تخمیناً مشتمل بر دویست نفر بود. آنها به طور دلخواه تسلیم شدند و به حالت امنیّت اسلحه خود را کنار گذاشته و وقت عصر به انگلیسی‌ها در محافظت شهر کمک نمودند. محمد عبدالعطاء که به توسط عارابی پاشا به حکومت برقرار گردیده بود، به محض اینکه قشون انگلیس از کشتی پایین آمد، فرار نمود. حاکم سابق اسمعیل پاشا حامدی که مدّت پنج هفته روی کشتی پناه اختیار نموده بود، با کاپتن فرفاکس از کشتی پایین آمده و رسماً به شغل خود قرار گردید. او به قشون عرب نطق کرده و به شایان اظهار داشت که انگلیسی‌ها از طرف خدیو مصر و محض صرفه با

عارابی پاشا که باغی دولت مصر است جنگ می‌نماید. قشون حرف‌های او را خوب پذیرفتند. در قنطره وضع احوال ساده بوده، ولی در اسمعیلیه این طور نبوده است. عارابی پاشا در نفیش به مسافت دو کیلومتر از آنجا هزار و پانصد نفر جمع نموده بود که در هر آن می‌توانستند اسباب اغتشاش آمد و شد بحری بوغاز سوئز را فراهم بیاورند؛ زیرا که بوغاز آب شیرین را که از آنجا به بوغاز سوئز می‌رود در تصرف دارند، لازم بود که این قشون را از آنجا بیرون کنند کاپتن فیطس‌روی به طرف نفیش بنای شلیک را گذارد. اعراب به مقام جواب برخاسته و کماندان انگلیس موسوم به کین به شدت مجروح گردیده است. موافق اخبار آخری که رسیده است معلوم می‌شود که قشون عارابی پاشا بالاخره آن مکان را تخلیه کرده و در روز دوشنبه بوغاز سوئز به حیطة تصرف در آید و این فقره پس از جنگی بود که در آن ششصد نفر عرب که در شالوف بودند، شکست خوردند. از اعراب صد نفر مقتول و چهل و پنج نفر اسیر گردیدند، ولی تلفات انگلیسی‌ها چهار نفر مقتول و چند نفر مجروح بوده است.

قشون انگلیس در مدت ۲۴ ساعت تمام سواحل بوغاز سوئز را تصرف نمود و این نتیجه کلی است از اینکه بوغاز سوئز در امنیت بوده و از بابت یورش قنسلول عارابی پاشا محفوظ باشد. نمی‌دانیم قصد سر گارنت ولزلی فقط این بوده یا آنکه خیالش این است که نگذارد عارابی پاشا به طرف قاهره عقب بنشیند. یقین است قصد او هر دو این مطلب می‌باشد، از اسمعیلیه یا از سوئز به قاهره بعد مسافت تخمیناً ۷۵ کیلومتر است. از کافردوار که اردوی اصلی عارابی پاشا در قاهره است، مسافت ۱۲۰ کیلومتر است. ولی قشون سر گارنت ولزلی باید پیاده راه را طی کنند و حال آنکه عارابی پاشا چون راه آهن را در تصرف خود دارد، می‌تواند قبل از انگلیسی‌ها به قاهره رسیده و از قاهره عقب رفته و خود را در صحرا ایمن نماید. محض رفع این فقره است که انگلیسی‌ها هم اینکه به ساحل بوغاز سوئز وارد شدند، خطوط تلگرافی را تصرف نمودند. محض آنکه عارابی پاشا از وضع حرکات سر گارنت ولزلی و تصرف قاهره به توسط انگلیسی‌ها اطلاع حاصل نماید.

با وجود این احتیاط از اطلاعات اخیر که از اسکندریه رسیده است معلوم می‌شود که عارابی پاشا از سردار انگلیس اطلاع به هم رسانیده و او درصدد تهیه عقب‌نشستن می‌باشد. او عزاده‌های آذوقه را به طرف کافردوار پیش برده، محض آنکه بعضی قشون به آن شهر حمل و نقل نماید. از طرف دیگر دیروز در اسکندریه اطمینان داده‌اند که عارابی پاشا دشمن را در کافردوار منتظر است و در آن سمت مواقع خود را محض این محکم می‌نماید که یک قسم اسباب محاصره فراهم آورد. هرگاه خیال او به این وضع باشد در تلف شدن او یقین حاصل است؛ زیرا به زودی مابین قشون جنرال حاملی و سر الوین وود از سمت رمله و قشون جنرال ولزلی محصور خواهد شد، و قشون انگلیس بدون ممانعت و عایقه به قاهره وارد شده و معبر او را در دامن خود مسدود خواهد نمود و سواحل بوغاز سوئز را در تحت قشون هندوستان که از هند می‌آمد، محفوظ قرار خواهند داد.

اولین جنگی که روی داد به توسط سر الوین وود بود که به طرف کافردوار رفته و از اهمیت قلاع دشمن اطمینان حاصل نماید. سر الوین وود با سه کمپانی از رژیمان چهل و نهم تا به قدر هشتصد متر از

اردوی عارابی پاشا پیش رفته بود. اعراب به طرف آن‌ها چند گلوله فرستاده بودند که یکی از آنها کم مانده بود به خود سرالوین وود برسد. قشون جنرال وود که به قصد خود نایل گردیده بود، به نظم تمام پس از آنکه عدد کثیری از دشمن را به قتل رسانیدند، عقب نشستند.

در جنگ دوم که در سمت بوغاز محمودیه نزدیک باغات آن‌تونیا و وقت عصر روی داد، عارابی پاشا حالت یورش را پیش گرفت. او به طرف عزاده‌های آذوقه انگلیس شلیک نموده و عزاده‌ها مجبوراً عقب رفتند. حین جنگ انگلیسی‌ها که در تحت حکم کاپتن حندرسن بودند، سه یا چهار نفر مجروح داشتند. چنان‌چه به توسط تلگراف به ما خبر رسیده است، تصرف بندر سعید و قنطره و اسمعیلیه و سوئز در روز دوشنبه پس از تصرف شالوف به عمل آمد و شالوف مکانی است که تخمیناً به مسافت ۲۲ کیلومتر از مدخل بوغاز سوئز فوق سوئز واقع است. عارابی پاشا در این نقطه تخمیناً ششصد نفر جمع نموده بود و این قشون پس از آنکه از بوغاز آب شیرین بیرون رفتند، در عقب آستاسین راه آهن سنگر بسته و در آنجا منتظر انگلیسی‌ها که به قدر دویست و پنجاه نفر می‌شدند و نصف ملاح و نصف دیگر سرباز بودند، در میان دو فروند کشتی وارد شده، و در ساعت یازده به بوغاز وارد شدند که بوغاز آب شیرین را از بوغاز آب شور جدا می‌سازد. آن‌ها در حالتی که از طرف قشون عارابی پاشا شلیک می‌شد، از آن زمین عبور نمودند. همین که انگلیسی‌ها به زمین خشک رسیدند، بایستی با اعراب که به قدر صد متر پیش آمده بودند، رو به رو شوند. جنگ خیلی سخت بود، چهار ساعت طول کشید و وقتی به انتها رسید که شلیک خوبی به طرف قشون عارابی پاشا شد. قشون عارابی پاشا نتوانست مقاومت به شمشیر قشون انگلیس نماید، لهذا فرار کرده و موافق راپورت رسمی شصت و دو نفر اسیر از آن‌ها در دست انگلیسی‌ها ماند، ۱۶۸ نفر از نش اعراب در میدان جنگ جمع شده بود. فراریان نیز یک فروند توپ گروپ در دست انگلیسی‌ها گذاردند. از انگلیسی‌ها به جز آنهایی که غرق و مجروح شده بودند، به همه جهت دو نفر کشته شده است. همین که اعراب فرار نمودند سردار قشون انگلیس حکم نمود که راه آمد و شد را برقرار نمایند.

در این بین قشونی که در اسمعیلیه آمده بودند، بر قشون عرب که در نفیش بودند، فتح نموده و قشون عرب به طرف تل کبیر عقب رفت و در آنجا عارابی پاشا قشون جمع نموده بود. در آن وقت مأموریتی که به امیرال حسن کنینر سپرده شده بود به اتمام رسید، بوغاز سوئز را قشون انگلیس تصرف کرد و دشمن آنجا را به کلی خالی کرده بود و جنرال سر گارنت ولزلی به ریاست کشتی‌های زره‌پوش حاضر شده و هفت هزار نفر میان آنها بود. آن ۲۶ فروند کشتی با حالتی که موزیکال می‌نواختند و بیرق‌ها را باز نکرده بودند، از جلوی بعضی از کشتی‌های خارجه فرداً فرد عبور نمودند. در میان کشتی‌های خارجه، یک فروند کشتی فرانسه بود که اهالی آن از روی شوق به کشتی‌ها سلام می‌دادند. چون کمپانی سوئز مضایقه نمود که به آنها ملاح بدهد، بعضی وقایع روی داد، به کشتی‌های دیگر در سواحل صدمه وارد آمد. با وجود این در دقیقه کردن کشتی‌های زره پوش و غیره ممانعتی وارد نیامد و سایر کشتی‌ها در امتداد بوغاز صف کشیده و اهالی آنها مترصد بودند که به حکم اول از کشتی‌ها بیرون آمده و در داخل مصر بروند. مقاصد سر گارنت ولزلی مخفی است. از جمله خیالاتی که در حق او می‌رود این است که از اسمعیلیه و نه از سوئز به طرف

قاهره خواهد رفت. این راه اگر چه مُستقیم‌ترین راه نیست، ولی از سایر راه‌ها آسان‌تر است، راست است که او بین راه خود استعدادی را که عارابی پاشا در تلّ الکبیر تخمیناً به مسافت سی کیلومتر از بوغاز جمع نموده بود، ملاقات خواهد نمود و این استعداد محض این است که راه اسمعیلیه را به قاهره مسدود نماید. سرگارت ولزلی پس از آنکه قشون عارابی پاشا را در تلّ الکبیر متفرّق نمود، زاگازیک را تصاحب نموده و به سرعت به قاهره وارد خواهد شد. راست است که عارابی پاشا چنانچه به ملاحظه رسید، می‌تواند به اعانت راه آهن قبل از او به قاهره رسیده و به این وضع خود را از چنگ او خلاص نماید. ولی موافق بعضی از روزنامه‌جات معلوم می‌شود که جنرال ولزلی این تفصیل را فهمیده و اقدامات لازمه در این باب به عمل آورده است و هرگاه عارابی از قشون انگلیس که از اسمعیلیه می‌آید فرار نمود و خود را از دست آنها آسوده نگاه داشت، قدری بالاتر به دست اردوی انگلیس خواهد افتاد که مُرکّب از ده هزار نفر می‌باشد. شهرت دارد که بیشتر قشون که از هندوستان وارد می‌شود، به جای آنکه تا بوغاز سوئز برود، دیروز در کوزر در سواحل دریای احمر پایین آمده است. بنابراین اگر گفته‌اند که آنها به سوئز وارد شده‌اند، اشتباه است. سرکرده آنها که جنرال ماکفرسن می‌باشد با صاحب‌منصبان خود فقط به این جا آمده است. محض آنکه از جنرال ولزلی دستور العمل و حکم دریافت نمایند. هرگاه این اطلاعات صحیح باشد قشون هندوستان از کوزر به طرف کنه می‌روند، محض آنکه نگذارند عارابی پاشا نتواند به طرف سودان عقب برود. در صورتی که از دست قشون جنرال ولزلی بتواند فرار نماید. عجالتاً در باب وضع عارابی پاشا به هیچ وجه اطلاع صحیح حاصل نیست. روز دوشنبه شهرت داشت از اینکه او راه آهن را مغتنم بشمارد و محض آنکه فوراً به طرف قاهره عقب بنشیند، الحال می‌گویند که او در کافردوار منتظر دشمن است که در آنجا جنگ سختی بنماید، ولی خیلی ممکن است که خود او اخبار مخالف شهرت بدهد. محض آنکه انگلیسی‌ها را از مقاصد حقیقی خود بی‌اطلاع بدارد. هر چه باشد به نظر یقین می‌آید که از ورود انگلیس‌ها در سواحل بوغاز سوئز اطلاع به هم رسانیده است. آنچه اطمینان داده‌اند او با چندین نفر صاحب منصب در حین شدّت جنگ که روی داده است به نفیش رفته و او حکم عقب‌نشینی را به طرف تلّ الکبیر داده است. او به علاوه راه عباسیه را به نزدیکی قاهره در سوئز نقب زده است. به خیال آنکه مبدا انگلیس‌ها از این سمت حرکت نمایند. دستورالعمل قشون انگلیس در رمله این است که عارابی پاشا را متصلاً خسته نموده، او را از طرف کافردوار مشغول نموده و در صورتی که خواسته باشد عقب بنشیند سواره‌نظامان خود را از تعاقب او وادارند. روز دوشنبه وقت عصر جنگ جدیدی روی داده است که نتیجه آن چندان معلوم نیست. تفصیلی که در امتداد بوغاز پس از تصرّف آنجا روی داده است، موافق ذیل است:

در بندر سعید امنیت بر طرف نگردیده است. حین ورود قشون انگلیس وحشت غربی روی داد، ولی این وحشت به زودی رفع شده و داکین مجدداً باز شده است و کارها مجدداً بهتر از پیشتر شروع شده است. مسیو فردیناند از منزل خود بیرون نمی‌آید و از قراری که می‌گویند تکسر مزاج را بهانه کرده و نمی‌خواهد از هیچ کس پذیرایی نماید؛ چنانچه معلوم می‌شود روز قبل از ورود قشون انگلیس به صاحب‌منصبان قشون عرب ضیافتی داده است و مستحفظین قشون عرب روز بعد اسلحه خود را کنار گذارده. جنرال ولزلی

مهمان‌خانه هالاند را به مبلغ دویست هزار تومان خریده و آنجا را سربازخانه به جهت ملاحان انگلیس قرار داده است. در سوئز همه چیز امن است و کشتی‌های تجارتی به خوبی می‌توانند آمد و شد نمایند و از بابت آمد و شد به جهت آنها قدغن نیست. کشتی‌های انگلیس جمیع مواقع منظوره را تصرف نموده‌اند. در اسمعیلیه محمود پاشا فهمی وزیر سابق فواید عامه که عارابی پاشا سرکردگی تل الکبیر را به او سپرده بود، با دو نفر صاحب‌منصب که با او در این شهر مخفی شده‌اند، دستگیر شده‌اند و این اشخاص عمده هستند که دستگیر گردیده‌اند. اول جنگ شخصی که روی داد شب سه‌شنبه در کارسازین بود. موافق مخابره‌ای که از بندر سعید رسیده است، در این جنگ ۱۲۰ نفر از قشون انگلیس تلف شده است، با وجود این خسارت کلی به دشمن روی داده و یازده عراده توپ از او گرفته شده است. این دفعه قشون عارابی پاشا بنای یورش را گذارد. این خبر یقیناً غیر مُترَقَب بود.

صبح روز دوشنبه چنانچه به خاطر هست، جنرال ولزلی تلگراف نمود که به واسطه اطلاعاتی که در جلوی کاساسین به دست آمده بود بر او یقین حاصل شده بود که قشون مصری کاملاً عقب نشسته‌اند. در باب صداقت سرکرده انگلیس تردید و تشکیکی حاصل نیست. اطلاعات را او در شب دوشنبه به دست آورد. مشعل چیان انگلیس تا سیمی به مسافت پنج کیلومتر از کاساسین رفته‌اند و سیمی بین راه ما بین کاساسین و تل الکبیر واقع است و آنها از دشمن اثری مشاهده نکرده‌اند، مگر آنکه دو عراده توپ از دشمن دیده‌اند که متروک افتاده بودند. خبر فوری مصری‌ها به طرف کاساسین که آنجا را روز یک شنبه متروک نموده و تقریباً هیچ مقاومت ننموده بودند، دلیل بر این است که عارابی پاشا یا یکی از ناوهای او که فرمانروایان را جمع کرده‌اند، درصدد برآمده‌اند که کاساسین را به حیطه تصرف درآورند و کاساسین جای عمده و معتبری است؛ زیرا که قشونی که آنجا را در تصرف داشته باشد، بوغاز آب شیرین را نیز در تصرف خواهد داشت. به هر جهت جنگ خیلی سخت بوده است و این فقره از تفسیر مختصری معلوم می‌شود که به توسط تلگراف به ما رسیده است، مصری‌ها شب را منتظر بوده‌اند که بر قشون انگلیس یورش ببرند و عدد آنها مضاعف عدد قشون انگلیس بوده و توپخانه مصری‌ها نیز بر توپخانه انگلیس از جهت عدد توپ بیشتر است.

به تاریخ شب سه‌شنبه قشون انگلیس که مدخل کاساسین را در تصرف داشت، مشتمل بر دو رژیمان پیاده نظام بود که یک دسته سوار و چند عراده توپ نیز داشتند. سرکرده تمام آنها جنرال گراهام بود. مابقی قشون مابین تل المحوته و ماکساما صف‌آرایی نموده بودند، تا به حال انگلیسی‌ها نتوانسته‌اند مانند عارابی پاشا توپ کثیر ترتیب بدهند. انگلیسی‌ها هنوز کاساسین را در تصرف آورند و اعراب مجدداً عقب نشسته‌اند. کاساسین جایی است که به جهت آذوقه و تدارکات اهمیت دارد. اهالی مصر قبل از آنکه روز یک‌شنبه صرف نظر از این محل بنمایند درصدد برآمده بودند که فایده این مکان را کمتر بنمایند و کاری که نموده بودند این بود که اموات و نعش‌های اسب‌ها و شترهای خود را در بوغاز آب شیرین انداخته بودند محض آنکه در آب سمیت پیدا شود. عدد کثیری از سربازان انگلیس که به واسطه راه طولانی در وسط بیابان عطش کلی پیدا کرده بودند به محض اینکه به بوغاز آب شیرین رسیده بودند ظروف خود را مملو از آب کرده و بعد از آنکه به حد فراوان از آن نوشیده بودند، به بعضی از آنها درد شدیدی عارض شده و

آنها را مجبوراً به مریض‌خانه فرستاده بودند. از آن به بعد اطبایی که همراه قشون بوده‌اند، قدغن کرده‌اند که از اهالی انگلیس از آن آب ننوشند مگر وقتی که بوغاز مزبور را خوب پاک کرده و آب آن به قاعده جریان حاصل نماید.

سربازان انگلیس را که به واسطه نوشیدن آب ناخوش شده بودند به عمارت خدیو مصر حمل و نقل نمودند. عمارت مزبور که در اسمعیلیه واقع است مبذل به مریض‌خانه گردیده است. در آنجا تخمیناً دویست نفر انگلیس مریض است که به مرض اسهال و غیره مبتلا شده‌اند. هوای گرم مملکت مصر بیشتر از آتش دشمن اهالی انگلیس را تلف می‌نماید. از قشون هندوستان به عدد کثیر به اسمعیلیه وارد می‌شود و به این وضع عدد قشون جنرال ولزلی به هفده الی هجده هزار نفر می‌رسد. تلگراف به ما اطلاع داده است که محمود فهمی نایب عارابی پاشا روز یک‌شنبه در کاساسین به دست انگلیسی‌ها افتاده بود و این فقره به جهت قشون عارابی پاشا ضرر کلی دارد. محمود فهمی وزیر فواید عامه در وزارت عارابی پاشا یکی از بهترین متعلمین نظامی قاهره بوده است و قبل از این جنگ ناظم کل استحکامات بوده است. از ابتدای جنگ او نیز مانند عارابی پاشا در جنگ شراکت داشت و او مخصوصاً نقشه استحکامات کافردوار و تل الکبیر را کشیده و در حقیقت در آنجا قشون مصری ریاست داشت.

تفصیل دستگیر شدن او خیلی غریب است. اعراب بدون اطلاع او کاساسین را تخلیه نموده بودند. در همان وقت محمود فهمی که به واسطه راه آهن تل الکبیر وارد گردیده، تنها در قریه داخل شده و چندان گمان نمی‌نمود که قشون انگلیس در آنجا باشد. چون لباس غیر نظامی پوشیده بود، واهمه نداشت از این که او را بشناسند و با کمال جسارت نزد جنرال دوری لوو رفته و با او به فرانسه صحبت نمود. پس از نیم ساعت صحبت محمود فهمی می‌خواست همان طوری که آمده بود مراجعت نماید. در این بین یک نفر از صاحب‌منصب مصری که چند دقیقه قبل اسر شده بود، از جلوی جنرال دوری لوو گذشته و فریاد نمود که شخصی که شما با او گفتگو می‌نمایید محمود فهمی نایب عارابی پاشا [است]. البته این فقره خیلی اسباب تعجب جنرال دوری لوو گردیده و او فوراً مقرر داشت که محمود فهمی را دستگیر کرده و او را به اردوی جنرال ولزلی فرستاد. ما از اطلاعات محمود فهمی چیزی نخواهیم گفت؛ چرا که هر تفصیلی را که او از عدد قشون مصر و از خیالات عارابی پاشا بیان نماید خالی از صحت خواهد بود و به هیچ وجه نمی‌توان بر اقوال و اعتماد نمود. یک دسته از قشون مصر بر یکی از کشتی‌های انگلیس، تهیات و مهمات جنگ می‌آورد، حمله نموده است. از آن زمان با هر کشتی که وارد می‌شود مستحفظ مقرر است که مانع شوند از اینکه مصری‌ها بر کشتی‌های مهمات جنگ و غیره یورش ببرند.

در روزنامه بعد تفصیل ذیل نوشته شده است: عارابی پاشا بالاخره با انگلیسی‌ها مواجهتاً جنگ نموده است؛ چنانچه گمان می‌رفت او روز یک‌شنبه در راه تل الکبیر قشون خود را که از کاساسین به مشاهده قشون انگلیس فرار نموده بودند، ملاقات کرده و آنها را شخصاً به کاساسین آورده است. محض آنکه آنجا را که بدون حکم و بدون اطلاع او ترک نموده بودند، به حیطة تصرف درآورند. تفصیلی که در باب جنگ به ما رسیده و به قدر کفایت کافی است، اسباب این است که بتوانیم در بعضی نکات تفصیل اول

را که به توسط تلگراف به ما رسیده بود، تصحیح نموده و صحت آنها معلوم گردد. پس از آنکه مخابرات قرائت شد، اول چنین اعتقاد رفته بود که پیش قراولان انگلیس از مراجعت مصری‌ها از جلوی کاساسین اطلاع حاصل ننموده بودند، مگر به واسطه جنگی که شب دوشنبه با مصری‌ها کرده بودند. روز دوشنبه انگلیسی‌ها از مسافت بعیده صدای شلیک توپ شنیده بودند. اول نفهمیدند که این شلیک از کجاست، ولی چنین فهمیده بودند که مصری‌ها به واسطه نفاقی که مابین آنها افتاده است به روی یکدیگر شلیک می‌نمایند و محتمل است که یک قسمت از قشون عرابی پاشا مضایقه کرده باشند، به طرف مواقعی که روز قبل به توسط انگلیسی‌ها متروک شده بود بروند و عرابی پاشا به طرف آنها شلیک کرده باشد که به جهت دیگران سرمشق شود.

به هر جهت این تفصیل احتمالی بود که انگلیسی‌ها داده بودند، ولی دو ساعت بعد مصری‌ها به عدد کثیر روی تپه‌های ابوریشه که کاساسین را احاطه نموده است، ظاهر شدند. فوراً در اردوی انگلیس این فقره خبر رسید و جنرال گراهام که استعداد و مرکب از سه باطالیان پیاده نظام رژیم آنچهل و ششم بود و چند باطالیان از رژیمان هشتاد و چهارم و یک دسته سوار و یک دسته پیاده بحری و پنج عزاده توپ بود، جنرال گراهام فوراً مقرر داشت که چند نارنجک به طرف دشمن که پیش می‌آید، بیندازند. مصری‌ها توقف کرده و با کمال ضعف جواب دادند که عدم حرکت آنها اسباب این شد که جنرال گری هم فرصت پیدا کرده و تخمیناً از استعداد دشمن اطلاع به هم رساند و قشون مصری مُشتمل بود بر دو رژیمان قشون پیاده نظام به قاعده پنج الی شش هزار نفر از اعراب بدوی سواره و دوازده الی سیزده عزاده توپ عدم تناسب مابین قشون انگلیس و قشون مصری بی‌اندازه بود. جنرال گراهام فوراً با تلگراف به جنرال دوری لوو که در ماکساما بود، اطلاع داد. جنرال دوری لوو از تومان اول سواره نظام تخمیناً شش کیلومتر مسافت داشت. یک ساعت به ظهر مانده، جنرال دوری لوو با قشون خود وارد کاساسین شدند. مسافت طولانی در هوای گرم طی کرده بودند، بین راه باد به شدت می‌وزید و به این واسطه شن زیاد از زمین برخاسته و طوری بود که سواره نظامان به زحمت طی مسافت می‌نمودند و بعضی اوقات مجبور بودند که در طی مسافت سُستی پیدا کرده، قدری توقف نمایند. به محضی که دوری لوو وارد شد جنرال گراهام مجدداً به طرف اعراب شلیک نمود. اعراب در جواب شلیک نمودند و سه ساعت از ظهر گذشته عقب نشسته و در عقب تپه‌ها ناپدید گردیدند. جنرال گراهام چنین گمان نمود که آنها به کُلّی عقب نشسته باشند. به این جهت به جنرال دوری لوو و سواران نظامی اجازه داد که به ماکساما مراجعت نمایند. وقتی که سواران داخل اردو شدند، شش ساعتی شب بود. به محضی که از اسب پیاده شدند تلگرام اکیدی به آنها رسید دایر به احضار آنها به کاساسین بود. بعد معلوم شد که عقب نشستن اعراب محض خدعه و تزویر بود.

مابین ساعت پنج و شش عرابی پاشا روی تپه‌های ابوریشه ظاهر گردید و توپخانه‌های خود را به فاصله هزار و پانصد متر از اردوی انگلیس قرار داده و غفلتاً آنها را آشکار کرده و یک مرتبه به طرف قشون انگلیس بنای شلیک سخت گذارد. در این بین قشون پیاده نظام او به طرف قشون پیاده بحری انگلیس و رژیمان‌های چهل و ششم و هشتاد و چهارم انگلیس که در سواحل بوغاز آب شیرین توقف داشتند، یورش

برد. یورش آنها بسیار به قاعده شد و اهالی مصر این دفعه بهتر از جنگ‌های قبل رفتار نمودند. قشون انگلیس که از حیثیت عدد نسبت به قشون عارابی پاشا قلیل بود، در شرف این بود که عقب نشیند. در این بین از عقب صدای سواران نظامی خود را که از ماکساما مراجعت می‌نمودند، هفت ساعت از ظهر گذشته بود و شعاع ماه‌شن‌های صحرا سایه افکنده بود. یک ربع ساعت بعد از آن جنرال دوری لوو سمت عین عارابی پاشا را به کلی شکست داده بود و مسافت آنها با چنداول قشون عارابی یک کیلومتر بود. در این بین صدای شدیدی برخاست و اهالی مصر تازه سواران نظامی انگلیس را مشاهده کرده و توپ‌های خود را به طرف آنها گردانیدند. جنرال دوری لوو به سواران نظام خود حکم نمود که صف خود را گشوده که دو عراده توپ را که با خود آورده بود بگذارند عبور نمایند. ولی چون قشون پیاده نظام مصر پیش می‌آمد، او حکم نمود که سواران تفنگ‌های خود را حاضر کرده و توپخانه مهیای شلیک شود. فوراً سواران به ریاست کلنل بیکر روسل پیش رفته و مشغول شلیک شدند. جنگ به خوبی شروع شد. سواران مستقیماً به طرف توپچیان مصری شتافته و با شمشیر از چپ و راست میان آنها ریخته و مصری‌ها با کمال تعجیل عقب نشسته و مقتولین و اموات خود را در میدان جنگ گذاردند. این جنگ به همه جهت نیم ساعت طول کشید. قبل از ده ساعتی شب راه کاساسین به تل الکبیر باز بوده و جنرال گراهام که قشونش خیلی زیاد شد، خود را مهیا نمود که به اتفاق جنرال سر گارنت ولزلی پیش برود و آنها شخصاً به پیش‌قراولان رسیدند. تلگراف که در باب تلفات مصری‌ها چیزی نگفته است. در باب انگلیسی‌ها می‌گوید که از انگلیسی‌ها هشت نفر مقتول و شصت و یک نفر مجروح شده‌اند. از میان مقتولین یک نفر صاحب منصب بوده است. این فقره نقلی ندارد. چون که یورش کلی از طرف مصری‌ها به قشون جنرال‌گری هم برده شده، ولی به واسطه وقایعی که از تفصیل آنها اطلاع نداریم، توپ‌های مصری‌ها اگر چه با شرانیل پر شده بودند، اثر کلی نکرده‌اند. اما در باب شلیک تفنگ به واسطه آن عدد مجروحین پیش از عدد مقتولین بوده است. از تفنگ‌های اهالی مصر ندرتاً جراحت کاری وارد می‌آمد. از طرف رمله خبر تازه نیست. همین قدر به نظر می‌آمد که مصری‌ها مواقع خود را در کافردوار، ابوکیه و مکس مستحکم می‌نمایند و جنرال حاملی استعداد خود را کمتر نموده و یک قسمت آن را به طرف اسمعیلیه فرستاده است.

اهالی اروپا به عدد کثیر به اسکندریه می‌روند و این فقره اسباب وحشت کلی به جهت حال مصر است. روزنامه منی‌تر مصر که روز سه‌شنبه به طبع رسید نوشته متحد آلمانی از طرف شرف پاشا منتشر نموده است که به کارپردازان اهالی اروپا نوشته شده است و این نوشته دایر بر این است که هیچ یک از اهالی خارجه که اسباب معاش ندارند و حقیقتاً در مملکت مرجع کاری نمی‌شد، اجازه ندارند که از کشتی پایین آمده، به مملکت مصر داخل شوند. این قدغن نیز برای عملجات می‌باشد که می‌خواهند در مصر به جهت خود کاری پیدا کنند. شریف پاشا از کارپردازان دول خارجه خواهش نموده است که این مطلب را در بنادر خارجه زیاد منتشر نمایند. چون که دو مطلب است که اسباب این قدغن می‌باشد: یکی آنکه اهالی مصر از ورود اهالی خارجه وحشت کرده، اسباب عدم امنیت می‌گردد؛ و ثانیاً آب و تدارک کافی چندان برای آنها نخواهد بود. موافق روزنامه دیگر معلوم می‌شود که یک جنگ پیاده نظام دیروز مابین پیش‌قراولان

انگلیس در کاساسین و پیش‌قراولان عارابی پاشا در گرفت. در باب نتایج و معنی آن هیچ تفصیلی در دست معلوم نیست که آیا این فقره ابتدای جنگ عمومی یا جنگ اتفاقی بوده است. همین قدر قبل از شلیک جنرال ولزلی قشون را سان داده بود. ورود او به اسمعیلیه تا به آن وقت این کار را نکرده بود. موافق تلگراف چنانچه اطمینان داده شده است، معلوم می‌شود که عارابی پاشا از طرف سالالیه در راه قنطره سه هزار نفر جمع نموده است. محتمل است که آنها در آنجا توقف طولانی ننمایند. چون سر گارنت ولزلی قصد دارد که از این سمت اطلاعات کلی تحصیل نماید و آنچه لازمه اهتمام است به عمل خواهد آورد که مابین اسمعیلیه و بندر سعید راه آمد و شد داشته باشد. محض این فقره در جلو مواقع خود در کاساسین استحکامات نموده است. مجدداً گفتگو است از اینکه محمد صادق که رئیس دسته طرابلس سنوسی می‌باشد، وعده نموده است که با عارابی پاشا همراهی نماید و قرار داده است که سی هزار نفر از سواران طرابلس به طرف مصر بفرستد. هرگاه این خبر صدق داشته باشد اهمیت کلی پیدا خواهد کرد.

آنچه گماشته روزنامه‌نگار انگلیس در ختم مطلب خود نوشته است، این است که صرفه جنرال ولزلی این است که جنگ آخری را به زودی که امکان دارد شروع نماید و شکی نیست در اینکه او این خیال را دارد و حال آنکه بر خلاف این فقره سه یا چهار روز است که شهرت‌ها پیدا کرده است. در اسکندریه چیز قابل ملاحظه نیست، مگر آنکه روز سه‌شنبه معلوم شده است که بعضی اشخاص تمهید و توطئه می‌نمودند که خدیو مصر و اهالی اروپا را به قتل رسانند. مسیو آن تونوپولو کارگزار قنصل‌گری یونان یقیناً در این توطئه شراکت داشته و او را مجدداً به یونان خواهند برد. موافق روزنامه دیگر معلوم می‌شود که جنگی که در جلوی کاساسین روی داده است و تفصیل آن را تلگراف به ما اطلاع داده، یقیناً اهمیت فوری نداشته است. این جنگ را قشون مصر که به طرف سنگرهای جنرال گراهام محض اطلاع رفته بود، شروع نموده است. به جهت سواران نظامی مصر جنگ بی‌نتیجه بود و آنها مجبوراً به تعجیل به طرف مواقع خود عقب نشسته‌اند و این فقره به همه جهت جنگ حربی بوده است. روز ششم ماه سپتامبر پنج ساعت به ظهر مانده، حینی که جنرال گراهام قشون خود را سان می‌داد، قراولان او مشاهده نمودند که سواران نظام عرب پیش می‌روند.

موافق اطلاعات آخری که رسیده است و گماشته روزنامه دیلی‌نیوز داده است، معلوم می‌شود که استعداد قشون عارابی پاشا موافق تفصیل ذیل تقسیم شده است: در کافردوار دو رژیمان پیاده نظام که هر یک سه باطالیان دارد سه دسته سوار ده هزار نفر اعراب بدوی که روی هم رفته شانزده هزار و پانصد نفر می‌شود، به علاوه چهل و نه عراده توپ دارد که تولیا پاشا به ریاست آنها برقرار است. در قلعه مکس در سمت دریاچه مارپوت چهار رژیمان پیاده نظام دو دسته سوار و شش هزار نفر اعراب بدوی که روی هم رفته نه هزار و پانصد نفر می‌شود، به علاوه هیجده عراده توپ است که علی‌ریب به ریاست آنها برقرار است. در زرت سه رژیمان پیاده نظام که عبارت از دو هزار و چهار صد نفر باشد. در ابوکیه چهار هزار و هشتصد نفر یک دسته سوار و هزار و پانصد نفر اعراب بدوی و دوازده عراده توپ گروه در آدمیت افواج سیاه است که استعداد آنها پنج هزار نفر می‌شود و به علاوه دوازده عراده توپ است که عدله پاشا به ریاست آنها مقرر

است. در تلّ الکبیر بیست و هفت باطالیان پیاده نظام و شش دسته سوار و هشت هزار نفر اعراب بدوی که روی هم رفته بیست و هشت هزار و صد نفر می‌شود و پنجاه و هشت عرّاده توپ است که چهل عرّاده آنها توپ گروب بوده و دوازده عرّاده توپ کوه که عارابی و رشدی پاشا به ریاست آنها برقرارند. در سالیله دو رژیمان پیاده نظام و هشت نفر اعراب بدوی که روی هم رفته سیزده هزار و صد نفر و دوازده عرّاده توپ است، تمام استعداد قشون عارابی پاشا هفتاد و شش هزار و نهصد نفر آدم و صد و شصت و یک عرّاده توپ است. از این استعداد به قدر چهل و یک هزار نفر و هفتاد عرّاده توپ مقابل قشون انگلیس در کاساسین می‌باشد و حال آنکه قشون انگلیس در آنجا بیست و پنج هزار نفر آدم و چهل یا پنجاه عرّاده توپ است. آنچه معلوم می‌شود علامات جنگ در آنجا هویداست.

از لندن به تاریخ نهم ماه سپتامبر تلگراف کرده‌اند که شلیک قشون پیاده نظام در کاساسین شروع شده است. توپ‌خانه و قشون به تعجیل تمام پیش فرستاده شده‌اند. عارابی پاشا نیز قشون خود را پیش برده است و از قشون او پنج هزار نفر نمایان هستند.

از لندن به تاریخ نهم ماه سپتامبر تلگراف شده که روزنامه دیلی نیز مخابره ذیل را از کاساسین به تاریخ نهم ماه سپتامبر به طبع رسانیده است: شش ساعت از نیمه شب گذشته قراولان سواره نظام خبر آوردند که دشمن با استعداد کثیر به طرف شمال راه آهن پیش می‌آید. انگلیسی‌ها فوراً دست به اسلحه برده، بنای شلیک را گذاردند. پنج ساعت به ظهر مانده شلیک توپ‌خانه شروع شد. قشون عارابی پاشا مسافت کلی را گرفته است. قشون کمکی انگلیس از ماکساما پیش می‌آیند. قشون پیاده نظام انگلیس الحال پیش می‌آیند. دشمن شروع به عقب رفتن نموده است. ایضاً تلگراف شده که دشمن روز نهم ماه سپتامبر به قشون انگلیس یورش برده و جنگ مابین طرفین در گرفته است. قشون پیاده نظام انگلیس الحال پیش می‌رود. جنرال ولزلی به کاساسین آمده، از تلّ المحونه نیز قشون وارد می‌شود. مخابره‌ای که جنرال ولزلی به مسافت سه میل و نیم از مغرب کاساسین فرستاده است، دایر بر این است که دشمن به عدد کثیر وقت طلوع آفتاب در روز نهم به طرف پیش قراولان انگلیس آمده است که استحضار حاصل نماید و جنرال وبلیس چون از این فقره اطلاع به هم رسانیده است، لهذا به طرف دشمن یورش برده و او را عقب نشانیده و تلفات زیاد به آنها وارد آورده و چهار عرّاده توپ از آنها گرفته است. تلفات انگلیس چندان نبوده است. دشمن عقب سنگرهای خود رفته و از آنجا به مسافت پنج هزار متر مشغول شلیک توپ است. جنرال ولزلی با جمیع قشون خود به اردوی کاساسین مراجعت می‌نماید. اردوی اصلی انگلیس در کاساسین برقرار شده است.

ایضاً خبر دیگر دایر بر این است که دشمن یورش برده، ولی عقب نشسته‌اند. ولی وقت ظهر در مسافت سه میل راه جنگ در میان نبوده است، چندین نارنجک در اردوی انگلیس افتاده، تلفات انگلیس آنچه تخمین شده است به صد نفر مقتول و مجروح معین گردیده است. ایضاً مخابره دیگر دایر بر این است که استعداد دشمن در یورش امروز به سیزده هزار نفر تخمین شده و دوازده عرّاده توپ داشته‌اند که پنج عرّاده را انگلیسی‌ها گرفته‌اند و انگلیسی‌ها عدد کثیری اسیر گرفته‌اند.

از اسکندریه به تاریخ نهم ماه سپتامبر تلگراف شده است که چون عدد کثیری از اعراب بدوی انگلیس پیش آمده‌اند، انگلیسی‌ها به طرف آنها چند شلیک توپ کرده‌اند. با وجود این تفصیل یک دسته از اعراب بدوی طرف ظهر داخل مکس شده‌اند. انگلیسی‌ها به آنها یورش برده و آنها را با سرنیزه بیرون کرده‌اند. اعراب بدوی خیلی چالاک هستند. عرابی پاشا قشون خود را به قرآن قسم داده و به آنها اظهار داشته است که این جنگی که با عیسوی‌ها می‌شود، جنگ جهاد است. در طرف اسکندریه مصری‌ها خیلی چابک و چالاک هستند. از سمت تکس نیز خیلی اظهار جلادت از آنها می‌شود. اداره جنگ در لندن لازم دانسته است که در معركة جنگ عمل بالون را برقرار نماید. بنابراین سه دستگاه بالون ترتیب داده و سه نفر مهندس به لوازم آنها اشتغال دارند، محض آنکه آنها را در هفته آینده به طرف مصر روانه نمایند.

در اسکندریه اهالی مصر خیلی شجاعت می‌نمایند، ولی انگلیسی‌ها به سهولت با آنها مقاومت می‌کنند. جنرال سر اولین دود به سمت کافردوار شخصاً رفته است که از مواقع دشمن اطلاع به هم رساند. در میان استحکاماتی که دشمن برای خود قرار داده بود، جنرال مزبور عدد کثیری چادر مشاهده کرده است که هرگاه همه آنها مملو باشند، اقلاً می‌باید ده هزار نفر میان آنها باشند. چیز غریب این است که انگلیسی‌ها روز یک شنبه از طرف دشمن شلیک سختی شنیدند که به قدر نیم ساعت طول کشید و نیز به خاطر هست که قبل از جنگ بیست و هشتم همین قبیل واقعه در کاساسین اتفاق افتاد. انگلیسی‌ها شلیک ثانی را نیز عقیده داشتند که به واسطه نفاقی که مابین قشون عرابی پاشا روی داده است، عرابی پاشا بر یک قسمت قشون خود شلیک می‌نماید. محض آنکه سرمشق به جهت دیگران بوده و مابقی قشون نتوانستند از حکم او سر بیچند.

از رمله خبر داده‌اند که لرد شارل‌برز فرو که رئیس کشتی کندر بود، استعفا نموده و به انگلیس مراجعت خواهد کرد. این صاحب‌منصب در زمان شلیک به طرف اسکندریه کار عمده نمود و بعد از آنکه قشون خود را از کشتی پایین آورد، اسباب برقرار شدن پلیس را در مصر فراهم نمود. این شخص این اواخر به اسمعیلیه رفته، محض آنکه خواهش نماید که در صف اول با قشون عرابی پاشا جنگ نماید، جنرال ولزلی مضایقه نموده که خواهش او را به عمل آورد. به این جهت حکم کرد که او فوراً به اسکندریه مراجعت کند. محض این فقره او هم از ریاست کشتی کندر استعفا کرده و قصدش این است که به انگلیس مراجعت نماید. تفصیل زیر در باب تسخیر تل الکبیر پوشیده شده است. بعضی تفصیل در باب فتح جنرال ولزلی رسیده است، از سمت جلو توپ‌خانه به تل الکبیر یورش برده و بعد آنجا را به طور یورش مسخر نموده‌اند. ۴۲ عزاده توپ جنرال کودلو مشغول به شلیک به طرف استحکامات تل الکبیر شدند و وقت شلیک چهار ساعت از نیمه شب گذشته بود و دشمن منتظر نبود که از طرف قشون انگلیس به این زودی شلیک شود. بنابراین در اول وهله متوحش گردید. توپچیان دشمن نیز مشغول شلیک شدند و به هیچ وجه نمی‌دانستند که کجا تیر می‌اندازند و به این واسطه به انگلیسی‌ها اذیتی وارد نمی‌آمد. ولی همین که آفتاب طلوع کرد و آنها حالت خود را ملتفت شدند، از پنج ساعت به ظهر مانده، شلیک خود را به قاعده ترتیب داده و از آن وقت مانند باران متصلاً میان قشون انگلیس گلوله می‌بارید. آن وقت قشون پیاده نظام انگلیس خود را

به طرف سنگرهای اول مصری انداخته و یک مرتبه مشغول شلیک تفنگ شدند. مدت چند دقیقه مابین توپچیان مصری و قشون پیاده نظام انگلیس که به شدت یورش برده بودند، جنگ بدی بود و انگلیسی‌ها اهتمامات فوق‌العاده می‌نمودند که توپ‌های مصری‌ها را بگیرند. کسی که آنجا حضور داشت می‌گوید قتل کلی شد. ولی آن موضع چندان دوامی نداشت. بعد از ده دقیقه قشون پیاده نظام تمام استحکامات جلو تل الکبیر را مسخر نمودند و فوراً بیرق انگلیس بر سنگر اصلی افراشته شد و قشون مصر به حالت تفرقه فرار کرده و اسلحه‌های خود را انداخته و به طور یأس فریاد بر می‌آوردند. به این وضع تل الکبیر در مدت بیست دقیقه مسخر شد. موافق تخمینی که کرده‌اند، انگلیسی‌ها به قدر سه هزار نفر اسیر نمودند و چهل عراده توپ مصری به دست آنها افتاد. اما عارابی پاشا از دست سواران نظامی انگلیس فرار کرده و با عدد قلیلی از هواخواهان خود به طرف قاهره رفت. جنرال ولزلی اهتمام دارد که او را محاصره نماید. خود او بلیس را تصرف کرده و به طرف کالیوب به مسافت دوازده کیلومتر از بولاق تخمیناً پانزده کیلومتر از قاهره رفته است، ولی قسمت دیگر قشون او به طرف مغرب می‌رود که عقب قاهره بشتابد. جنرال ولزلی با کمال سرعت پیش می‌رود.

این شکست به جهت مصری‌ها کلی بوده است. زاکازیک که یکی از بلاد عمده مغرب است و جمعیت آن چهل هزار نفر است، به حیطة تصرف انگلیسی‌ها درآمد و بلیس نیز تصرف خواهد شد. قشون مصر در کافردوار امید آخر عارابی پاشا می‌باشد و محتمل است که آنها نیز بعد از ۲۴ ساعت دیگر تسلیم شوند. ساکنین قاهره که عارابی پاشا به آنها اعتماد کلی دارد، به خدیو مصر اظهار اطاعت و تمکین نموده‌اند. به این واسطه عارابی پاشا دیگر نمی‌تواند به آنها امید داشته باشد. یک گماشته روزنامه انگلیس می‌گوید که بعد از جنگ تل الکبیر از قشون مصر چیزی باقی نیست و حال چیزی که باید بشود این است که جنرال ولزلی اهتمام نماید از اینکه او را دستگیر بنماید. آنچه خبر صریح داده شده است، جنرال مزبور او را از نزدیکی تعاقب بنماید.

تفصیل زیر به تاریخ چهاردهم ماه سپتامبر در باب تصرف نمودن قاهره نوشته شده است. عارابی پاشا را دیروز رجال محلیه قاهره دستگیر نموده‌اند. پس از جنگ تل الکبیر چون او سواره به طرف زاکازیک فرار می‌نمود که به راه آهن برسد، یک نفر از صاحب‌منصبان او به طرف او تیر انداخته و او را مجروح نموده است. با وجود این تفصیل عارابی پاشا به قاهره رسیده است و شبانه به پایتخت مصر وارد گردیده و در آنجا نیز درصدد بود که چنانچه در اسکندریه رفتار نموده بود نیز رفتار کرده و شهر را آتش زده و ساکنین اروپا را مقتول نماید. رجال شهر چون این مسئله را ملتفت شدند، فوراً او را دستگیر کرده و او اسیر هم‌ملتان خود گردید. محتمل است که عارابی پاشا از حالا در دست انگلیسی‌ها باشد. چون که پیش قراولان و سواره نظامی انگلیس الحال باید به قاهره وارد شده باشند. سرعت حرکت آنها طوری بوده است که زودتر از آنچه گمان می‌نمودند به قاهره رسیده‌اند.

مخابره تلگرافی که رسیده است دایر بر این است که خبر تسخیر تل الکبیر اثر غریبی در اسکندریه نموده است. گماشته روزنامه انگلیس می‌نویسد که اهالی خارجه در قاهره جمع شده و قصد دارند بروند

جنرال الوین وود را تهنیت نمایند. یک دسته موزیکانچی از جلوی آنها رفته و به مقامات انگلیس می‌نواختند و آخر هر مقام این بود که خداوند ملکه را سالم بدارد. اهالی قاهره به جای آنکه در تصرف انگلیسی‌ها تغییر نمایند. ظاهراً از فتح آنها خوشوقت هستند. کافردوار بدون شرط نیز تسلیم شده است و اهالی اروپایی اسکندریه به جمیع دوستان خود که روز بعد از قتل و خونریزش از آنجا بیرون رفته بودند، تلگراف نموده‌اند که همه چیز امن شده و تکلیف آنها الحال مراجعت به اسکندریه می‌باشد.

تفصیلی که بعد از روز سیزدهم سپتامبر یعنی پس از تسخیر تل الکبیر روی داده است از قرار ذیل است: جنرال سر هریت ماکفرسن فوراً پس از جنگ به ریاست سواران نظامی هندوستان محکوم گردید که رفته و زاکازیک را تصرف نماید. هرگاه تتمه قشون عرابی پاشا که فرار نمودند، او را تعاقب می‌نمودند، باز ممکن بود عرابی پاشا کاری بنماید، ولی اهمیتی که او داشت این بود که خود را از دست دشمن نجات دهد. به جهت اینکه جان او در خطر بود. در حقیقت تصرف قاهره به توسط قشون انگلیس فتحی بود که با تسخیر تل الکبیر مساوی بوده و همان قدر اعتبار دارد. محتمل است که یک قسمت از قشون انگلیس چندی مستحفظ خدیو مصر باشند. چون که خدیو مصر که الحال دو ماه است از قاهره بیرون رفته و او را واقعاً بیرون کرده بودند. مجدداً به قاهره مراجعت خواهد نمود که عنان و اقتدار دولت را مجدداً در دست بگیرد. من بعد چیزی دیگر نیست که خدیو مصر را از مراجعت به قاهره ممانعت نماید، چون که اغتشاش در همه جا رفع شده است، تقریباً تمام قشون مصر تسلیم شده است. در سمت تل الکبیر تخمیناً ده هزار نفر اسلحه خود را به زمین گذارده‌اند و این ده هزار نفر استعدادی بوده است که در آن صفحه به جنگ اشتغال داشته است. قشون ساخلوی دامیت اطاعت نموده است و قشون ابوکیه به جهت تسلیم شدن مشغول مذاکره است و قشون ساخلوی کافردوار نیز بدون شرط تسلیم گردیده است. از آنجایی که اهالی مصر به کمال تعجیل اسلحه خود را کنار انداختند تشویش حاصل نیست از اینکه از طرف آنها یورش آورده شود. جنرال الوین وود روز پنج شنبه به کافردوار رفت که با یاغی‌ها در باب شرایط تسلیم شدن مذاکره بنماید. از طرف یاغی‌ها مقاومتی نشده است. آنچه بر او معلوم شد استحکامات کافر دوار شیراز استحکامات تل الکبیر بوده است. هفت الی هشت هزار نفر قشون در استحکامات آنجا جمع بودند و آنها از جنرال وود با کمال ادب پذیرایی نمودند. جمع دوستان عرابی پاشا نزد خدیو مصر رفته نسبت به او اظهار اطاعت و وفا نموده. از روز پنج شنبه چند نفر از اعراب بدوی در میدان جنگ تل الکبیر جمع شده و امیدوار بودند که به سهولت نهب و غارت نمایند. آنها را فوراً بیرون کرده و نگذارده بودند از طرف آنها تخطی و تجاوز شود. در روزنامه دیگر به تاریخ پانزدهم ماه سپتامبر نوشته‌اند که امروز قشون کافردوار اسلحه خود را واگذار خواهد نمود. اهالی مصر از جلوی سر الوین وود دفیله کرده و اسلحه خود را انداخته و خود را از وضع نظامی خارج کرده و لباس غیر نظامی پوشیده و بعد مرخص خواهند شد. مراجعت خدیو مصر به قاهره به طور صریح است. همین که او وارد شد، مجلس محاکمه به قاعده برقرار شده و در باب عرابی پاشا و شرکای او استتناق کرده و حکم تنبیه و حبس درباره او داده خواهد شد. بعضی از همدستان عرابی پاشا دستگیر شده‌اند. خصوصاً محمود پاشا بارودی و سلمان بیگ که بعد از شلیک به آتش زدن اسکندریه پرداختند

و از آن وقت به بعد به ریاست قشون مصری در سلالیه اشتغال داشته‌اند، آنها به طرف مصر اعلی فرار می‌کردند. ولی قشون انگلیس آنها را شناخته و در راه شوبره آنها را دستگیر نمودند. علی فهمی و رشید پاشا که در کاساسین مجروح شدند نیز در دست انگلیسی‌ها هستند. خود عارابی پاشا در قلعه قاهره محبوس شده است. در دو یا سه روز تمام قشون انگلیس در قاهره به همه جهت دو رژیمان از قشون انگلیس در رمله خواهند ماند که اسکندریه را از دست اعراب بدوی محفوظ بدارند. اعراب بدوی وقتی جنگ را تمام شده خواهند پنداشت که دیگر ممکن نشود نهب و غارت نمایند. پس از تسخیر تل الکبیر قشون کافردوار به همه جهت جزئی مقاومت به قشون انگلیس نمودند. در باب عارابی پاشا همه قسم حکایات گفته می‌شود. از قراری که اطمینان داده‌اند هنگام یورش قشون به طرف تل الکبیر او درخت خواب بود و هرگز مترصد نبود که قشون او شکست خورده و او مجبور به سوار شدن و فرار کردن گردد.

تفصیل ذیل در روزنامه دیگر به تاریخ نوزدهم ماه سپتامبر نوشته است که اعراب فرداً فرداً از جلو جنرال سر الوین وود دفیله کرده و قداره‌های خود را به دست صاحب‌منصبان انگلیس سپرده‌اند. سربازان در داخله توقفگاه راه آهن رفته و اسلحه و لباس نظامی خود را در عراده‌هایی که در آنجا قرار داده بودند، گذاردند. اغلب آنها همین تکلف سخت را به عمل آورده و هیچ تفاوتی به احوال آنها ننمود. مع هذا روی صورت بعضی از صاحب‌منصبان علامات غم و غصه هویدا بود. یک نفر بیرق‌دار جوان بود که نمی‌خواست بیرق خود را رها بدارد و بیرق را انگلیسی‌ها از دست او به جبر گرفتند. همین که دفیله به اتمام رسید اشخاصی که یک ساعت قبل حالت نظامی داشتند، از قلعه‌جائی که مدت دو ماه در تصرف داشتند وداع کرده و مجدداً حالت دهقانی به هم رسانیده و در قرای حول و حوش متفرق شدند. صاحب‌منصبان آن‌ها که از حیث عدد دویست نفر می‌شدند، در عمارت رأس‌الطین محبوس ماندند. درست ملاحظه شود از قشون مصر چیزی باقی نمانده است و خدیو مصر به موجب حکم مختصر آن را مرخص نمود. صورت حکم از قرار تفصیل است:

فصل اول: قشون مصر متفرق شده است.

فصل دوم: صاحب‌منصبان از هر درجه که از بابت شورش مقصر هستند، موافق قوانین نظامی تنبیه و سیاست خواهند شد.

در قاهره به جز لباس نظامی انگلیس چیزی ملاحظه نمی‌شود. امنیت تمام موجود است. دکانین که روز اول تصرف و بسته شدند، مجدداً باز می‌گردند. عارابی پاشا در قلعه شهر محبوس است. از قراری که حکایت نموده‌اند وقتی که او شمشیر خود را به دست جنرال دروری لوو سپرد، اظهار داشت که هیچ وقت قصد مجادله با انگلیس‌ها نداشته است و در جنگ مجبوریت پیدا کرده بود و چون جنگ شروع شده بود او به سمت سربازی آن را تا قوت داشت به آنجا رسانید و الحال اهالی مصر و اهالی انگلیس چون مجدداً با یکدیگر برادر شده‌اند، لهذا من خود را مانند سرباز مغلوب به شرف دولت انگلیس می‌سپارم. جنرال دروری لوو به او جواب داد که او مأمور نیست بر اینکه با او مباحثه نماید و فوراً مقرر داشت او را به قلعه شهر ببرند. آنچه تصور شده است دولت انگلیس قصد دارد که در مجلس محاکمه‌ای که اجزای آن مرکب از اهالی

مصر و انگلیس باشند، درباره عارابی پاشا استنطاق نموده و حکم تنبیه درباره آن بنمایند. در نوزدهم ماه سپتامبر قشون ساخلوی ابوکیه اسلحه خود را زمین گذارد. ولی هنوز تماماً تسلیم نشده‌اند. تخمیناً دو هزار نفر فرار کرده و به تقویت شورشیان آخر در دامیت رفته‌اند و آنچه تخمین نموده‌اند قشون ساخلوی آنجا باید هشت هزار نفر باشد. در داخله مصر بعضی اغتشاشات بر ضد اهالی اروپا در بعضی جاها خصوصاً در منصوره در راه دامیت می‌شود و این تفصیل وقایع طبیعی به جهت تصرف مملکت می‌باشد.

پس از آنکه خدیو مصر به قاهره وارد شد و قشون انگلیس را سان دید، به قسمتی بیشتر از قشون انگلیس حکم شد که به وطن خود مراجعت نماید. استعدادی به قدر پانزده هزار نفر به همه جهت در خاک مصر مانده و در آنجا خواهد ماند، تا آنکه دولت انگلیس رضیه حاصل نموده و مملکت به کلی امن و منظم باشد. قشون انگلیس آنهایی که از مصر مراجعت نمودند همین که به وطن خود رسیدند با کمال شوق از آنها پذیرایی شد. اعلی حضرت ملکه از آنها سان دیدند و با دست خود عدد کثیری نشان و امتیازات به آنها تقسیم نمود. صاحب‌منصبان هندی که در جنگ شراکت نموده بودند و در این جنگ خود را مأمور و مشخص کرده بودند، به وضع مخصوص به اعلی حضرت ملکه معرفی شده و اعلی حضرت مرحمت مخصوص به آنها بذل فرمود. بعد از مذاکرات طولانی مابین دولت انگلیس و مصر شورای نظامی برقرار شده و درباره یاغیان حکم نمودند. در باب عارابی پاشا استنطاق به قاعده به عمل آمد، چنین مدلل شد که سلطان عثمانی همیشه عارابی پاشا و همدستان او را تشویق نموده است؛ زیرا که انگلیسی‌ها نوشتجات پلتیکی عمده در این باب به دست آورده‌اند. یک نفر وکیل انگلیسی از عارابی پاشا تقویت نمود. بنابراین او را از منصب نظامی خود انداخته و با سایر رؤسای شورش حکم قتل درباره آنها جاری گردید. دولت انگلیس مع هذا قبل از وقت اطمینان داده بود که عارابی پاشا را نخواهد کشت. بنابراین خدیو مصر پس از آنکه حکم قتل درباره او نمودند، از کشتن او گذشته و عارابی پاشا با همراهانش به جزیره سیلن نفی شدند. جزیره سیلن از متصرفات انگلیس است و در آنجا دولت انگلیس مادام‌العمر به آنها مستمری به جهت معاش آنها خواهد داد و محتمل است که قشون انگلیس هنوز مدتی در مصر بماند؛ ولی جنگ مصر با دستگیر نمودن عارابی پاشا و حکم تنبیه درباره او به اتمام رسیده است.^۱

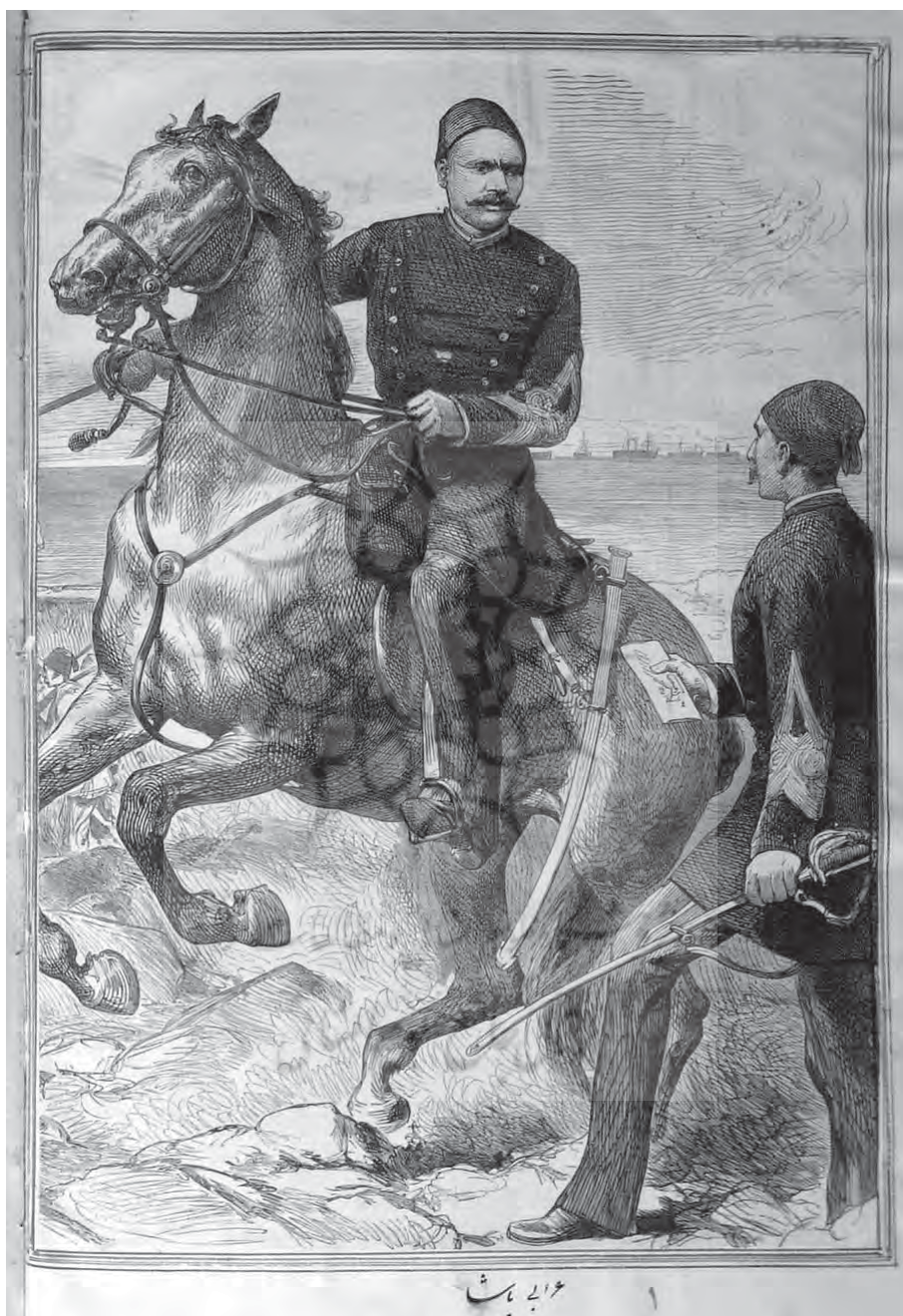
۱. انجامه نسخه: عالی جاه مسیو نرمان سرتیب منشی اصل وزارت امور خارجه ترجمه کرده است، ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۰۰.

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۰، س.ه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / د. ۲، س. ۵، ش. ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲



وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش / ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش / ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه

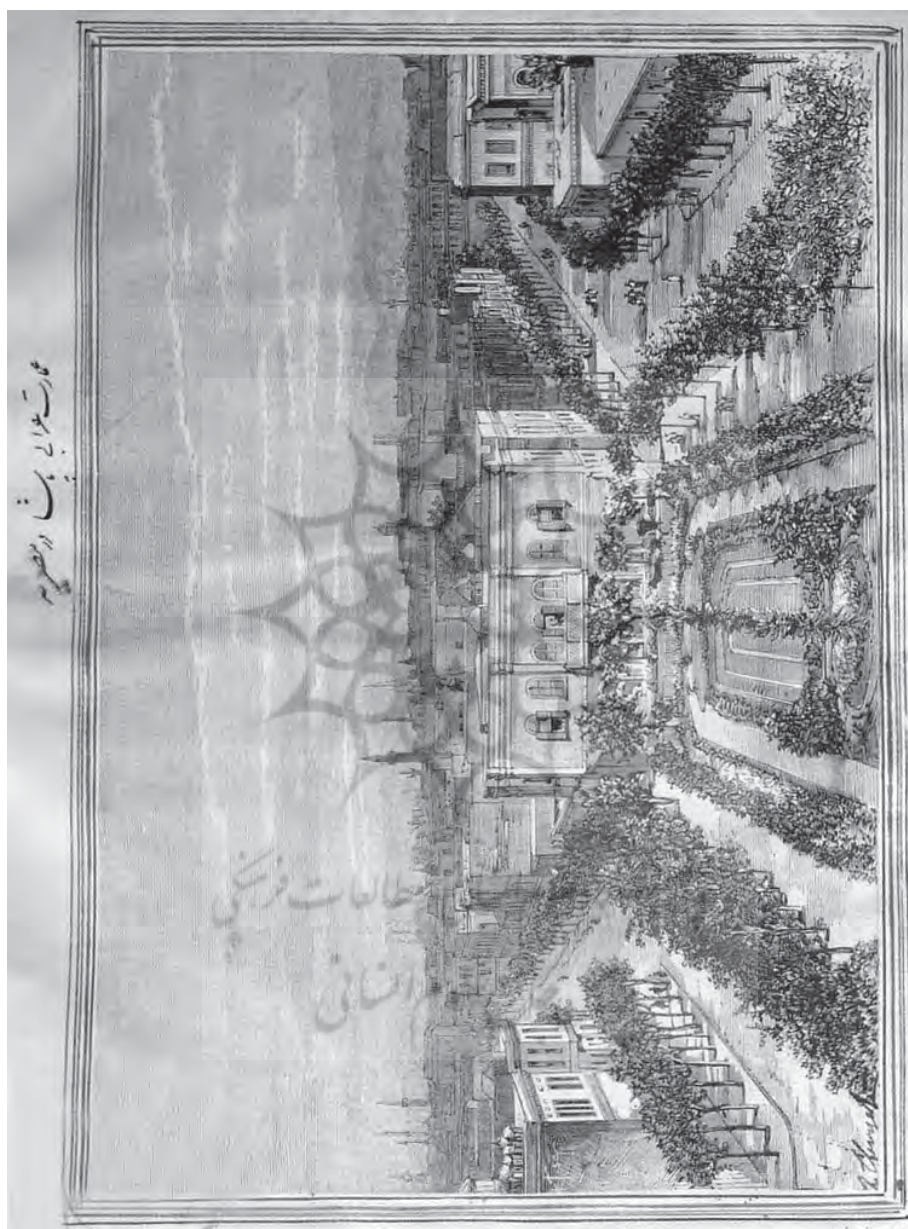


پیام بهارستان / ۲۰، شه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲



یوسف بیگ باباپور

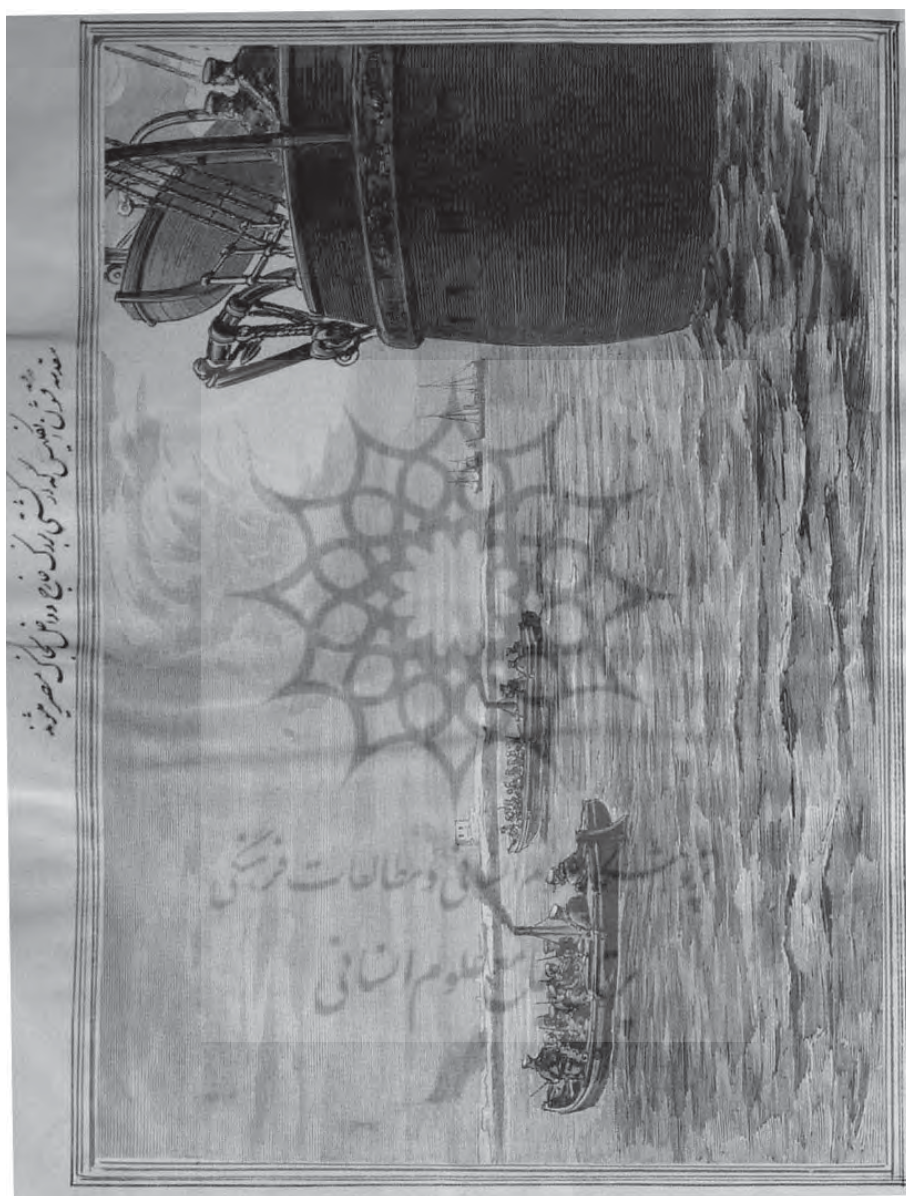
وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲



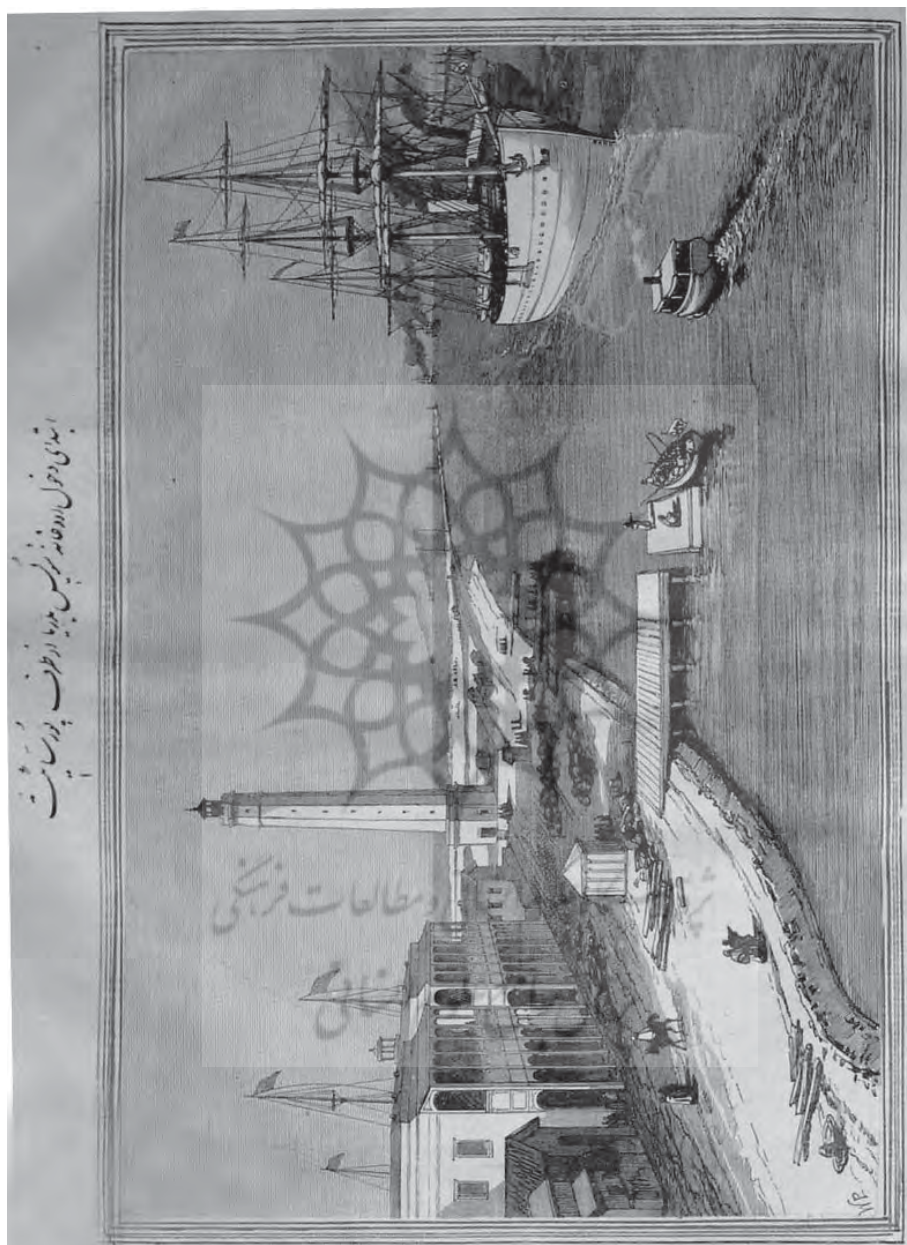
وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲



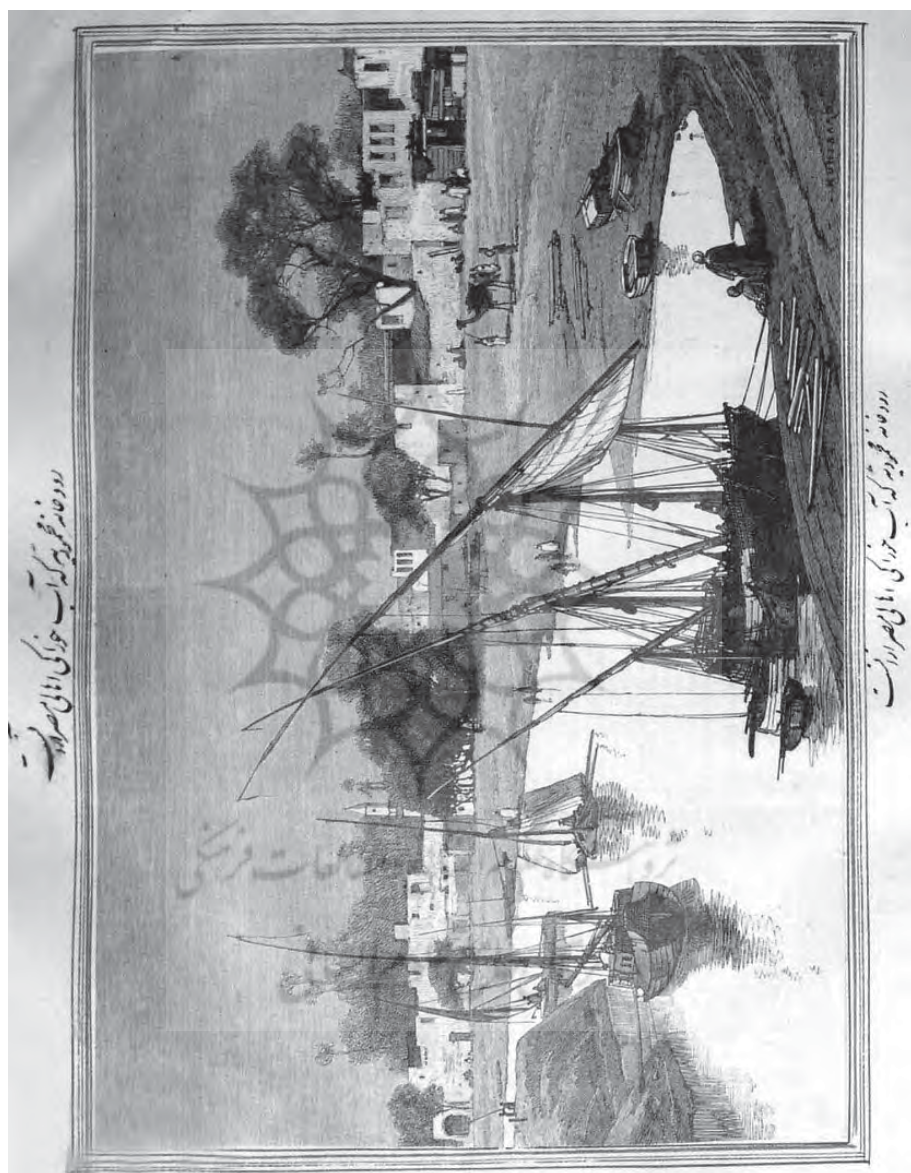
وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



ایستادن و تامل در خانه کبریا از طرف نورست

پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



۲۲

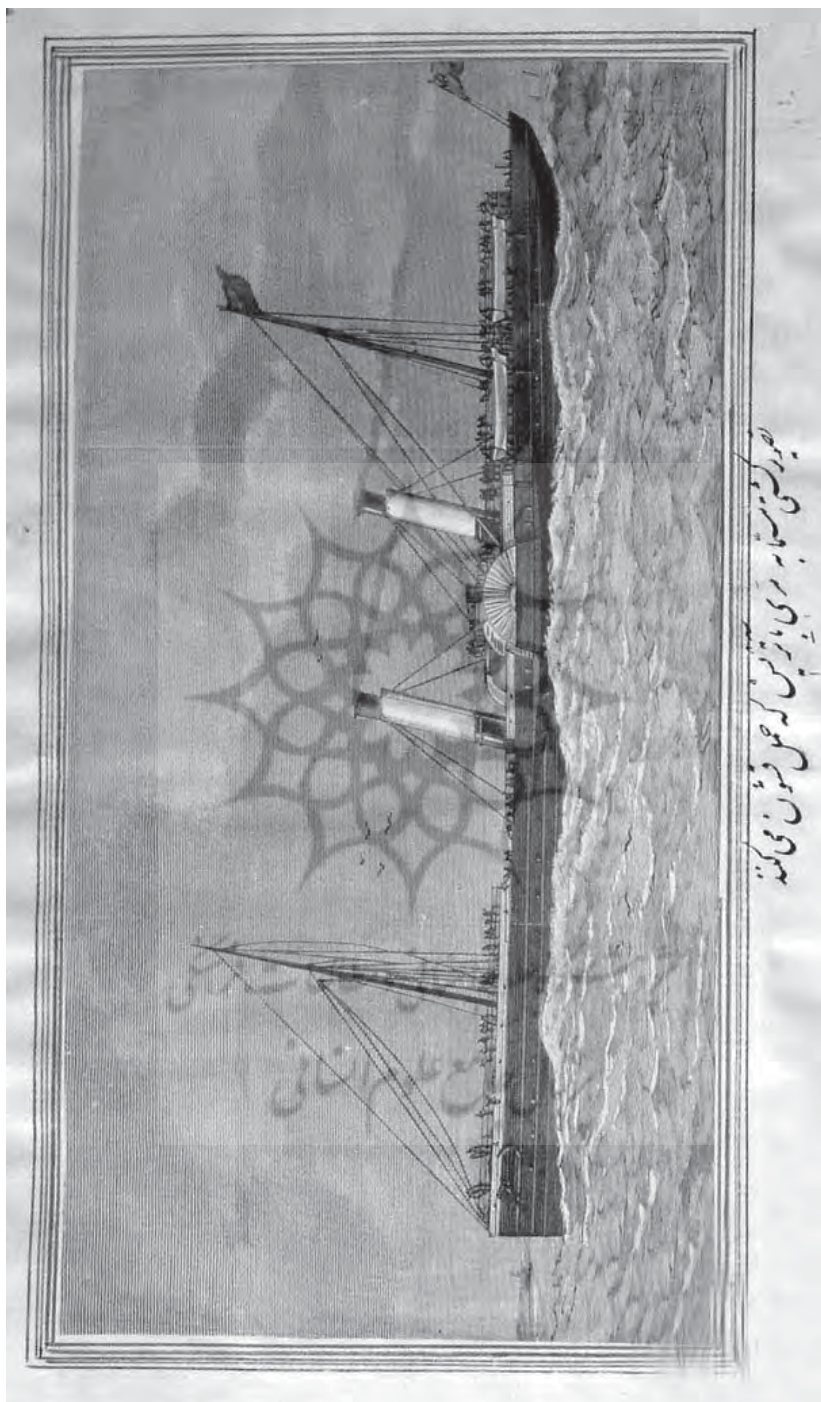
تقریباً در این وقت که در این محله قریب کنده

پیام بهارستان / ۲۵، س، ش / ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عرابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش، ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

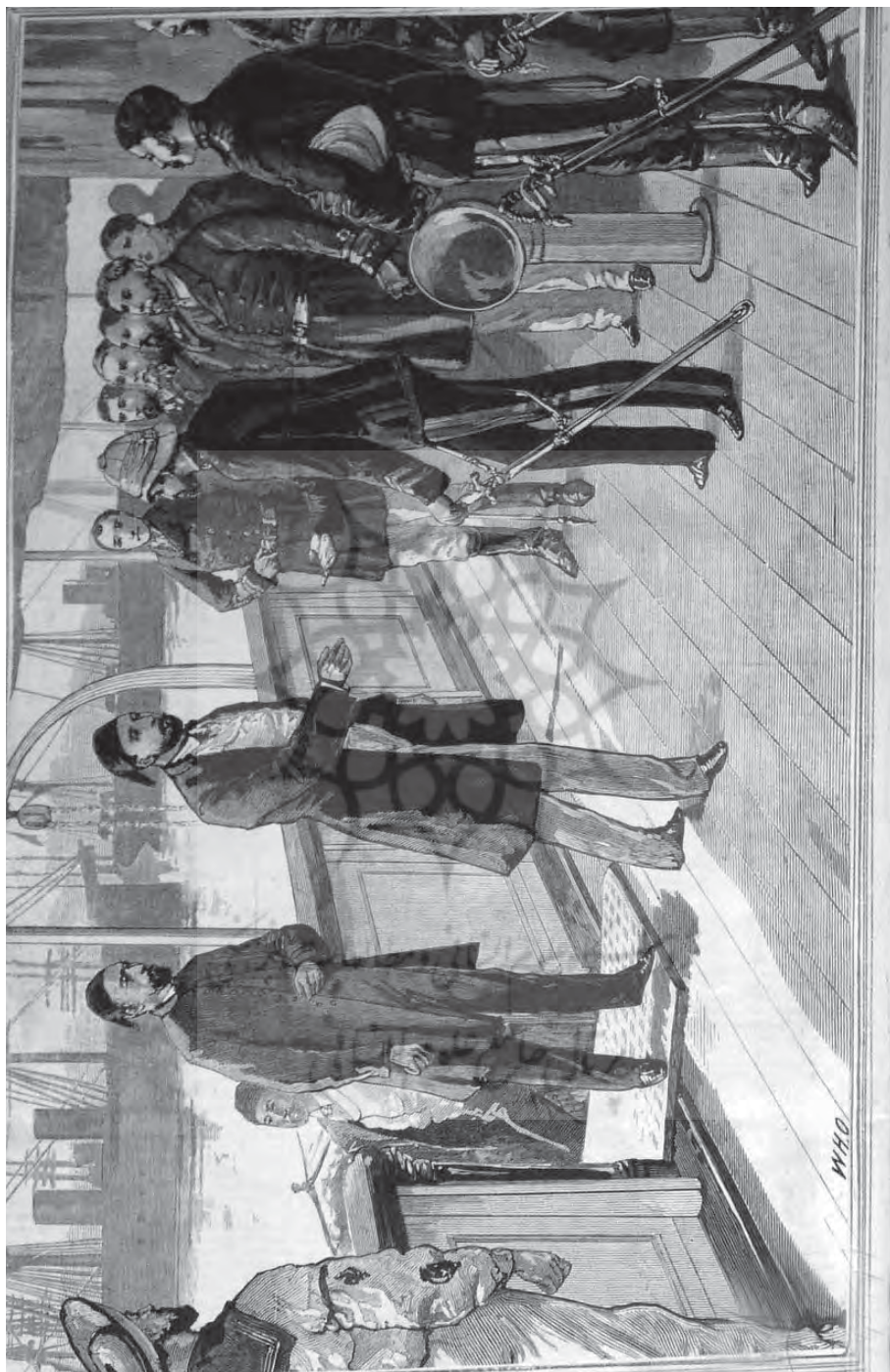
وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارابی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



راهنما جهت سرانان و مجریان امور

پیام بهارستان / ۲۵، ش، ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲

وقایع مملکت مصر (گزارشی از شورش عارایی پاشا در مصر...) / یوسف بیگ باباپور - مسعود غلامیه



پیام بهارستان / د. ۲۰، ش. ۲۰ / تابستان ۱۳۹۲